

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست

۱۳.....	تقلید (درس اول)
۱۵.....	فلسفه تقلید
۱۶.....	اختلاف فتوی
۱۸.....	تشخیص اعلم
۱۹.....	تبعیض در تقلید
۲۰.....	عدول از مرجع
۲۰.....	احتیاط واجب و مستحب
۲۱.....	بقا بر میت
۲۲.....	نجسات (درس دوم)
۲۲.....	حکم الکل
۲۳.....	نجاست کفار
۲۳.....	خون تخم مرغ
۲۳.....	وذی، مذی و ودی
۲۴.....	پوست لب
۲۴.....	خون دندان
۲۵.....	خون روی زخم

- ۲۶..... وضو (درس سوم)
- ۲۶..... شرایط وضو
- ۲۷..... دفعات شستن دست و صورت
- ۲۷..... خشک بودن اعضای وضو
- ۲۷..... رنگ خودکار
- ۲۸..... غسل و وضوء جبیره
- ۲۹..... وسواس
- ۳۱..... غسل (درس چهارم)
- ۳۱..... تفاوت غسل و وضو
- ۳۲..... غسلهای واجب
- ۳۲..... غسل ارتماسی
- ۳۲..... یک غسل با چند نیت
- ۳۲..... وقتی آب ضرر دارد
- ۳۳..... شرم از غسل!
- ۳۳..... شستن مو در غسل
- ۳۴..... غسل جنابت (درس پنجم)
- ۳۴..... غسل احتیاطی
- ۳۴..... محرمات و مکروهات جنب
- ۳۵..... شک در منی
- ۳۵..... غسل باطل
- ۳۶..... غسلهای نمازدار
- ۳۶..... فراموشی غسل
- ۳۶..... استمناء
- ۳۸..... تیمم (درس ششم)
- ۳۸..... اهمیت تیمم
- ۳۹..... زدن دست
- ۴۰..... تیمم بر...

- ۴۱..... تیمم آخر وقت
- ۴۱..... تیمم بدل از وضو
- ۴۱..... تیمم بر غبار
- ۴۱..... تیمم جایگزین وضو
- ۴۳..... اسماء متبرکه (درس هفتم)
- ۴۳..... مس اسماء جلاله
- ۴۴..... بسمه تعالی
- ۴۴..... مسّ نام عبدالله
- ۴۴..... آرم جمهوری اسلامی
- ۴۵..... لمس نام معصومین (علیهم السلام)
- ۴۵..... امحاء اسماء متبرکه
- ۴۵..... گردن بند
- ۴۶..... نماز (۱) (درس ششم)
- ۴۶..... تکلیف نماز
- ۴۶..... نمازهای واجب و مستحب
- ۴۷..... نماز جمعه
- ۴۸..... نماز جماعت
- ۴۸..... لباس نمازگزار
- ۴۸..... مکان نمازگزار
- ۴۹..... حجاب در نماز
- ۵۰..... نماز (۲) (درس نهم)
- ۵۰..... قضای پدر
- ۵۱..... حائل سجده
- ۵۱..... تکرار در نماز
- ۵۱..... خوردن پیشانی به مهر
- ۵۱..... ترتیب زن و مرد
- ۵۲..... تنه خوردن در نماز

- ۵۲..... نماز در قطار
- ۵۳..... نماز (۳) (درس دهم)
- ۵۳..... شک بعد از محل
- ۵۴..... کثیر الشک
- ۵۴..... سجده سهو
- ۵۴..... حضور قلب در نماز
- ۵۵..... حائل بین زن و مرد
- ۵۵..... تعقیبات نماز
- ۵۶..... ازدواج با بی نماز
- ۵۷..... روزه (۱) (درس یازدهم)
- ۵۷..... خون لثه روزه‌دار
- ۵۸..... خلط روزه‌دار
- ۵۸..... عطر روزه‌دار
- ۵۸..... مسواک زدن هنگام سحر
- ۵۹..... سحری و اذان
- ۵۹..... ضعف بدن روزه‌دار
- ۶۰..... نظر پزشک
- ۶۱..... روزه (۲) (درس دوازدهم)
- ۶۱..... باطل کردن روزه
- ۶۲..... استمنای روزه‌دار
- ۶۲..... فراموشی قضای روزه
- ۶۲..... بیماری و قضای روزه
- ۶۳..... مسافرت ماه رمضان
- ۶۳..... مسافرت قبل از ظهر
- ۶۳..... روزه مستحبی در سفر
- ۶۵..... روزه (۳) (سیزدهم)
- ۶۵..... شرط وجوب کفاره

- ۶۶..... پول کفاره
- ۶۶..... شرط وجوب زکات فطره
- ۶۶..... مقدار زکات فطره
- ۶۷..... زمان پرداخت
- ۶۷..... زکات بر عهده‌ی مرد
- ۶۷..... زکات فطره‌ی میهمان
- ۶۸..... اعتکاف (درس چهاردهم)
- ۶۸..... اهمیت و کیفیت اعتکاف
- ۷۰..... محرمات اعتکاف
- ۷۰..... روزه قضا در اعتکاف
- ۷۰..... قطع اعتکاف
- ۷۰..... خروج از مسجد
- ۷۱..... معتکف و نماز جمعه
- ۷۱..... مسجد دانشگاه
- ۷۲..... خمس (۱) (درس پانزدهم)
- ۷۲..... اهمیت خمس
- ۷۴..... محاسبه خمس
- ۷۵..... سپرده بانکی
- ۷۵..... خمس هدیه
- ۷۵..... وسایل ضروری
- ۷۶..... رهن خانه
- ۷۷..... وسایل استفاده نشده
- ۷۸..... خمس (۲) (درس شانزدهم)
- ۷۸..... ذخیره برای ازدواج
- ۷۹..... خودر و موبایل
- ۷۹..... قرض الحسنه
- ۷۹..... آنها که خمس نمی دهند

- ۸۰..... پاداش کارندان
- ۸۰..... رفع نیاز به وسایل
- ۸۰..... مواد غذایی
- ۸۱..... نذر (درس هفدهم)
- ۸۱..... شرایط نذر
- ۸۲..... نذر زن
- ۸۲..... فوریت عمل به نذر
- ۸۳..... ناتوانی از عمل به نذر
- ۸۳..... نذر برای فقیر
- ۸۳..... اجازه پدر
- ۸۴..... نذر برای شفا
- ۸۵..... موسیقی (درس هجدهم)
- ۸۵..... دلیل حرمت موسیقی
- ۸۷..... موسیقی بدون تأثیر
- ۸۷..... محتوای موسیقی
- ۸۸..... حضور در مجلس موسیقی
- ۸۸..... آموزش موسیقی
- ۸۸..... مجلس عروسی
- ۸۹..... دست زدن
- ۹۰..... پوشش (درس نوزدهم)
- ۹۰..... فلسفه حجاب
- ۹۲..... زمان وجوب حجاب
- ۹۳..... جوراب نازک
- ۹۳..... پشت و روی پا
- ۹۳..... لباس شهرت
- ۹۴..... لباسهای تحریک کننده
- ۹۴..... زیور آلات

- نگاه (درس بیستم)..... ۹۵
- فلسفه حرمت نگاه به نامحرم .. ۹۵
- نگاه های حرام..... ۹۶
- نگاه به بدن نامحرم .. ۹۶
- نگاه به صورت نامحرم .. ۹۶
- نگاه به مرد .. ۹۷
- نگاه به دختر نابالغ .. ۹۷
- فیلمهای مبتذل .. ۹۷
- نامحرم (درس بیست و یکم) .. ۹۹
- خلوت با نامحرم .. ۹۹
- گفتگو با نامحرم .. ۹۹
- پزشک نامحرم .. ۱۰۰
- دست دادن .. ۱۰۰
- دست دادن با نابالغ .. ۱۰۰
- نامحرم در وسیله نقلیه .. ۱۰۱
- عشق به نامحرم .. ۱۰۱
- ازدواج (۱) (درس بیست و دوم) .. ۱۰۴
- محارم .. ۱۰۴
- مهریه .. ۱۰۵
- قصد ندادن مهریه .. ۱۰۵
- تدلیس .. ۱۰۵
- اذن پدر .. ۱۰۶
- ازدواج با غیر مسلمان .. ۱۰۶
- ازدواج با سنی .. ۱۰۶
- ازدواج (۲) (درس بیست و سوم) .. ۱۰۸
- ازدواج موقت .. ۱۰۸
- تفاوت عقد موقت و دائم .. ۱۰۹

- ازدواج با هم کفو ۱۰۹
- شرط ضمن عقد ۱۱۰
- ازدواج با خواهر لواط دهنده ۱۱۰
- ازدواج با سید ۱۱۰
- قمر در عقرب ۱۱۱
- امر به معروف (درس بیست و چهارم) ۱۱۲
- اهمیت امر به معروف ۱۱۲
- ملاک وجوب امر به معروف ۱۱۳
- طریق امر به معروف ۱۱۴
- شرائط امر به معروف ۱۱۴
- چند بار تذکر ۱۱۵
- امر به معروف و اهل منکر ۱۱۵
- امر به معروف والدین ۱۱۵
- مالی (درس بیست و پنجم) ۱۱۶
- فلسفه حرمت ربا ۱۱۶
- حقیقت ربا ۱۱۷
- ربای حلال! ۱۱۷
- راه حل ترک ربا ۱۱۸
- گلدکوئیس ۱۱۸
- فروش چک ۱۱۹
- جائزه بانک ۱۱۹
- اخلاقی (درس بیست و ششم) ۱۲۰
- غیبت ۱۲۰
- توبه غیبت ۱۲۱
- مجلس غیبت ۱۲۱
- دروغ و توریه ۱۲۲
- صله رحم ۱۲۳

- خروج از خانه ۱۲۳
- تحقق صلہ رحم ۱۲۳
- تفریحی (درس بیست و هفتم) ۱۲۵
- آلات قمار ۱۲۵
- قمار با کامپیوتر ۱۲۶
- شرط بندی ۱۲۶
- رقص برای همسر ۱۲۶
- رقص برای نامحرم ۱۲۶
- رقص مرد ۱۲۷
- رقص محلی ۱۲۷
- مسائل متفرقه (۱) (درس بیست و هشتم) ۱۲۸
- تراشیدن ریش ۱۲۸
- ریش پروفیسوری ۱۲۸
- ریش تراشی برای شرم! ۱۲۹
- رایت با خسارت ۱۲۹
- نرم افزارهای قفل شکسته ۱۲۹
- نرم افزارهای خارجی ۱۳۰
- رضایت صاحب نرم افزار ۱۳۰
- مسائل متفرقه (۲) (درس بیست و نهم) ۱۳۱
- تقلب در امتحان ۱۳۱
- تقلب در استخدام ۱۳۱
- نقاشی ۱۳۲
- ساختن مجسمه ۱۳۲
- خرید و فروش مجسمه ۱۳۳
- اختلاف در تعیین عید ۱۳۳
- راه های تعیین عید ۱۳۳
- مسائل متفرقه (۳) (درس سی ام) ۱۳۵

- ۱۳۵.....حق الناس
- ۱۳۶.....رد مظالم
- ۱۳۶.....کفش دیگری
- ۱۳۶.....رشوه
- ۱۳۶.....ظرف طلا و نقره
- ۱۳۷.....بیمه دیگران
- ۱۳۷.....جهاد
- ۱۳۹.....آدرسها

مقدمه

مؤمنین بزرگوار سلام علیکم!

احکام نورانی اسلام و بالخاص فقه جعفری نعمت بزرگ خداوند برای بشری است که راه راستگاری و خوشبختی را گم نموده است. بشری که در روزمره‌گی‌ها زندگی به بند کشیده شده است و فراموش نموده است اصلا برای چه هدفی خلق شده است!

یاد گیری احکام شریعت مقدس اسلام و پایبندی به آن در کنار داشتن اعتقادات و تفکرات اصیل اسلامی و همچنین التزام به اصولی اخلاقی سبب خواهد شد تا انسان راه خویش را در زندگی بیابد و نصیبش را از دنیا که همانا توشه گیری برای سفر بی نهایت آخرت است از یاد نبرد که فرمود: لَا تَنْسَ نَصِيْبَكَ مِنَ الدُّنْيَا (قصص: ۷۷).

آنچه پیش روی دارید مجموعه ۲۱۰ پرسش و پاسخ فقهی بر اساس نظر ده نفر از مراجع بزرگوار تقلید است که برای سی جلسه درس حاکم تنظیم شده است.

همچنین ابتدای هر درس، با آیه‌ای از قرآن کریم و یا روایتی از حضرات معصومین (علیهم السلام) آزين شده است. مسائل فقهی کتاب از مجموعه «پرسمان» کار دفتر نمایندگی مقام معظم فقیه در دانشگاه ها استنساخ شده است. که به این وسیله از زحمات این عزیزان تشکر می شود.

امید است در پرتو اسلام عزیز و توفیق عمل به کمال مطلوب نایل شویم.

تقلید (درس اول)

وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ (البقرة: ۴۲) ^أ

فلسفه تقلید

● پرسش ۱: چرا تقلید کنیم؟ فلسفه آن چیست؟
ذهن پرسش‌گر هر مسلمانی در جست‌وجوی فلسفه احکام شرعی است. اهمیت آگاهی از فلسفه تقلید، نسبت به دیگر احکام، بیشتر است، زیرا:
اولاً: اصل لزوم تقلید، از مسائلی است که مکلف باید خودش به آن دست یابد.

ثانیاً: فلسفه تقلید، در واقع همان دلیل و مستند و مدرکی است که لزوم تقلید را برای مکلف اثبات می‌کند.

لزوم تقلید

^أ و حق را به باطل درنیامیزید، و حقیقت را -با آنکه خود می‌دانید - کتمان نکنید.

مسلم است که هر مسلمانی نمی‌تواند به آسانی، احکام شرعی را از قرآن و روایات و یا از عقل خود در یابد.

برای شناخت احکام شرعی، آگاهی‌های فراوانی، از جمله: فهم آیات و روایات، شناخت حدیث صحیح از غیر صحیح، کیفیت ترکیب و جمع روایات و آیات، و ده‌ها مسأله دیگر لازم است که آموختن آنها نیازمند سال‌ها تلاش جدی است.

در چنین حالتی، مکلف خود را در برابر سه راه می‌بیند: نخست اینکه راه تحصیل این علم را که همان اجتهاد است پیش گیرد دوم اینکه در هر کاری آرای موجود را مطالعه کرده، به گونه‌ای عمل کند که طبق همه آرا عمل او صحیح باشد (یعنی احتیاط کند) و سوم اینکه از رأی کسی که این علوم را کاملاً آموخته و در شناخت احکام شرعی کارشناس است، بهره جوید.

بی‌شک، او در راه اول اگر به اجتهاد برسد، کارشناس احکام شرعی خواهد شد و از دو راه دیگر بی‌نیاز، اما تا رسیدن به آن، ناگزیر از دو راه دیگر است.

راه دوم نیازمند اطلاعات کافی از آرای موجود در هر مسأله و روش‌های احتیاط است و در بسیاری از موارد، به دلیل سختی احتیاط، زندگی عادی او را مختل می‌کند. این سه راه اختصاص به برخورد انسان با احکام شرعی ندارد و در هر مسأله تخصصی دیگر وجود دارد مثلاً یک مهندس متخصص را فرض کنید که بیمار می‌شود. او برای درمان بیماری خود یا باید خود شخصا به تحصیل علم پزشکی بپردازد، یا تمام آرای پزشکان را مطالعه کرده، به گونه‌ای عمل کند که بعداً پشیمان نشود، و یا به یک پزشک متخصص رجوع کند.

راه اول او را به درمان سریع نمی‌رساند. راه دوم نیز بسیار دشوار است و او را از کار تخصصی خود، که مهندسی است، باز می‌دارد. لذا او بی‌درنگ از یک پزشک متخصص کمک می‌گیرد و رأی او را عمل می‌کند.

او در عمل به رأی پزشک متخصص، نه تنها خود را از پشیمانی آینده و احياناً سرزنش دوستان نجات می‌دهد بلکه در اغلب موارد، درمان نیز می‌شود. مکلف نیز در عمل به رأی مجتهد متخصص، نه تنها خود را از پشیمانی آخرت و عذاب الهی نجات می‌دهد، بلکه به مصالح احکام شرعی نیز دست می‌یابد.

اختلاف فتوی

- پرسش ۲: علت اختلاف فتاوا و نظرات بین مراجع تقلید چیست؟
اشاره به چند نکته بایسته است:

یکم. در مسائل نظری هر رشته‌ای، متخصصان و دانشمندان آن، در یک سری از مسائل با یکدیگر اختلاف نظر دارند. حتی در علوم تجربی مانند "رشته پزشکی" نیز که مبتنی بر حس و آزمایش است، اختلاف نظر و تفاوت تشخیص طبیعی است. دانش فقه و اجتهاد نیز این چنین است.

دوم. اختلاف فتوای مجتهدان، به هوا و هوس و منافع شخصی آنان باز نمی‌گردد.

سوم. اختلاف فتاوا مسأله‌ای نیست که در این عصر پیدا شده باشد بلکه این امر در زمان ائمه اطهار (علیه السلام) نیز در میان اصحاب و شاگردان به چشم می‌خورد. در روایت عمر بن حنظله آمده است: امام صادق (علیه السلام) برای رفع نزاع و کشمکش‌ها میان مردم، آنان را به فقیهان ارجاع داده، می‌فرمود: "هر گاه دو یا چند نفر از آنان در فهم روایات و استنباط احکام اختلاف نظر داشتند، به کسی که اعلم و با تقواتر است مراجعه کنید."^۱ در اینجا بدون آنکه حضرت اختلاف نظر میان آنان را سرزنش کند، آن را امری بدیهی تلقی می‌کرد.

چهارم. مجتهدان در بسیاری از مسائل فقهی - از جمله مسائل ضروری و قطعی دین (مانند وجوب نماز و روزه و احکام وضو) و نیز بی‌شماری از احکام فرعی - اتفاق نظر دارند و حوزه اختلاف، تنها در بعضی از احکام فرعی است.

پنجم. خداوند متعال در هر مورد و مسأله‌ای، بیش از یک حکم ندارد و فقیهان به دنبال یافتن حکم خدا هستند. و اگر برخی فقیهان اشتباه کنند حکم خدا تغییری نمی‌کند و متعدد نمی‌شود. اما مجتهد و مقلدان چون تلاش کرده‌اند و به وظیفه خود عمل کرده‌اند از لطف و ثواب الهی بهره‌مند می‌شوند.

پس از این مقدمات، اکنون به بررسی ریشه‌ها و عوامل اختلاف فتاوا پرداخته، می‌گوییم: دانش فقه و اجتهاد بر یک سلسله از مبادی و اصول فکری مبتنی است و اختلاف در فتوا از آنجا سرچشمه می‌گیرد و آنها عبارت است از:

یک. اصول فقه

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مبادی فقه، "علم اصول" است. این علم به شناخت مسائلی همچون اوامر، نواهی، مفاهیم، اجماع، خبر واحد و متواتر، تعارض، استصحاب، برائت و می‌پردازد و مجتهد برای استنباط احکام فقهی، از نتیجه آن سود می‌جوید. هر یک از این موضوعات، اندیشه‌های گوناگونی را در خود بر می‌تابد و تأثیر این اختلاف، در تفاوت فهم حکم الهی نمایان می‌شود. به عنوان مثال در مسأله‌ای چند روایت در کتاب‌های حدیث موجود است که

با هم تعارض دارد: بر این اساس دیدگاه علما، متفاوت می‌شود. یکی می‌گوید: به عللی این روایت بر آن روایت تقدم دارد دیگری می‌گوید: به جهات دیگری، آن روایت بر این روایت ترجیح دارد و هر کدام از آنان، بر طبق روایت مورد نظر خود فتوا می‌دهند و تردیدی نیست که “تعارض” یک مسأله اصولی و مقدمه‌ای برای دانش فقه است.

دو. مفاهیم

گاهی تفاوت فتوا، از اختلاف در شناخت معانی و مفاهیم الفاظ نشأت می‌گیرد. به عنوان مثال در واژه “یوم” - که در بسیاری از روایات آمده - میان فقیهان اختلاف نظر هست برخی فرموده‌اند: از طلوع خورشید تا غروب را یوم گویند و عده‌ای آن را توسعه داده و ابتدای یوم را طلوع فجر دانسته‌اند. این اختلاف، تأثیر خود را در بسیاری از احکام فقهی بر جای گذاشته و باعث اختلاف در فتوا گردیده است که ذکر آنها ما را از ادامه بحث باز می‌دارد.

سوم. علم رجال

در زمان معصومین (علیه السلام)، سند و مدرک روایات و شناخت راویان و ناقلان احادیث، کمتر مورد نیاز بود زیرا احادیث و احکام را یا از خود معصوم می‌پرسیدند و یا راوی را به دلیل نزدیکی زمانی با معصوم (علیه السلام) می‌شناختند. اما در زمان‌های بعد احادیث با واسطه‌های زیادی نقل می‌شد و عده‌ای در این میان، به دروغ روایاتی را جعل می‌کردند. از این رو در زمان غیبت نیاز به شناسایی راویان سالم و راستگو از غیر آنها ضروری گشت و بر اساس آن “علم رجال” پایه‌گذاری شد. بر اساس آن، گاهی یک روایت نزد مجتهدی معتبر و نزد دیگری ضعیف محسوب می‌شود و این امر عامل بسیار مهمی برای پیدایش اختلاف فتاوا به شمار می‌رود.

تشخیص اعلم

● پرسش ۳: راه تشخیص اعلم چیست؟

همه مراجع: مجتهد اعلم را از سه راه می‌توان شناخت:

۱. خودش یقین کند مثل آنکه از اهل علم باشد و بتواند

مجتهد اعلم را بشناسد.

۲. دو نفر عالم عادل - که می‌توانند مجتهد اعلم را تشخیص

دهند - اعلامیت او را تصدیق کنند (به شرط آنکه با گفته دو عالم عادل

دیگر، تعارض پیدا نکنند).

۳. از گفته عده‌ای از اهل علم- که می‌توانند اعلم را تشخیص دهند- یقین یا اطمینان پیدا شود.^۲
تبصره ۱. آیات عظام سیستانی، تبریزی و وحید: اگر یک نفر عالم خبره و مورد اطمینان هم تصدیق کند، کافی است.
تبصره ۲. آیت‌الله بهجت: اگر شخص از هر راهی که اطمینان به اعلمیت کسی پیدا کند، کافی است.

تبعیض در تقلید

● پرسش ۴: آیا تبعیض در تقلید جایز است؟ یعنی در برخی مسائل به فتوای مجتهدی و در برخی دیگر به فتوای مجتهد دیگری عمل کنیم؟
همه مراجع (به جز آیت‌الله وحید): تبعیض در تقلید در صورت تساوی دو یا چند مجتهد جایز است به عنوان مثال می‌توان در مسائل نماز و روزه، از مجتهدی و در خمس از مجتهد دیگر و در ازدواج از شخص سومی تقلید کرد. اما در مسائلی که به هم مربوط است- چنانچه اخذ به فتوای آنان باعث بطلان عمل و یا مخالفت قطعی شود- تبعیض جایز نیست مانند اینکه در احکام نجاست بدن و لباس، به فتوای مجتهدی و در احکام لباس نماز گزار به فتوای دیگری عمل کند.^۳

آیت‌الله وحید: تبعیض در تقلید جایز نیست و در صورت تساوی دو یا چند مجتهد، باید به فتوای کسی عمل کند که نظرش مطابق با احتیاط است. در غیر این صورت بین آن دو جمع کند (مثل اینکه یکی به شکسته شدن نماز و دیگری به تمام فتوا داده است که بین آن دو جمع می‌کند). اگر احتیاط ممکن نبود و یا مشقت داشت، می‌تواند از یکی از آنان تقلید کند.^۴

تبصره ۱. حکم بالا در تبعیض ابتدایی است یعنی، جایگاه این اختیاری که برای مقلد منظور شده، به پیش از عمل باز می‌گردد و اگر بخواهد بعد از عمل، به فتوای مجتهد دیگر رفتار نماید، در این صورت حکم رجوع و عدول را پیدا می‌کند.

تبصره ۲. طبق فتوای آیت‌الله بهجت و آیت‌الله سیستانی، در صورتی تبعیض در تقلید جایز است که مجتهدان در تقوا و ورع نیز مساوی باشند.

عدول از مرجع

• پرسش ۵: آیا عدول از مرجع تقلید زنده به مرجع مساوی با او، جایز است؟ به طور مثال آیا در نماز و روزه مسافر، می‌توان به مرجع دیگری که مساوی با مجتهد اول است، رجوع کرد؟

آیات عظام امام و فاضل: آری، رجوع به مساوی جایز است.^۵

آیت‌الله تبریزی: در خصوص مسائلی که یاد گرفته، رجوع به دیگری جایز نیست.^۶

آیت‌الله صافی: در خصوص مسائلی که یاد گرفته، بنابر احتیاط واجب رجوع به مساوی جایز نیست.^۷

آیت‌الله خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب، رجوع به مساوی جایز نیست.^۸

آیات عظام مکارم و نوری: در خصوص مسائلی که تقلید (عمل) کرده، رجوع به مساوی جایز نیست.^۹

آیات عظام بهجت و سیستانی: اگر در علم و ورع مساوی باشند، رجوع به مساوی در مسائل غیر مرتبط به هم جایز است برای مثال نمی‌تواند در مسائل احکام روزه مسافر باقی بماند و در احکام نماز رجوع کند.^{۱۰}

آیت‌الله وحید: باید به فتوایی عمل کند که مطابق احتیاط است و اگر احتیاط ممکن نبود و یا مشقت داشت، می‌تواند به فتوای دیگری عمل کند.^{۱۱}

احتیاط واجب و مستحب

• پرسش ۶: احتیاط واجب و مستحب را توضیح دهید؟

اگر مرجع تقلید در مسأله‌ای فتوا نداشت و احتیاط واجب کرده بود، مقلد نمی‌تواند آن را ترک کند بلکه می‌تواند به احتیاط واجب عمل کند و یا در مسأله به مرجع تقلید دیگری - با رعایت "الاعلم فالاعلم"^{۱۲} - رجوع کند. اگر احتیاط مستحب داشت، ترک عمل برای مقلد جایز است اگر چه انجام دادن آن ثواب و پاداش دارد.^{۱۳}

^{۱۲} مقصود آن است که مقلد، می‌تواند به فتوای مجتهد دیگری که علمش از مرجع تقلید خودش کمتر و از مراجع تقلید دیگر بیشتر است، عمل کند، اگر مرجع دوم نیز در همان مسأله احتیاط واجب داشت، باز می‌تواند به مرجع سومی که علمش از مرجع دوم کمتر و از مرجع دیگر بیشتر است رجوع کند و.

بقا بر میت

● پرسش ۷: اگر مجتهد میت با مجتهد زنده، در علم و تقوا مساوی باشند، حکم بقا بر تقلید میت چیست؟

آیات عظام امام، خامنه‌ای، فاضل و نوری: کسی که در برخی مسائل به فتوای مجتهدی عمل کرده است، بعد از رحلت او می‌تواند در همه مسائل بر تقلید او باقی بماند^{۱۳}.

آیات عظام بهجت و مکارم: تنها در مسائلی که به آنها عمل کرده، می‌تواند باقی بماند^{۱۴}.

آیت الله وحید: اگر مجتهدی که وظیفه انسان تقلید از او بوده (لااقل حیات او را درک کرده) از دنیا برود تا وقتی که اعلمیت مجتهد زنده نسبت به او، برایش ثابت نشود (حتی در صورت تساوی)، باید به فتوای مجتهد میت عمل کند^{۱۵}.

آیت الله تبریزی: تنها در مسائلی که برای عمل یاد گرفته، می‌تواند باقی بماند^{۱۶}.

آیت الله صافی: کسی که در برخی مسائل، به فتوای مجتهدی عمل کرده و یا به قصد عمل یاد گرفته است، می‌تواند در همه مسائل بر تقلید او باقی بماند^{۱۷}.

آیت الله سیستانی: کسی که در برخی مسائل، تصمیم داشته به فتوای مجتهدی عمل کند (هر چند عمل نکرده باشد) بعد از رحلت او، می‌تواند در همه مسائل بر تقلید او باقی بماند مگر در موارد علم اجمالی بر تکلیف که بنا بر احتیاط واجب باید هر دو فتوا را رعایت کند (مانند موارد اختلاف در قصر و تمام^{۱۸}).

تبصره. حکم یاد شده در جایی است که پس از فوت مجتهد، به فتوای مجتهد زنده عمل نکرده باشد و گرنه حکم بازگشت از مجتهد زنده به مجتهد میت، در جای خود ذکر شده است.

نجاسات (درس دوم)

قال الامام الصادق (عليه السلام): قَامَ عَيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ (عليه السلام) خَطِيباً فِي بَنِي إِسْرَائِيلَ فَقَالَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تُحَدِّثُوا الْجُهَالَ بِالْحِكْمَةِ فَتَظْلِمُوهَا وَلَا تَمْنَعُوهَا أَهْلِهَا فَتَظْلِمُوهُمْ (الكافي: ۱/۴۲) أ

حکم الککل

● پرسش ۸: استفاده از چه عطرهایی حلال و حرام است (امروزه عطرها و ادکلن هایی در بازار وجود دارد) اگر حرام یا حلال است علتش چیست؟
استفاده از تمام عطرها و ادکلن ها از حیث این که عطر یا ادکلن و مایع خوشبو کننده می باشند جائز است، اما هرگاه عطر یا ادکلن یا هر مایع بد یا خوشبو با چیز نجسی مانند الککل مست کننده آن عطر یا ادکلن نجس شده استفاده از آن جایز نیست. با وجود این اگر معلوم نباشد که آن عطرها و ادکلن ها از چیز نجسی (مانند الکلی که در اصل مایع و مست کننده است) ساخته شده یا نه استفاده از آن ها اشکالی ندارد و نسبت به خرید و فروش آنها نیز همین قدر که از بازار مسلمانان و دست مسلمان خریده شود محکوم به طهارت و حلیت است.

أحضرت عیسی در میان بنی اسرائیل در ضمن سخنرانی فرمود: ای بنی اسرائیل! با انسان های نادان درباره حکمت (مطالب علمی دقیق و ظریف) سخن نگویند! زیرا به حکمت ستم کرده اید و از آنانی که اهلیت دارند نیز حکمت را دریغ نکنید زیرا آن وقت به حکمت ستم نموده اید.

بنابراین ملاک مخلوط بودن عطر یا ادکلن با مایع نجسی مانند الکل مست کننده است.

نجاست کفار

● پرسش ۹: اهل کتاب پاک‌اند یا نجس؟
آیات عظام امام و بهجت: آری، آنان نجس هستند.^{۱۹}
آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، فاضل، سیستانی، نوری و وحید: خیر، اهل کتاب پاک‌اند ولی بهتر است (احتیاط مستحب) از آنان اجتناب شود.^{۲۰}
آیات عظام صافی و مکارم: بنابر احتیاط واجب نجس‌اند.^{۲۱}
تبصره. با توجه به اینکه امام خمینی و آیت الله بهجت رجوع به مرجع مساوی را جایز می‌دانند آیت الله مکارم و آیت الله صافی، احتیاط واجب دارند، مقلدان ایشان می‌توانند به مراجع تقلید دیگر رجوع کنند.

خون تخم مرغ

● پرسش ۱۰: حکم خونی که گاهی در تخم مرغ پیدا می‌شود، چیست؟
امام خمینی: این خون پاک است ولی بنابر احتیاط واجب، باید از خوردن آن اجتناب کرد و اگر خون را با زرده تخم مرغ، به هم بزنند که از بین برود، خوردن آن اشکال ندارد.^{۲۲}
آیات عظام سیستانی و فاضل: این خون نجس نیست ولی احتیاط مستحب آن است که از آن اجتناب شود. اگر خون در زرده باشد آتا پوست نازک روی آن پاره نشده، سفیده پاک است.^{۲۳}
آیات عظام بهجت، تبریزی، صافی، نوری، مکارم و وحید: این خون بنابر احتیاط واجب نجس است و باید از آن اجتناب شود. اگر خون در زرده باشد (تا پوست نازک روی آن پاره نشده)، سفیده پاک است.^{۲۴}
آیت‌الله خامنه‌ای: این خون پاک است ولی خوردن آن حرام می‌باشد.^{۲۵}

ودی، مذی و ودی

● پرسش ۱۱: ودی، مذی و ودی را توضیح دهید؟
همه مراجع: "مذی" به آبی گویند که گاه بعد از ملاعبه و بازی کردن با همسر بیرون می‌آید.
"ودی" به آبی گویند که گاه بعد از منی بیرون می‌آید.

“ودی” به آبی گویند که گاه بعد از بول بیرون می‌آید و کمی سفید و چسبنده است.

همه این آب‌ها در صورتی که مجرا آلوده به بول و منی نباشد، پاک است.^{۲۶}

تبصره. فایده استبرا از بول این است که اگر آب مشکوکی بعد از آن خارج شود، پاک است و وضو را هم باطل نمی‌کند اما اگر استبرا نکرده، باید وضو را اعاده کند و محل را بشوید.

فایده استبرا از منی این است که اگر رطوبت مشکوکی از او خارج شود و نداند منی است یا یکی از آب‌های پاک، غسل ندارد و اگر استبرا نکند و احتمال دهد ذرات منی در مجرا باقی بوده و همراه بول یا رطوبت دیگری خارج شده، باید دوباره غسل کند.

پوست لب

• پرسش ۱۲: کندن و جویدن پوست لب و جاهای دیگر بدن، چه حکمی دارد؟

همه مراجع: پوست‌های مختصر لب و جاهای دیگر بدن - که به آسانی کنده می‌شود و در حال افتادن است - پاک است.^{۲۷}

خون دندان

• پرسش ۱۳: اگر از دندان خون بیاید و با آب دهان مخلوط شود، فرو بردن آن چه حکمی دارد؟ آیا باید دهان را آب کشید؟

همه مراجع (به جز آیات عظام مکارم و نوری): اگر خون به حدی کم باشد که به واسطه مخلوط شدن با آب دهان از بین می‌رود، پاک است و فرو بردن آن اشکال ندارد.^{۲۸}

آیت‌الله نوری: اگر خون به حدی کم باشد که واسطه مخلوط شدن با آب دهان، از بین می‌رود، پاک است ولی فرو بردن آن اشکال دارد.^{۲۹}

آیت‌الله مکارم: اگر خون به حدی کم باشد که به واسطه مخلوط شدن با آب دهان از بین می‌رود، پاک است و فرو بردن آن اشکال ندارد ولی عمداً این کار را نکند.^{۳۰}

خون روی زخم

- پرسش ۱۴: آیا خونی که بر روی زخم خشک می‌شود، نجس است؟
همه مراجع: آری، نجس است هر چند خشک شده باشد.^{۳۱}

وضو (درس سوم)

وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ البقرة: ۱۵۳^أ
يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ
البقرة: ۲۴۵^ب

شرایط وضو

- پرسش ۱۵: شرایط وضو چیست؟
 ۱. آب وضو پاک باشد.
 ۲. آب وضو مطلق باشد (مضاف نباشد).
 ۳. آب وضو مباح باشد (غصبی نباشد).
 ۴. ظرف آب وضو مباح باشد.
 ۵. ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد.
 ۶. اعضای وضو پاک باشد.
 ۷. برای وضو گرفتن وقت باشد.
 ۸. به قصد قربت باشد.
 ۹. ترتیب را رعایت کند.
 ۱۰. پی در پی باشد.
 ۱۱. در کارهای وضو از دیگری کمک نگیرد.

^أ از شکیبایی و نماز یاری جوئید. و به راستی این [کار] گران است، مگر بر فروتنان.
^ب ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از شکیبایی و نماز یاری جوئید؛ زیرا خدا با شکیبایان است.

۱۲. استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد.
۱۳. مانعی از رسیدن آب بر اعضای وضو نباشد.

دفعات شستن دست و صورت

- پرسش ۱۶: در وضو شستن صورت و دست‌ها تا چند مرتبه جایز است؟
آیات عظام امام، خامنه‌ای، فاضل و نوری: برای مرتبه اول واجب و مرتبه دوم جایز و مرتبه سوم و بیشتر از آن حرام است.^{۳۲}
- آیات عظام بهجت، سیستانی، صافی و وحید: برای مرتبه اول واجب و مرتبه دوم مستحب و مرتبه سوم و بیشتر از آن حرام است.^{۳۳}
- آیت‌الله تبریزی: برای مرتبه اول واجب و مرتبه دوم بنا بر نظر مشهور مستحب است ولی احتیاط واجب در دست چپ ترک مرتبه دوم است و برای مرتبه سوم و بیشتر از آن حرام است.^{۳۴}
- آیت‌الله مکارم: برای مرتبه اول واجب و بنا بر احتیاط واجب ترک مرتبه دوم است و برای مرتبه سوم و بیشتر از آن حرام است.^{۳۵}

خشک بودن اعضای وضو

- پرسش ۱۷: آیا خشک بودن اعضای وضو، قبل از وضو لازم است؟
همه مراجع: خیر، لازم نیست مگر جای مسح که باید خشک باشد.^{۳۶}
تبصره. اگر رطوبت جای مسح به گونه‌ای کم باشد، که رطوبت کف دست بر آن غلبه کند و بگویند رطوبت مسح تنها از تری کف دست است، اشکال ندارد.

رنگ خودکار

- پرسش ۱۸: آیا رنگ خودکار مانع از صحت وضو است؟
همه مراجع: اگر جرم داشته باشد، مانع است و باید برای وضو، برطرف شود.^{۳۷}
- تبصره. آیت‌الله مکارم می‌گوید: در مورد جوهر خودکار به این نتیجه رسیده‌اند که جرم ضعیفی دارد و مانع از رسیدن آب به پوست نیست.^{۳۸}
شیر آب
بستن شیر آب در حال وضو، چه حکمی دارد؟
همه مراجع: اشکال ندارد.^{۳۹}

تبصره. بعد از آنکه شستن دست چپ تمام شد، اگر به شیر آب دست زده شود و آب وضو بر رطوبت شیر غلبه نکند و با آن مسح انجام گیرد، وضو باطل می‌شود.^{۴۰}

غسل و وضوء جبیره

● پرسش ۱۹: اگر باندی که بر روی زخم دست یا صورت بسته شده، بیشتر از معمول اطراف آن را گرفته باشد، تکلیف وضو یا غسل او چیست؟
 آیات عظام امام خمینی، بهجت، صافی، فاضل و نوری: اگر برداشتن باند اضافی ممکن است، باید آن را بردارد و اطراف زخم را (هنگام وضو و غسل) بشوید و برای جای زخم به دستور جبیره عمل کند و اگر ممکن نیست، باید وضو یا غسل جبیره‌ای بگیرد و بنابر احتیاط واجب تیمم هم بکند.^{۴۱}
 آیت الله مکارم: اگر برداشتن باند اضافی ممکن است، باید آن را بردارد و اطراف زخم را (هنگام وضو و غسل) بشوید و برای جای زخم به دستور جبیره عمل کند و اگر ممکن نیست، باید وضو یا غسل جبیره‌ای بگیرد و بنابر احتیاط مستحب تیمم هم بکند.^{۴۲}
 آیت الله تبریزی: اگر برداشتن باند اضافی ممکن است، باید آن را بردارد و اطراف زخم را (هنگام وضو و غسل) بشوید و برای جای زخم به دستور جبیره عمل کند و اگر ممکن نیست، باید تیمم نماید مگر اینکه باند در مواضع تیمم باشد که در این صورت، باید وضو یا غسل جبیره‌ای نماید.^{۴۳}
 آیت الله سیستانی: اگر برداشتن باند اضافی بدون مشقت ممکن است، باید آن را بردارد و اطراف زخم را (هنگام وضو یا غسل) بشوید و برای جای زخم به دستور جبیره عمل کند و اگر بدون مشقت ممکن نیست، باید تیمم کند، مگر اینکه جبیره در مواضع تیمم باشد که در این صورت باید هم [وضو یا غسل] کند و هم تیمم نماید.
 آیت الله وحید: اگر برداشتن باند اضافی بدون مشقت ممکن است، باید آن را بردارد و اطراف زخم را (هنگام وضو یا غسل) بشوید و برای جای زخم به دستور جبیره عمل کند و اگر بدون مشقت ممکن نیست، بنابر احتیاط واجب [وضو یا غسل] جبیره بگیرد و تیمم هم بکند.^{۴۴}

وسواس

● پرسش ۲۰: در کارهای وضو و دیگر کارهای عبادی بسیار شک می‌کنم، وظیفه‌ام چیست؟

وسواس عبارت است از افکار و اندیشه‌ها یا اعمال و رفتارهای ناخواسته و غیراختیاری که پی‌در پی و بدون اراده شخص به ذهن فرد می‌آید و نمی‌تواند به سادگی آن فکر یا عمل را از خود دور کند. این حالت باعث ایجاد اضطراب شده و شخص جهت خنثی کردن آن و رسیدن به آرامش، به اعمال یا افکاری روی می‌آورد و مکرراً در عمل یا در ذهن خود آن را تکرار می‌کند و خود را در برابر آن اعمال و یا افکار مجبور احساس می‌کند مثل تکرار افکاری اذیت‌کننده در ذهن یا تکرار آب کشیدن دست خود یا تردید در طهارت و نجاست لباس یا بدن خود و نظایر آن.

برای از بین رفتن حالت وسواس راه‌هایی وجود دارد که از جمله آنها می‌توان عوامل زیر را برشمرد:

۱) یادگیری مسائل شرعی به نحو صحیح (دقت شود).

۲) توجه به مفاسدی که وسواس به دنبال دارد مانند از بین رفتن تمرکز فکری و اختلال در امور زندگی و بازماندن از انجام تکالیف شرعی.

۳) در صورتی که مسأله ای و سؤالی در زمینه مسائل فقهی مثل نماز، طهارت و نجاست و غیره برایتان پیدا شد بلافاصله حل کنید به توضیح المسائل مراجعه کنید یا از فرد آگاهی بپرسید و اجازه ندهید سؤال در ذهنتان باقی بماند و یا باعث دردسر بیشتری شود.

۴) توجه داشته باشیم که گمان به نجاست تکلیف آور نیست بلکه در صورتی اجتناب لازم است که انسان یقین به نجاست داشته باشد.

۵) توجه به این که یقین شخص وسواس برای وی معتبر نیست بلکه در پاک شدن و نجس شدن اشیاء باید به نظر عرف مراجعه کند و در آب کشیدن اشیاء و انجام غسل به طور عادی و مانند عرف عمل کند.

اما از نظر فقهی چنان که در پاسخ بالا نیز اشاره شد به شک‌ها و احتمالات هرگز اعتنا نکنید زیرا همانگونه که در روایات آمده وسواس از شیطان است مثلاً در روایتی آمده که وقتی درباره شخصی نزد امام صادق (علیه السلام) صحبت شد و گفته شد که شخص عاقلی است ولی در وضو و نمازش مشکل دارد (یعنی وسواس است) حضرت فرمودند چگونه عاقل است و

حال آن که پیرو شیطان است. به هر حال این فتوای همه فقها اسلام است که آدم وسواس باید به شک و یقین خود اعتنا نکند.

غسل (درس چهارم)

قال الامام الباقر (عليه السلام) لِبَعْضِ شِيعَتِهِ: بَلَغْ مَنْ لَقِيتَ مِنْ مَوَالِينَا عَنَّا السَّلَامَ وَ قُلْ لَهُمْ اِنِّي لَا اُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئاً اِلَّا بَوْرَعٍ وَ اجْتِهَادٍ فَاحْفَظُوا اَلْسِنَتَكُمْ وَ كُفُّوا اَيْدِيَكُمْ وَ عَلِيْكُمْ بِالصَّبْرِ وَ الصَّلَاةِ فَاِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ
(دعائم الإسلام: ۱/۱۳۳)

تفاوت غسل و وضو

- پرسش ۲۱: بین غسل وضو چه تفاوتی وجود دارد؟
غسل با وضو در چند چیز با هم تفاوت دارند:
۱. در غسل موالات شرط نیست.
۲. در غسل شستن از بالا به پایین لازم نیست.^۳
۳. در غسل باید آب به پوست بدن برسد ولی در وضو اگر پوست صورت از لای موها پیدا نباشد، لازم نیست.

۱ امام باقر (علیه السلام) به یکی از شیعیانشان فرمودند: به هرکس از دوستانم که برخورد نمودی سلام ما را برسان! و به آنان بگو: من نمی‌توانم در محضر خداوند برای شما کاری انجام دهم مگر این که با ورع بوده و اهل تلاش باشید؛ لذا زبانتان را حفظ نموده و دستانتان را (از آزار نمودن دیگران) باز دارید و بر شما یاد به صبر و نماز زیرا خداوند با صابریین است.

۳ البته برخی مراجع (آیت‌الله بهجت) شستن از بالا به پایین را احتیاط واجب می‌دانند.

غسل‌های واجب

● پرسش ۲۲: تعداد غسل‌های واجب برای مرد و زن چند تا هست؟
همه مراجع: غسل‌های واجب بر مردان عبارت است از: غسل جنابت، غسل مسّ میت و غسلی که با نذر و مانند آن واجب شده است.
غسل‌های واجب بر زنان عبارت است از: غسل حیض، نفاس، استحاضه و نیز همه غسل‌هایی که بر مردان واجب است.^{۴۵}

غسل ارتماسی

● پرسش ۲۳: کسی که تمام بدنش زیر آب است، آیا می‌تواند نیت غسل ارتماسی کند یا اینکه باید از آب بیرون آید و بعد در آب فرو رود؟
آیات عظام امام خمینی، بهجت، فاضل و نوری: آری، ولی باید بعد از نیت، بدن را زیر آب حرکت دهد.^{۴۶}
آیات عظام تبریزی، سیستانی، صافی و مکارم: بنا بر احتیاط واجب باید در غسل ارتماسی، مقداری از بدن بیرون آب باشد.^{۴۷}
آیت الله وحید: بنا بر احتیاط واجب، باید در غسل ارتماسی تمام بدن بیرون آب باشد.^{۴۸}

یک غسل با چند نیت

● پرسش ۲۴: آیا کسی که چند غسل بر ذمه او هست، می‌تواند به نیت همه یک غسل انجام دهد؟
همه مراجع: آری، می‌تواند.^{۴۹}

وقتی آب ضرر دارد

● پرسش ۲۵: کسی که می‌داند آب برایش ضرر دارد، چنانچه وضو یا غسل انجام دهد، آیا وضو و غسلش صحیح است؟
امام خمینی و آیت الله نوری: بنا بر احتیاط واجب در این فرض، وضو و غسلش باطل است.^{۵۰}
آیات عظام بهجت، تبریزی، سیستانی، صافی، مکارم و وحید: وضو و غسلش در این فرض باطل است.^{۵۱}
آیت الله فاضل: آری، وضو و غسلش صحیح است مگر آنکه باعث مشقت و حرج برای او شود. در این صورت باطل خواهد شد.^{۵۲}

شرم از غسل!

● پرسش ۲۶: در مورد جاهایی که انسان برای اموری مثل غسل جنابت خجالت می‌کشد، پیشنهاد شما چیست؟

در انجام احکام الهی (مثل غسل جنابت) شرم و حیا عذر حساب نمی‌شود چه این که در روایتی آمده است: (لا حياء فی الدین) یعنی در انجام تکالیف دینی مثل نماز و روزه و سایر واجبات و یا ترک محرمات الهی شرم و حیا نباید مانع شود. البته این غیر از آن مطلبی است که می‌گویند انسان مومن و مسلمان باید حجب و حیا داشته باشد. این سفارش یکی از دستورات مهم اخلاقی است. بنابراین یا باید به بهانه‌ای از منزل میزبان خارج شده و از حمام‌های عمومی در سطح شهر استفاده کرد و یا به میزبان رسماً گفت که نیاز به استحمام دارم که برای اولین بار سخت خواهد بود و در دفعات دوم به بعد عادی خواهد شد انشاءالله.

شستن مو در غسل

● پرسش ۲۷: آیا در غسل شستن موهای بلند بدن واجب است؟

آیات عظام امام، مکارم و نوری: بنا بر احتیاط واجب شستن موهای بلند هم واجب است.^{۵۳}

همه مراجع (به جز آیات عظام امام، مکارم و نوری): خیر شستن موهای بلند واجب نیست.^{۵۴}

تبصره. اگر رساندن آب به پوست، بدون شستن آنها ممکن نباشد باید موهای بلند را بشوید که آب به بدن برسد.

غسل جنابت (درس پنجم)

بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ
(البقرة: ۸۱ و ۸۲) ^أ

غسل احتیاطی

- پرسش ۲۸: آیا با غسل جنابت احتیاطی می‌شود، نماز خواند؟
همه مراجع: خیر، با غسل احتیاطی نمی‌شود نماز خواند. ^{۵۵}

محرمات و مکروهات جنب

- پرسش ۲۹: چه کارهایی بر جنب حرام و چه کارهایی مکروه است؟
آنچه بر جنب حرام است:
 ۱. گذاشتن چیزی در مسجد
 ۲. خواندن آیه‌های سجده واجب ^{۵۶}
 ۳. رفتن به مسجد الحرام و مسجد النبی ^أ

^أ آری، کسی که بدی به دست آورد، و گناهش او را در میان گیرد، پس چنین کسانی اهل آتشند، و در آن ماندگار خواهند بود. و کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته کرده‌اند، آنان اهل بهشتند، و در آن جاودان خواهند ماند.

۴. رساندن جایی از بدن به خط قرآن و اسم خداوند
۵. توقف در سایر مساجد و حرم امامان (بنابر احتیاط واجب).^۳
آنچه بر جنب مکروه است:
 ۱. خوردن و آشامیدن،
 ۲. خوابیدن بدون وضو،^۴
 ۳. همراه داشتن قرآن،
 ۴. مالیدن روغن به بدن،
 ۵. آمیزش بعد از احتلام،
 ۶. خضاب با حنا و مانند آن،
 ۷. تماس بدن با جلد یا حاشیه قرآن،
۸. خواندن بیشتر از هفت آیه از سوره‌هایی که سجده واجب ندارد.

شک در منی

- پرسش ۳۰: اگر انسان شک کند مایعی که از او خارج شده منی است یا نه - در حالی که بعضی از شرایط را دارا است وظیفه‌اش چیست؟
همه مراجع (به جز آیت الله صافی): رطوبت مزبور پاک است و غسل واجب نمی‌شود.^{۵۷}
- آیت الله صافی: اگر با شهوت و جستن بیرون آید و یا با جستن بیرون آمده و بدن سست شده است، آن رطوبت حکم منی را دارد و اگر هیچ یک از این دو نشانه را نداشت، حکم به منی نمی‌شود مگر آنکه از راه دیگری اطمینان یابد که منی است.^{۵۸}
- تبصره. در تحقق جنابت، لازم است تمام نشانه‌های منی احراز شود و در صورت فقدان یکی از آنها، شخص جنب نمی‌شود مگر آنکه از راه دیگری یقین کند که منی است.

غسل باطل

- پرسش ۳۱: مدتی غسل‌های خود را نادرست انجام می‌دادم و با آن روزه می‌گرفتم و نماز می‌خواندم، آیا باید روزه‌ها و نمازها را قضا کنم؟

^۳ هر چند از یک در وارد شود و از در دیگر بیرون رود.
^۴ ولی اگر از یک در برود و از در دیگر خارج شود مانعی ندارد.
^۵ ولی اگر وضو بگیرد یا به واسطه نداشتن آب بدل از غسل تیمم کند، مکروه نیست.

همه مراجع: روزه‌ها قضا ندارد ولی نمازها را باید قضا کنید.^{۵۹}

غسل‌های نمازدار

● پرسش ۳۲: با چه غسل‌هایی می‌توان نماز خواند؟
 آیات عظام امام، بهجت، خامنه‌ای و صافی: تنها با غسل جنابت می‌توان نماز خواند ولی با غسل‌های دیگر باید وضو هم گرفت.^{۶۰}
 آیت‌الله مکارم: با همه غسل‌های واجب و مستحب، می‌توان نماز خواند و گرفتن وضو واجب نیست. اما احتیاط مستحب آن است که در غیر غسل جنابت، وضو هم بگیرد.^{۶۱}
 آیت‌الله فاضل: با همه غسل‌های واجب- غیر از غسل استحاضه متوسطه- می‌توان نماز خواند اگر چه احتیاط مستحب آن است که [در غیر غسل جنابت] وضو هم بگیرد.^{۶۲}
 آیات عظام تبریزی، سیستانی، نوری و وحید: با همه غسل‌های واجب و مستحب- غیر از غسل استحاضه متوسطه- می‌توان نماز خواند اگر چه احتیاط مستحب آن است که [در غیر غسل جنابت] وضو هم بگیرد.^{۶۳}

فراموشی غسل

● پرسش ۳۳: اگر کسی در شب جنب شود؛ ولی غسل را فراموش کند، تا اینکه در روز متوجه شود؛ آیا در این صورت نیز روزه‌اش باطل است؟
 همه مراجع: آری، در این فرض نیز روزه باطل می‌شود.^{۶۴}
 تبصره. هر چند روزه شخص باطل است ولی باید تا غروب از خوردن و آشامیدن و مانند آن امساک کند.

استمناء

● پرسش ۳۴: شخصی که به حرمت استمناء آگاهی نداشته و بدون غسل، نماز و روزه می‌گرفته، چه حکمی دارد؟
 امام خمینی و آیت‌الله نوری: روزه‌ها صحیح است و قضا ندارد ولی نمازهایی را که در حال جنابت خوانده است، باید قضا کند.^{۶۵}
 آیت‌الله بهجت: نمازهایی را که در حال جنابت انجام داده، باید قضا کند و روزه‌ها را نیز بنا بر احتیاط واجب به جا آورد.^{۶۶}

سی درس / ۳

آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، مکارم و وحید: نماز و روزه‌هایی را که در حال جنابت انجام داده، باید قضا کند.^{۶۷}

آیات عظام سیستانی، صافی و فاضل: اگر در یاد گرفتن مسائل کوتاهی نکرده است، روزه‌ها صحیح است و قضا ندارد ولی نمازهایی را که در حال جنابت خوانده است، در هر حال باید قضا کند.^{۶۸}

تیمم (درس ششم)

قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ النَّارِ فِي النَّارِ لِأَنَّ نِيَّاتِهِمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ خُلِدُوا فِيهَا أَنْ يَعْصُوا اللَّهَ أَبَدًا وَ إِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ لِأَنَّ نِيَّاتِهِمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ بَقُوا فِيهَا أَنْ يُطِيعُوا اللَّهَ أَبَدًا فَبِالنِّيَّاتِ خُلِدَ هَؤُلَاءِ وَ هَؤُلَاءِ ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ تَعَالَى قُلْ كُلُّ يَعْمَلْ عَلَى شَاكِلَتِهِ قَالَ عَلَى نِيَّتِهِ (الكافي: ۲/۸۵) ^أ

اهمیت تیمم

- پرسش ۳۵: درباره دلیل تیمم و فایده آن برایم توضیح دهید؟
 «فلم تجدوا ماءً فتيمموا صعيداً طيباً»^{۶۹} «اگر آب [برای غسل یا وضو] نیابید، با خاک پاکی تیمم کنید».
- تیمم در لغت به معنای قصد و اراده کردن است و در اصطلاح فقه عملی است که در شرایط خاص، جایگزین وضو و غسل می‌شود. تیمم به این

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: اهل آتش از جهت در آتش دوزخ جاودان می‌مانند که نیت اینان در دنیا این بوده است که اگر جاودان در دنیا می‌مانند به معصیت خداوند همچنان ادامه دهند و اهل بهشت نیز از این روی در بهشت جاودان می‌مانند که در نیتشان این بوده است که اگر تا هر زمان که در دنیا می‌مانند خداوند را اطاعت می‌کردند. لذا اینان و آنان بخاطر نیتشان مخلد شدند. آنگاه امام این آیه را تلاوت نمودند: «همه طبق ساختارشان عمل می‌کنند» امام فرمودند: یعنی طبق نیتشان.

صورت انجام می‌گیرد: ابتدا کف دو دست را بر چیزی که تیمم بر آن جایز است، می‌زنیم. سپس هر دو دست را بر تمام پیشانی و دو طرف آن - از جایی که موی سر می‌روید- تا روی ابروها و بالای بینی می‌کشیم. بعد با کف دست چپ، بر تمام پشت دست راست - از میچ تا سر انگشتان - و در آخر کف دست راست را بر تمام پشت دست چپ می‌کشیم (انگشتان هم جزو کف دست است).^۱ تیمم دو فایده و فلسفه مهم دارد:

۱. فایده بهداشتی:

خاک به جهت داشتن باکتری‌های فراوان، می‌تواند آلودگی‌ها را از بین ببرد. از این نظر خاک می‌تواند تا حدودی جانشین آب شود. با این تفاوت که آب حلال است یعنی، میکروب‌ها را حل کرده و با خود می‌برد ولی خاک میکروب‌کش است و خاکی این اثر بخشی را دارد که کاملاً پاک باشد. از این رو قرآن از آن به "طیب" تعبیر کرده است.

۲. فایده اخلاقی:

تیمم یکی از عبادات است زیرا انسان پیشانی خود را - که شریف‌ترین عضو او است - با دستی که بر خاک زده، لمس می‌کند تا فروتنی و تواضع خود را در پیشگاه خداوند متعال آشکار سازد

تیمم بر دو نوع است: تیمم بدل از وضو و تیمم بدل از غسل. کسی که وظیفه‌اش تیمم است، تا هنگامی که عذر او باقی است، می‌تواند تمام کارهایی را که با وضو و غسل انجام می‌دهد، با تیمم به جا آورد. اگر یکی از امور باطل کننده وضو، از او سر بزند، تیممش باطل می‌شود. باید دانست که تیمم تنها بر زمین و هر چه که این عنوان بر آن صدق می‌کند (خاک، ریگ، کلوخ، سنگ مرمر و سایر اقسام سنگ‌ها) جایز است.^۲

زدن دست

● پرسش ۳۶: آیا زدن دست بر روی زمین در تیمم لازم است یا صرف تماس و گذاشتن کفایت می‌کند؟

^۱ بنا بر نظر آیت‌الله خامنه‌ای، احتیاط واجب آن است که بار دیگر دست‌ها را به زمین بزند و سپس کف دست چپ را بر پشت دست راست و کف دست راست را به پشت دست چپ بکشد: آیت‌الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۲۰۹.

^۲ البته در مواردی میان مراجع تقلید اختلاف نظر هست) مانند تیمم بر آجر، گچ و مانند آن (که هر کس باید بر طبق فتوای مرجع تقلید خود عمل کند).

آیات عظام امام خمینی، سیستانی و نوری: زدن به محل تیمم لازم نیست و صرف گذاشتن و تماس کافی است هر چند زدن بهتر (احتیاط مستحب) است.^{۷۰}

آیات عظام بهجت، تبریزی، صافی، مکارم و وحید: بنابر احتیاط (واجب) زدن به محل تیمم لازم است و صرف گذاشتن و تماس کافی نیست.^{۷۱}
آیت الله فاضل: آری، زدن به محل تیمم لازم است و صرف گذاشتن و تماس کافی نیست.^{۷۲}

تیمم بر...

● پرسش ۳۷: آیا تیمم بر چوب، گچ، آجر و خاک نمناک صحیح است؟

چوب

همه مراجع: خیر صحیح نیست.^{۷۳}

گچ

آیات عظام امام خمینی، تبریزی، صافی، فاضل و مکارم: بنابر احتیاط واجب، با وجود خاک، تیمم بر گچ دیوار صحیح نیست.^{۷۴}
آیت الله بهجت و آیت الله نوری: با وجود خاک، تیمم بر گچ دیوار صحیح نیست.^{۷۵}

آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی و وحید: تیمم بر گچ دیوار صحیح است ولی احتیاط مستحب آن است که با وجود خاک (و مانند آن) بر آن تیمم نکند.^{۷۶}

آجر

آیات عظام امام خمینی، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل و وحید: آری، تیمم بر آجر صحیح است ولی بهتر (احتیاط مستحب) است با آن تیمم نکنند.^{۷۷}

آیت الله تبریزی و آیت الله مکارم: بنابر احتیاط واجب، تیمم بر آجر صحیح نیست.^{۷۸}

آیات عظام بهجت، صافی و نوری: خیر، تیمم بر آجر صحیح نیست.^{۷۹}

خاک نمناک

همه مراجع: صحیح است ولی بهتر (احتیاط مستحب) است که با وجود زمین یا خاک خشک، به خاک نمناک تیمم نکند.^{۸۰}

تیمم آخر وقت

• پرسش ۳۸: کسی که بعد از اذان صبح با حالت احتلام از خواب بیدار می‌شود، آیا می‌تواند نماز خود را تا نزدیک طلوع آفتاب به تأخیر اندازد و با تیمم نماز بخواند؟
همه مراجع: اگر نماز خود را به تأخیر اندازد، تا جایی که وقت تنگ شود، گناه کرده است. در این صورت باید تیمم کند و نماز خود را بخواند و نماز او صحیح است.^{۸۱}

تیمم بدل از وضو

• پرسش ۳۹: آیا بعد از تیمم بدل از غسل، تیمم بدل از وضو نیز لازم است؟

همه مراجع (به جز آیات عظام سیستانی، مکارم و نوری): در تیمم بدل از غسل جنابت، برای نماز، وضو یا تیمم بدل از وضو لازم نیست ولی در تیمم بدل از سایر غسل‌ها، برای نماز وضو یا تیمم بدل از وضو نیز لازم است.^{۸۲}
آیات عظام سیستانی، مکارم و نوری: خیر، لازم نیست برای نماز، وضو یا تیمم بدل از وضو بگیرد (خواه غسل جنابت باشد یا غسل‌های دیگر)، به جز غسل استحاضه متوسطه ولی اگر به جا آورد، بهتر (احتیاط مستحب) است.^{۸۳}

تیمم بر غبار

• پرسش ۴۰: آیا لازم است محل تیمم گرد و غبار هم داشته باشد؟
آیات عظام امام، بهجت، خامنه‌ای، صافی، فاضل و نوری: خیر ولی مستحب است گردی هم داشته باشد.^{۸۴}
آیات عظام تبریزی، سیستانی و وحید: تا آنجا که امکان دارد، بنا بر احتیاط واجب باید گردی هم داشته باشد.^{۸۵}
آیت‌الله مکارم: تا آنجا که امکان دارد، باید گردی هم داشته باشد.^{۸۶}

تیمم جایگزین وضو

• پرسش ۴۱: آیا کسی که وظیفه‌اش به جای غسل تیمم بوده، می‌تواند دست به قرآن بزند و یا به مسجد برود؟
آیات عظام امام و نوری: اگر به جهت ضرر داشتن آب و مانند آن، تیمم کرده- در صورتی که تیمم و عذرش باقی است- می‌تواند کارهای یاد شده را

انجام دهد. اما اگر به جهت تنگی وقت، به جای غسل تیمم کرده است، بنا بر احتیاط واجب نمی‌تواند.^{۸۷}

آیات عظام بهجت، تبریزی، سیستانی، خامنه‌ای، صافی، فاضل و وحید: اگر به جهت ضرر داشتن آب و مانند آن، تیمم کرده - در صورتی که تیمم و عذرش باقی است - می‌تواند کارهای یاد شده را انجام دهد. اما اگر به جهت تنگی وقت، به جای غسل تیمم کرده است، نمی‌تواند.^{۸۸}

آیت‌الله مکارم: اگر تیمم و عذرش باقی است، می‌تواند کارهای یاد شده را انجام دهد.^{۸۹}

اسماء متبرکه (درس هفتم)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ
النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ (البقرة: ۲۶۴) ^أ

مس اسماء جلاله

- پرسش ۴۲: حکم تماس بدن با اسمای جلاله، بدون وضو چگونه است؟
آیات عظام امام خمینی، بهجت، خامنه‌ای، صافی و نوری: مس اسمای باری تعالی - به هر زبان و کیفیتی که نوشته شده باشد بدون وضو جایز نیست.^{۹۰}
- آیات عظام تبریزی، سیستانی، مکارم و وحید: مس اسمای باری تعالی - به هر زبان و کیفیتی که نوشته شده باشد بنا بر احتیاط واجب، بدون وضو جایز نیست.^{۹۱}
- آیت الله فاضل: کسی که وضو ندارد، بهتر است اسمای باری تعالی را - به هر زبان و کیفیتی که نوشته شده باشد مس نکند.^{۹۲}

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با منت و آزار، باطل نکنید، مانند کسی که مالش را برای خودنمایی به مردم، انفاق می‌کند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارد.

بسمه تعالی

- پرسش ۴۳: لمس کردن کلمه "بسمه تعالی" و یا "..." - که به جای کلمه الله می نویسند - بدون وضو چه حکمی دارد؟
امام خمینی: مس اسمای باری تعالی یا جزئی از آنها - به هر زبان و کیفیتی که نوشته شده باشد بدون وضو جایز نیست.^{۹۳}
آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل، مکارم و نوری: اشکال ندارد (هر چند بهتر است که مس نکنند).^{۹۴}
آیت الله بهجت و آیت الله صافی: بنابر احتیاط واجب بدون وضو مس نکنند.^{۹۵}
آیت الله وحید: مس "..." اشکال ندارد ولی مس "بسمه تعالی" بنابر احتیاط واجب، جایز نیست.^{۹۶}

مسّ نام عبدالله

- پرسش ۴۴: فردی که اسمشان "عبدالله" و "حبيب الله" و... است، اگر بدون وضو آن را بنویسند و مس کنند، چه حکمی دارد؟
آیات عظام امام، بهجت، خامنه‌ای، صافی و نوری: مس اسم "الله" بدون وضو جایز نیست هر چند جزئی از اسم مرکب باشد.^{۹۷}
آیات عظام مکارم و وحید: بنابر احتیاط واجب، مس اسم "الله" بدون وضو جایز نیست هر چند جزئی از اسم مرکب باشد.^{۹۸}
آیات عظام تبریزی، سیستانی و فاضل: اشکال ندارد هر چند بهتر است که مس نکنند.^{۹۹}

آرم جمهوری اسلامی

- پرسش ۴۵: یا لمس کردن نقش آرم جمهوری اسلامی ایران - که روی نامه‌ها و بلیت‌های اتوبوس و... وجود دارد - حرام است؟
آیات عظام امام، تبریزی، سیستانی، صافی، وحید و نوری: بنابر احتیاط واجب بدون طهارت مس نکنند.^{۱۰۰}
آیت‌الله خامنه‌ای: چنانچه در نظر عرف اسم جلاله محسوب و خوانده شود، مس آن بدون طهارت حرام است.^{۱۰۱}
آیات عظام فاضل و مکارم: اشکال ندارد ولی بهتر است آن را مس نکنند.^{۱۰۲}

آیت‌الله بهجت: مس آن، بدون طهارت جایز نیست.^{۱۰۳}

لمس نام معصومین (علیهم السلام)

- پرسش ۴۶: لمس کردن نام نبی اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، امامان (علیه السلام) و حضرت زهراء (علیها السلام) بدون وضو چگونه است؟ آیات عظام امام خمینی، بهجت، خامنه‌ای، صافی، مکارم و نوری: بنابر احتیاط واجب اسمای آنان را بدون وضو مس نکند.^{۱۰۴}
- آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل و وحید: بهتر (احتیاط مستحب) است اسمای آنان را بدون وضو مس نکند.^{۱۰۵}

امحاء اسماء متبرکه

- پرسش ۴۷: راه محو کردن برگه هایی که آیات قرآن بر روی آن نوشته شده، چیست؟ همه مراجع: یکی از سه راه ذیل پیشنهاد می شود:
 ۱. آنها را در مکانی دفن کنید.
 ۲. در آب جاری مانند رودخانه بریزید.
 ۳. به مراکز تحویل دهید که از آنها برای ساختن کارتن و مانند آن استفاده می کنند.^{۱۰۶}

گردن بند

- پرسش ۴۸: استفاده از گردن‌بند منقش به نام خدا چه حکمی دارد؟ آیات عظام امام، بهجت، خامنه‌ای، صافی و نوری: استفاده از آن مانع ندارد ولی بدون طهارت، آن را مس نکنند.^{۱۰۷}
- آیات عظام تبریزی، سیستانی، مکارم و وحید: استفاده از آن مانع ندارد ولی بنابر احتیاط واجب، مس اسم "الله" بدون وضو جایز نیست.^{۱۰۸}
- آیت‌الله فاضل: استفاده از آن مانع ندارد ولی بهتر است بدون طهارت، آن را مس نکنند.^{۱۰۹}
- تبره. استفاده از گردن‌بند یاد شده، غیر از تماس بدن با آن است. آنچه ممنوع است، تنها تماس است نه استفاده از آن.

نماز (۱) (درس ششم)

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله وسلم): مَنْ اصْطَنَعَ إِلَيَّ أَخِيهِ مَعْرُوفًا فَمَنْ بِهِ عَلَيْهِ حَبْطَ عَمَلُهُ وَ حَابَ سَعْيِهِ (وسائل الشیعة: ۴۵۳/۹)^۱

تکلیف نماز

• پرسش ۴۹: در چه صورتی تکلیف نماز از انسان برداشته می‌شود؟
همه مراجع: در هیچ حالتی تکلیف نماز از شخص مکلف ساقط نمی‌شود. اگر نمی‌تواند ایستاده نماز بگذارد، باید نشسته بخواند و اگر نشسته نمی‌تواند، خوابیده و به پهلو راست رو به قبله بخواند. اگر به پهلو راست نمی‌تواند، به پهلو چپ بخواند. در غیر این صورت به پشت بخوابد، به طوری که کف پای او رو به قبله باشد. حتی در اتوبوس یا هواپیما اگر وقت نماز تنگ باشد، باید در حد مقدور نسبت به قبله و رکوع و سجود اقدام کند.^{۱۱۰}

نمازهای واجب و مستحب

• پرسش ۵۰: نمازهای واجب کدام است؟
۱. نماز یومیه،

^۱ هر کس برای برادر دینی‌اش کار خوبی را انجام دهد، سپس بر او منت بگذارد، عملش را از بین برده و تلاشش را بی‌سرانجام گذاشته است.

۲. نماز آیات،
۳. نماز میت،
۴. نماز قضای پدر،
۵. نماز طواف واجب،
۶. نمازی که به سبب اجاره، نذر، عهد و قسم واجب می شود.
نمازهای مستحب کدام است؟
 ۱. نماز عید فطر [در زمان غیبت]،
 ۲. نماز عید قربان [در زمان غیبت]،
 ۳. نماز وحشت،
 ۴. نماز جعفر طیار،
 ۵. نماز غفیله،
 ۶. نماز اول ماه،
 ۷. نوافل یومیه (نافله های شبانه روزی)،
 ۸. نماز شب،
 ۹. نماز زیارت،
 ۱۰. نماز تحیت مسجد،
 ۱۱. نماز شکر،
 ۱۲. نماز باران،
 ۱۳. نماز برآورده شدن حاجت.

نماز جمعه

- پرسش ۵۱: نماز جمعه واجب است یا مستحب و به جای نماز ظهر محسوب می شود یا خیر؟

همه مراجع (به جز آیات عظام تبریزی، صافی و مکارم): در زمان غیبت ولی عصر (عجل الله فرجه)، نماز جمعه واجب تخییری است و بهتر است انسان در این نماز شرکت کند. برای کسی که آن را به جا می آورد، کفایت از نماز ظهر می کند (ولی احتیاط آن است که هر دو را بخواند).^{۱۱۱}

آیت الله صافی: شرکت در اقامه نماز جمعه، بسیار خوب است ولی کسی که نماز جمعه را به جا می آورد، بنابر احتیاط واجب باید نماز ظهر را بخواند و به نماز جمعه اکتفا نکند.^{۱۱۲}

آیت‌الله تبریزی: اگر نماز جمعه با شرایطش اقامه شود، شرکت در آن احتیاط واجب است و برای کسی که آن را به جا آورد، کفایت از نماز ظهر می‌کند.^{۱۱۳}

آیت‌الله مکارم: در زمان غیبت ولی عصر (عجل الله فرجه)، نماز جمعه واجب تخییری است و برای کسی که آن را به جا می‌آورد، کفایت از نماز ظهر می‌کند ولی به هنگام تشکیل حکومت اسلامی، احتیاط در خواندن نماز جمعه^{۱۱۴} است.

نماز جماعت

• پرسش ۵۲: در نماز فرادا بهتر می‌توانم به مستحبات عمل کنم، در این صورت باز هم جماعت را توصیه می‌کنید؟
همه مراجع: بلی، نماز جماعت مختصر، از نماز فرادایی که طول داده شود، بهتر است. در روایتی آمده است: اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند، هر رکعت از آن نماز ثواب ۱۵۰ نماز دارد و اگر دو نفر اقتدا کنند، ثواب ششصد نماز دارد و اگر عدد آنها از ده تجاوز کند چنانچه تمام آسمان‌ها کاغذ، دریاها مرکب، درخت‌ها قلم و جن و انس و ملائکه نویسنده شوند، نمی‌توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند.^{۱۱۵}

لباس نمازگزار

• پرسش ۵۳: شرایط لباس نمازگزار کدام است؟
۱. پاک باشد (نجس نباشد).
۲. مباح باشد.
۳. از اجزای مردار نباشد (حتی کمر بند و کلاه).
۴. از حیوان حرام گوشت نباشد (به عنوان مثال از پوست پلنگ یا روباه تهیه نشده باشد).
۵. اگر نمازگزار مرد است، لباس او طلا یا ابریشم خالص نباشد و زینت طلا (حتی انگشتر طلا) نپوشد.

مکان نمازگزار

• پرسش ۵۴: شرایط مکان نمازگزار کدام است؟
۱. مباح باشد (غصبی نباشد).

۲. بی حرکت باشد (مانند اتومبیل در حال حرکت نباشد).
۳. جای آن تنگ و سقف آن کوتاه نباشد تا بتواند قیام و رکوع و سجود را به طور صحیح انجام دهد.
۴. جایی که پیشانی را می گذارد (در حال سجده)، پاک باشد.
۵. مکان نماز گزار اگر نجس است، تر نباشد که به بدن یا لباس وی سرایت کند (و اگر خشک باشد، مانعی ندارد).
۶. جایی که پیشانی را در حال سجده می گذارد، از جای قدم های او بیش از چهار انگشت بسته، پست تر یا بلندتر نباشد ولی اگر شیب زمین کم باشد اشکال ندارد.

حجاب در نماز

- پرسش ۵۵: اگر خانمی در بین نماز متوجه شود که موهای او از چادر بیرون آمده، تکلیفش چیست؟ اگر بعد از نماز بفهمد، آیا درست است؟
همه مراجع (به جز آیات عظام بهجت، تبریزی و وحید): اگر در بین نماز بفهمد، باید آن را بلافاصله بپوشاند و نمازش صحیح است به شرط آنکه پوشاندن زیاد طول نکشد. اگر بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است.^{۱۱۶}
آیت الله تبریزی: اگر در بین نماز بفهمد، نمازش باطل است و اگر بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است.^{۱۱۷}
آیات عظام بهجت و وحید: اگر در بین نماز بفهمد، باید آن را بلافاصله بپوشاند و بنابر احتیاط واجب نماز را تمام کند و دوباره بخواند. و اگر بعد از نماز بفهمد، نمازش صحیح است.^{۱۱۸}

نماز (۲) (درس نهم)

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ
الْوَهَّابُ (آل عمران: ۸)^۱

قال الامام الصادق (عليه السلام): أَكْثَرُوْا مِنْ أَنْ تَقُولُوا رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا
بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ لَا تَأْمَنُوا الزَّيْغَ (تفسير العياشي: ۱/۱۶۴)^۲

قضای پدر

• پرسش ۵۶: آیا قضای نماز پدر را باید پسر بزرگ بخواند یا دیگری هم می‌تواند انجام دهد؟

همه مراجع: نماز قضای پدر تنها بر عهده پسر بزرگ خانواده (بعد از فوت پدر) است. اما اگر کس دیگری هم به جا آورد، اشکال ندارد و رفع تکلیف از پسر می‌شود. پسر بزرگ نیز می‌تواند کسی را برای خواندن نماز پدر اجیر کند. اگر پدر وصیت کند که از ثلث مالش برای قضای نماز او اجیر بگیرند، پس از خواندن اجیر، قضای نماز از عهده پسر بزرگ ساقط می‌شود.^{۱۱۹}

^۱ [راسخون در علم می‌گویند: پروردگارا، پس از آنکه ما را هدایت کردی، دل‌هایمان را دستخوش انحراف مگردان، و از جانب خود، رحمتی بر ما ارزانی دار که تو خود بخشایشگری.
^۲ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: زیاد بگویند: «خدایا قلب‌هایمان را بعد از هدایت دچار زنگار نکن!» هیچ‌گاه خود را ایمن از زنگار ندانید!

حائل سجده

● پرسش ۵۷: اگر هنگام گذاشتن پیشانی روی مهر، قسمتی از موی سر یا چادر بین پیشانی و مهر حایل شود، وظیفه چیست؟
همه مراجع: باید به طوری که پیشانی از روی مهر بلند نشود، مو یا چادر را کنار بزند و بعد از استقرار پیشانی روی مهر، ذکر سجده را بگوید. البته اگر پیشانی به مقداری که در سجده لازم است، روی مهر باشد، کنار زدن چادر یا مو از پیشانی لازم نیست.^{۱۲۰}

تکرار در نماز

● پرسش ۵۸: اگر جملات "حمد" و سوره یا اذکار نماز چند مرتبه تکرار شود، برای نماز اشکالی ایجاد می‌کند؟
همه مراجع: تکرار کردن آیات "حمد" و سوره یا ذکرهای رکوع و سجود و تسبیحات اربعه، بدون قصد جزئیت - بلکه برای ثواب یا احتیاط - مانعی ندارد به شرط آنکه به حد وسواس نرسد.^{۱۲۱}

خوردن پیشانی به مهر

● پرسش ۵۹: اگر دو بار سر به مهر بخورد، وظیفه چیست؟
همه مراجع (به جز آیت‌الله وحید): اگر مرتبه دوم بی‌اختیار باشد، روی هم یک سجده محسوب می‌شود.^{۱۲۲}
آیت‌الله وحید: اگر نتواند سر را نگه دارد و بی‌اختیار دوباره به جای سجده برسد، بنابر احتیاط واجب روی هم یک سجده محسوب نمی‌شود (اگر چه یک سجده آورده شده است). پس اگر ذکر نگفته باشد، بنابر احتیاط واجب به قصد آنچه به او امر دارد - اعم از واجب و مستحب - ذکر بگوید.^{۱۲۳}

ترتیب زن و مرد

● پرسش ۶۰: آیا محل ایستادن خانم‌ها در نماز، باید عقب‌تر از مردها باشد؟
آیات عظام امام، بهجت، صافی و نوری: خیر، اگر جلوتر از مرد هم بایستد اشکال ندارد ولی بهتر است زن عقب‌تر از مرد بایستد.^{۱۲۴}

آیت‌الله تبریزی باید حداقل بین زن و مرد یک وجب فاصله باشد و اگر زن کنار مرد یا جلوتر از او بایستد، نماز کسی که دیرتر شروع کرده است باطل است و باید دوباره اعاده کند.^{۱۲۵}

آیات عظام فاضل و مکارم: زن باید عقب‌تر از مرد بایستد و گرنه نماز او باطل است و فرقی بین محرم و نامحرم نیست.^{۱۲۶}

آیت‌الله سیستانی: بنابر احتیاط لازم، زن باید عقب‌تر از مرد بایستد و اگر کنار مرد یا جلوتر از او بایستد کسی که دیرتر شروع کرده است، بنابر احتیاط واجب باید نمازش را دوباره اعاده کند.^{۱۲۷}

آیت‌الله وحید: باید بین مرد و زن در حال نماز، حداقل یک وجب فاصله باشد ولی اگر زن برابر مرد یا جلوتر - در کمتر از فاصله‌ای که ذکر شد - بایستد و هر دو با هم وارد نماز شوند، باید نماز را دوباره بخوانند.^{۱۲۸}

آیت‌الله خامنه‌ای: بنابر احتیاط واجب باید حداقل بین زن و مرد یک وجب فاصله باشد و در این صورت اگر زن کنار مرد یا جلوتر از او بایستد، نماز هر دو صحیح است.^{۱۲۹}

تنه خوردن در نماز

• پرسش ۶۱: اگر در حال خواندن "حمد" و سوره، به انسان تنه بزنند و او بی‌اختیار قدری حرکت کند، نمازش چه حکمی دارد؟
همه مراجع: اگر از حال نمازگزار خارج نشود، نمازش باطل نیست و ذکر را که در حال حرکت گفته‌است - بنابر احتیاط واجب - دوباره در حال آرامش بدن تکرار کند.^{۱۳۰}
تبصره. تکرار ذکر به نظر آیت‌الله سیستانی، تبریزی و وحید، بنابر احتیاط مستحب است.

نماز در قطار

• پرسش ۶۲: نماز خواندن در هواپیما و قطار در حال حرکت چگونه است؟

همه مراجع: مکان نماز گزار باید بی‌حرکت باشد. بلی، اگر به واسطه تنگی وقت یا ضرورت دیگری، ناچار باشد که در هواپیما یا ترن در حال حرکت نماز بخواند، باید استقرار و قبله را در حد ممکن رعایت کند و در حال چرخش به طرف قبله، چیزی نخواند.^{۱۳۱}

نماز (۳) (درس دهم)

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ
(آل عمران: ۹۲)^ا

قال الامام الصادق (عليه السلام) في قوله تعالى: لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ أَي لَنْ تَنَالُوا الثَّوَابَ حَتَّى تَرُدُّوْا عَلَيَّ آلِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ مِنَ الْأَنْفَالِ وَالْخُمْسِ وَالْفَيْءِ (تفسير القمي: ۱/۱۰۶)^ب

نماز و روزه مستحبی

• پرسش ۶۳: کسی که نماز و روزه قضا برگردن دارد، آیا می‌تواند نماز و روزه مستحبی به جا آورد؟
همه مراجع: می‌تواند نماز مستحبی بخواند ولی نمی‌تواند روزه مستحبی بگیرد.^{۱۳۲}

شک بعد از محل

• پرسش ۶۴: شک بعد از محل را با مثال توضیح دهید؟

^ا هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید؛ و از هر چه انفاق کنید قطعاً خدا بدان داناست.

^ب امام صادق (علیه السلام) در باره این کلام خداوند متعال «هرگز به حقیقت خوب بودن، نمی‌رسید مگر این که از آنچه دوست دارید انفاق کنید» فرمودند: یعنی هرگز به ثواب نمی‌رسید مگر این که حق آل محمد (صلوات الله علیهم) را از انفال و خمس و غنیمت بپردازید.

همه مراجع: شک بعد از محل، مانند آن است که در حال خواندن سوره، شک کند "حمد" را خوانده یا نه در رکوع شک کند سوره را خوانده یا نه در سجده شک کند رکوع را انجام داده یا نه بعد از سلام شک کند تشهد را خوانده یا نه و در تمام این موارد نباید به شک خود اعتنا کند بلکه باید نماز را ادامه دهد و نماز صحیح است.^{۱۳۳}

کثیر الشک

● پرسش ۶۵: کسانی که زیاد شک می‌کنند، در نماز چه تکلیفی دارند؟
همه مراجع: کثیرالشک به کسی می‌گویند که نمی‌تواند، سه نماز پشت سر هم را بدون شک بخواند در این صورت نباید به شک خود اعتنا کند یعنی، هر طرف را که به نفع او است، انتخاب کند. برای مثال اگر در نماز صبح بین دو و سه شک کند، بگوید دو رکعت خوانده‌ام و اگر در به جای آوردن سجده و رکوع شک کند، بگوید انجام داده‌ام^{۱۳۴}

سجده سهو

● پرسش ۶۶: دستور سجده سهو را بیان دارید؟
همه مراجع: برای سجده سهو، بعد از نماز فوری نیت سجده سهو کند و پیشانی را بر چیزی که سجده بر آن صحیح است، بگذارد و بگوید: "بسم الله و بالله السلام عليك ايها النبي و رحمة الله و بركاته". بعد بنشیند و دوباره سجده رود و ذکر را که گفته شد، بخواند و بنشیند و پس از تشهد بگوید: "السلام عليك و رحمة الله و بركاته".^{۱۳۵}

حضور قلب در نماز

● پرسش ۶۷: چگونه می‌توان در هنگام نماز خواندن حضور قلب داشت؟
برای حضور قلب در نماز باید از راه‌های زیر استفاده کنید:
۱. دقت در انجام مقدمات نماز، مانند وضوی با دقت و توجه، انجام مستحباتی چون اذان، اقامه و در کتاب‌های حدیث آمده است: شخصی از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) درخواست کرد که راهی به او بنمایاند تا حضور قلب بیشتری در نماز پیدا کند حضرت او را به شاداب گرفتن وضو فرمان دادند.

۲. گزینش مکان مناسب برای نماز، دوری از جاهای شلوغ و پر سر و صدا و پرهیز از هر آنچه که موجب انحراف توجه از خداوند شود.
۳. گزینش وقت مناسب و تا آن جا که ممکن است اول وقت خواندن نماز.
۴. تاحد امکان در مسجد و باجماعت نماز خواندن (به ویژه در جماعاتی که بعد معنوی بیشتری دارد).
۵. نماز را با طمأنینه و دقت در مفاهیم و معانی آن خواندن.
۶. در حال ایستاده به مهر نگریستن و در رکوع به پایین پا و در تشهد به دامن خود نظر نمودن.
۷. تخلیه دل از حب دنیا و امور دنیوی و آن را مالامال از عشق خدا ساختن.
۸. توجه به این که مبدأ و منتهای انسان خداوند است و آنچه در این بین است برای امتحان آدمی و ابزاری جهت رشد و کمال اوست.
۹. ضبط قوه خیال. علامه (رحمة الله علیه) فرمودند: "فکر در نماز دنباله افکار شبانه روز است. کسی که صبح تا ظهر به یاد خدا نبوده نمی تواند هنگام نماز یاد خدا را استمرار دهد."
۱۰. توجه به عظمت و هیبت پروردگار و فقر و فاقه خود.

حائل بین زن و مرد

- پرسش ۶۸: آیا باید در مساجد و نمازخانه‌ها، در حال نماز و یا روضه‌خوانی و سخنرانی، پرده‌ای بین زن و مرد باشد؟
همه مراجع: اگر مفسده‌ای در بین نباشد، ایجاد حایل لازم نیست. [هر چند وجود آن بهتر است].^{۱۳۶}
- تبصره. البته هنگام خواندن نماز، زن واجب- یا بهتر- است که کمی عقب‌تر از مرد بایستد. (فتاوا در این زمینه مختلف است، برای آگاهی از آن به توضیح‌المسائل مراجع م ۸۸۶ مراجعه شود).

تعقیبات نماز

- پرسش ۶۹: مناسب‌ترین تعقیب نماز چیست؟

از روایات استفاده می شود که بهترین تعقیب بعد از نماز، تسبیحات حضرت زهرا (علیها السلام) است که در اینجا به ذکر چند روایت (از حاشیه مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی) اکتفا می کنیم:

۱. از حضرت صادق (علیه السلام) نقل شده است: ما کودکان خود را به تسبیح فاطمه (علیها السلام) امر می کنیم چنان که آنها را به نماز امر می کنیم پس آن را ترک مکن که هر که بر آن مداومت نماید شقی و بدبخت نمی گردد.

۲. در روایات فراوانی آمده است که مقصود از ذکر و یاد فراوان در آیه شریفه: “واذکروا الله ذکرا کثیرا تسبیح حضرت زهرا (علیها السلام) است که بعد از نماز هر کس بر آن مداومت نماید خدا را بسیار یاد کرده است.”

۳. حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: خواندن تسبیح حضرت فاطمه (علیها السلام) بعد از هر نماز در نزد من از هزار رکعت نماز در هر روز بهتر است.

۴. در روایت معتبر از حضرت باقر (علیه السلام) آمده است که با چیزی مثل تسبیح حضرت فاطمه (علیها السلام) خداوند عبادت و تسبیح و تمجید نشده است و اگر چیزی از این تسبیح بهتر بود پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) آن را به فاطمه (علیها السلام) عطا می کرد.

ازدواج با بی نماز

- پرسش ۷۰: آیا ازدواج با شخصی که نماز نمی خواند، جایز است؟ همه مراجع: ازدواج با او جایز است ولی کراهت دارد.^{۱۳۷} تبصره. ازدواج با فرد فاسق کراهت دارد و کسی که نماز نمی خواند، مصداق بارز فسق شمرده می شود.

روزه (۱) (درس یازدهم)

قَالَ الْإِمَامُ الصَّادِقُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ (النساء: ۱۷) يَعْنِي كُلَّ ذَنْبٍ عَمِلَهُ الْعَبْدُ وَإِنْ كَانَ بِهِ عَالِمًا فَهُوَ جَاهِلٌ حِينَ خَاطَرَ بِنَفْسِهِ فِي مَعْصِيَةِ رَبِّهِ وَقَدْ قَالَ فِي ذَلِكَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يَحْكِي قَوْلَ يُوسُفَ لِأَخْوَتِهِ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ فَسَبَّهْمُ إِلَى الْجَهْلِ لِمُخَاطَرَتِهِمْ بِأَنْفُسِهِمْ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ (تفسير العياشي: ۱/۲۲۸)^۱

خون لته روزه دار

● پرسش ۷۱: گاهی از لته‌هایم خون بیرون می‌آید و با آب دهان مخلوط می‌شود، اگر آن را فرو ببرم روزه باطل می‌شود؟
همه‌ی مراجع (به جز آیات عظام تبریزی، صافی و نوری): اگر خون لته در آب دهان مستهلک شود، فرو بردن آن روزه را باطل نمی‌کند.^{۱۳۸}
آیات عظام تبریزی و صافی: اگر خون لته در آب دهان مستهلک شود

۱ امام صادق (علیه السلام) در باره این کلام خداوند متعال «خداوند توبه آنانی را قبول می‌کند که از روی نادانی کار زشت را انجام داده‌اند» فرمودند: یعنی هر گناهی که بنده‌ای آن را انجام دهد ولو آگاهانه آن را مرتکب شود ولی چون معصیت پروردگارش به قلبش خطور کرده است، پس نسبت به آن جاهل است و خداوند متعال در این پاره در حکایت از قول یوسف به برادرانش فرموده است: «آیا می‌دانید با یوسف و برادرش چه کردید؟! آنگاه که در نادانی به سر می‌بردید؟؟» پس خداوند جهل را به برادران یوسف نسبت می‌دهد زیرا آنها معصیت خداوند را در ذهن داشتند.

بنابر احتیاط واجب فرو نبرد و بیرون بریزد.^{۱۳۹}
 آیت‌الله نوری: فرو بردن آن جایز نیست هر چند در آب دهان مستهلک
 شود.^{۱۴۰}

خلط روزه‌دار

- پرسش ۷۲: آیا فرو بردن خلط، روزه را باطل می‌کند؟
 همه‌ی مراجع (به جز آیات عظام بهجت و سیستانی): فرو بردن خلط -
 چنانچه به فضای دهان نیامده باشد - اشکال ندارد ولی اگر به فضای دهان
 برسد، احتیاط واجب آن است که فرو نبرد.^{۱۴۱}
 - آیت‌الله بهجت: فرو بردن خلط اگر در حال غیر روزه امر عادی باشد و به
 فضای دهان نیز نیامده باشد، اشکال ندارد ولی اگر به فضای دهان برسد،
 احتیاط واجب آن است که فرو نبرد.^{۱۴۲}
 - آیت‌الله سیستانی: فرو بردن خلط - چنانچه به فضای دهان نیامده باشد -
 اشکال ندارد ولی اگر به فضای دهان برسد، احتیاط مستحب آن است که فرو
 نبرد.^{۱۴۳}
- تبصره: مرز فضای دهان و حلق، مخرج حرف (خ) می‌باشد.

عطر روزه‌دار

- پرسش ۷۳: آیا استفاده از عطر، شامپو، کرم و رژلب در ماه مبارک
 رمضان مجاز است؟
 همه‌ی مراجع: هیچ یک از موارد ذکر شده روزه را باطل نمی‌کند مگر
 آنکه رژلب، وارد دهان شده و فرو داده شود.^{۱۴۴}

مسواک زدن هنگام سحر

- پرسش ۷۴: کسی که می‌داند یا احتمال می‌دهد، در روز غذای باقی
 مانده در لای دندان فرو برده می‌شود، آیا لازم است هنگام سحر خلال یا
 مسواک کند؟
 آیات عظام امام، خامنه‌ای و نوری: اگر در حد احتمال باشد، اشکال ندارد
 ولی اگر بداند در روز چیزی از آن فرو می‌رود، باید دندان خود را خلال یا
 مسواک کند و اگر انجام ندهد و چیزی از آن فرو رود، روزه‌اش باطل می‌شود و
 اگر فرو نرود، بنابر احتیاط واجب، باید قضای آن را به جا آورد.^{۱۴۵}

آیات عظام بهجت، تبریزی، سیستانی، صافی و فاضل: اگر در حد احتمال باشد، اشکال ندارد ولی اگر بدانند در روز چیزی از آن فرو می‌رود، باید دندان خود را خلال یا مسواک کند و اگر انجام ندهد، روزه‌اش باطل می‌شود (هر چند چیزی از آن فرو نرود).^{۱۴۶}

آیت‌الله مکارم: اگر در حد احتمال باشد، اشکال ندارد ولی اگر بدانند در روز چیزی از آن فرو می‌رود، بنابر احتیاط واجب، باید دندان خود را خلال یا مسواک کند و اگر انجام ندهد و غذا فرو رود، روزه را تمام کند و بعد از ماه رمضان قضا نماید.^{۱۴۷}

آیت‌الله وحید: اگر در حد احتمال باشد، اشکال ندارد ولی اگر مطمئن باشد در روز چیزی از آن فرو می‌رود، باید دندان خود را خلال یا مسواک کند و اگر انجام ندهد و چیزی از آن فرو رود، روزه‌اش باطل می‌شود.^{۱۴۸}

سحری و اذان

• پرسش ۷۵: کسی که در سحر تا پایان اذان غذا بخورد، روزه‌اش چه حکمی دارد؟

همه‌ی مراجع: ملاک امساک برای روزه، طلوع فجر صادق است. بنابراین اگر با شروع اذان، اطمینان به طلوع فجر پیدا کند، نباید چیزی بخورد و اگر لقمه‌ای در دهان دارد، نباید فرو برد. اما اگر اطمینان به دخول وقت ندارد، می‌تواند چیزی بخورد.^{۱۴۹}

□ تبصره: البته برای آنکه دچار شبهه بطلان روزه و وجوب قضا نشود، احتیاط آن است که چند دقیقه قبل از اذان صبح، از خوردن و آشامیدن امساک کند.

ضعف بدن روزه‌دار

• پرسش ۷۶: چشم من ضعیف است و می‌ترسم روزه برایم ضرر داشته باشد، تکلیف من چیست؟

همه‌ی مراجع: اگر خوف ضرر عقلایی باشد، روزه بر شما واجب نیست و اگر تا ماه رمضان سال بعد بیماری ادامه یافت، قضا هم واجب نیست. تنها برای هر روز ۷۵۰ گرم گندم، جو و یا آرد و را به عنوان کفّاره به فقیر بدهید.^{۱۵۰}

□ تبصره: ملاک ضرر، تشخیص خود شخص است یعنی، همین اندازه که ترس شما نسبت به ضرر، عقلایی باشد، کافی است. احتمال ضرر گاهی از قول

متخصص و زمانی از تجربه‌ی مریض‌های مشابه و گاهی از تجربه‌ی خود انسان، به دست می‌آید.

نظر پزشک

● پرسش ۷۷: اگر انسان شک داشته باشد که روزه برایش ضرر دارد یا نه؛ ولی پزشک او را از گرفتن روزه منع می‌کند، تکلیف چیست؟
آیات عظام امام، خامنه‌ای، صافی، فاضل و نوری: اگر از گفته پزشک برای او ترس پیدا شود و احتمال عقلایی بدهد که روزه برایش ضرر دارد، نباید روزه بگیرد.^{۱۵۱}

آیات عظام تبریزی و وحید: در فرض یاد شده اگر پزشک، متخصص و مورد اعتماد باشد، باید به گفته‌اش عمل کند.^{۱۵۲}

آیت‌الله مکارم: اگر از گفته پزشک برای او ترس پیدا شود و احتمال عقلایی بدهد که روزه برایش ضرر دارد، نباید روزه بگیرد، و اگر با تجربه خودش دریافته که ضرر ندارد، باید روزه بگیرد. در صورت شک، می‌تواند یکی دو روز را تجربه کند و بعد طبق دستور بالا عمل نماید.^{۱۵۳}

آیات عظام بهجت و سیستانی: اگر از گفته پزشک برای او ترس پیدا شود و احتمال عقلایی بدهد که روزه برایش ضرر دارد، می‌تواند روزه نگیرد.^{۱۵۴}

روزه (۲) (درس دوازدهم)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ إِن يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَن تَعْدِلُوا وَإِن تَلَوُوا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانِ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا (النساء: ۱۳۵)^أ

باطل کردن روزه

● پرسش ۷۸: آیا جایز است، روزه مستحبی را باطل کنیم؟
همه‌ی مراجع: آری، اشکال ندارد ولی اگر بعد از ظهر باشد، مکروه است.^{۱۵۵}

● پرسش ۷۹: آیا کسی که روزه قضا گرفته، می‌تواند آن را به جهتی باطل کند؟

همه‌ی مراجع: اگر پیش از ظهر باشد، اشکال ندارد ولی خوردن آن بعد از ظهر جایز نیست و اگر چنین کند، باید کفاره بدهد و مقدار آن پرداخت ده مد طعام به فقیر (هر کدام یک مد) است.^{۱۵۶}

أی کسانی که ایمان آورده‌اید، پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید، هر چند به زیان خودتان یا [به زیان] پدر و مادر و خویشاوندان [شما] باشد. اگر [یکی از دو طرف دعوا] توانگر یا نیازمند باشد، باز خدا به آن دو [از شما] سزاوارتر است؛ پس، از پی هوس نروید که [در نتیجه از حق] عدول کنید. و اگر به انحراف گرایید یا اعراض نمایید، قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است.

استمنای روزه‌دار

- پرسش ۸۰: اگر کسی به عمد روزه‌ی خود را در ماه مبارک رمضان، به وسیله‌ی استمنای باطل کند، چه حکمی دارد؟
همه‌ی مراجع (به جز آیات عظام خامنه‌ای، سیستانی و صافی): علاوه بر قضا، بنابر احتیاط واجب، باید "کفاره‌ی جمع" که عبارت است از: ۶۰ روز روزه و اطعام ۶۰ فقیر، بپردازد.^{۱۵۷}
- آیات عظام خامنه‌ای و سیستانی: علاوه بر قضا، کفاره دارد و بنابر احتیاط مستحب "کفاره‌ی جمع" (۶۰ روز روزه و اطعام ۶۰ فقیر) بپردازد.^{۱۵۸}
- آیت‌الله صافی: علاوه بر قضا، باید "کفاره‌ی جمع" (۶۰ روز روزه و اطعام ۶۰ فقیر) بپردازد.^{۱۵۹}

فراموشی قضای روزه

- پرسش ۸۱: در ماه رمضان مدتی روزه نگرفته‌ام، اما تعداد روزه‌ها را فراموش کرده‌ام؛ وظیفه‌ام چیست؟
همه‌ی مراجع: می‌توانید به مقدار حداقل اکتفا کنید یعنی، هر مقدار از روزه‌ها را که یقین دارید کمتر از آن نبوده، قضا کنید و بیش از آن لازم نیست.^{۱۶۰}

بیماری و قضای روزه

- پرسش ۸۲: کسی که در قضای روزه ماه رمضان خود، سهل انگاری کرده و اکنون به جهت بیماری، نمی‌تواند آنها را به جا آورد، تکلیف چیست؟
همه‌ی مراجع (به جز آیت‌الله سیستانی): اگر در قضای روزه‌ها سهل انگاری کرده و اکنون نمی‌تواند تا رمضان آینده آنها را به جا آورد، باید برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد و هر زمان توانایی پیدا کرد، باید روزه‌ها را قضا کند.^{۱۶۱}
- آیت‌الله سیستانی: اگر در قضای روزه‌ها سهل انگاری کرده و اکنون نمی‌تواند تا رمضان آینده آنها را به جا آورد، بنابر احتیاط واجب برای هر روز یک مد طعام به فقیر بدهد و هر زمان توانایی پیدا کرد، باید روزه‌ها را قضا کند.^{۱۶۲}

مسافرت ماه رمضان

● پرسش ۸۳: آیا می‌شود در ماه رمضان مسافرت کرد؟ حکم روزه چگونه است؟

همه‌ی مراجع: مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد ولی اگر برای فرار از روزه باشد، مکروه است به خصوص قبل از بیست و سوم.^{۱۶۳}

مسافرت قبل از ظهر

● پرسش ۸۴: کسی که پیش از ظهر تصمیم به مسافرت دارد، تکلیف روزه‌ی او چه می‌شود؟

همه‌ی مراجع (به جز آیات عظام تبریزی و سیستانی): اگر پیش از ظهر مسافرت کند، روزه‌اش باطل است ولی قبل از آنکه به حد ترخص برسد، نمی‌تواند روزه را بخورد.^{۱۶۴}

آیت‌الله تبریزی: اگر از سر شب تصمیم بر سفر داشته و پیش از ظهر مسافرت کند، روزه‌اش باطل است ولی قبل از آنکه به حد ترخص برسد، نمی‌تواند روزه را بخورد و اگر پیش از ظهر تصمیم بر مسافرت گرفته، بنابر احتیاط واجب باید روزه بگیرد.^{۱۶۵}

آیت‌الله سیستانی: اگر پیش از ظهر مسافرت کند، بنابر احتیاط واجب باید روزه‌اش را افطار کند ولی قبل از آنکه به حد ترخص برسد، نمی‌تواند روزه را بخورد.^{۱۶۶}

روزه مستحبی در سفر

● پرسش ۸۵: آیا مسافر می‌تواند روزه‌ی مستحبی بگیرد؟

آیات عظام امام، خامنه‌ای و نوری: خیر، گرفتن روزه‌ی مستحبی در سفر جایز نیست مگر در مدینه‌ی طیبه که برای بر آورده شدن حاجت، می‌تواند سه روز، روزه‌ی مستحبی بگیرد و لازم است روز چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه را اختیار کند.^{۱۶۷}

آیات عظام بهجت، صافی و فاضل: خیر، گرفتن روزه‌ی مستحبی در سفر جایز نیست مگر در مدینه‌ی طیبه که برای بر آورده شدن حاجت، می‌تواند سه روز، روزه‌ی مستحبی بگیرد و بهتر است روز چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه را اختیار کند.^{۱۶۸}

آیات عظام تبریزی، سیستانی، مکارم و وحید: خیر، گرفتن روزه‌ی

مستحبی در سفر جایز نیست مگر در مدینه‌ی طیبه که برای بر آورده شدن حاجت، می‌تواند سه روز، روزه‌ی مستحبی بگیرد و احتیاط واجب آن است که روز چهارشنبه، پنجشنبه و جمعه را اختیار کند.^{۱۶۹}

روزه (۳) (سیزدهم)

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله وسلم): يَا ابْنَ مَسْعُودٍ إِنَّهُمْ (اشقياء الامة) يَرَوْنَ الْمَعْرُوفَ مُنْكَرًا وَ الْمُنْكَرَ مَعْرُوفًا فَفِي ذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يَكُونُ فِيهِمُ الشَّاهِدُ بِالْحَقِّ وَ لَا الْقَوَّامُونَ بِالْقِسْطِ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ (مستدرک الوسائل: ۱۲/۳۳۱)

شرط وجوب كفاره

● پرسش ۸۶: اگر پرداخت کفاره‌ی روزه برای شخصی که روزه‌اش را به طور عمد افطار کرده، ممکن نباشد (یعنی به واسطه بیماری نمی‌تواند روزه بگیرد و از نظر مالی هم توانایی ندارد)، تکلیفش چیست؟
همه‌ی مراجع (به جز آیات عظام خامنه‌ای، صافی، تبریزی و وحید): هر مقدار که توانایی دارد، به فقیر مد طعام بدهد و اگر از دادن این مقدار نیز عاجز است، باید حداقل با گفتن یک بار «استغفر الله»، استغفار کند.^{۱۷۰}
آیت‌الله خامنه‌ای: باید هر مقدار که توانایی دارد، به فقیر مد طعام بدهد و

پیامبر اسلام (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: ای پسر مسعود! آنان (اشقیای امت) معروف را منکر و منکر را معروف می‌بینند و به همین خطر خداوند بر قلب‌هایشان مهر زده است؛ لذا کسی در میان آنان شهادت به حق نمی‌دهد و عدالت را برپا نمی‌کند. خداوند فرموده است: «برپا کنندگان عدالت باشید!»

بنابر احتیاط استغفار نیز بکند و اگر از دادن این مقدار نیز عاجز است، باید حداقل به گفتن یک بار «استغفر الله»، استغفار کند.^{۱۷۱}

آیت‌الله صافی: هر مقدار که توانایی دارد، به فقیر مد طعام بدهد و استغفار کند و اگر از دادن این مقدار نیز عاجز است، باید حداقل با گفتن یک بار «استغفر الله»، استغفار کند.^{۱۷۲}

آیات عظام تبریزی و وحید: بنابر احتیاط واجب، باید هر مقدار که توانایی دارد، به فقیر مد طعام بدهد و استغفار کند و اگر از دادن این مقدار نیز عاجز است، باید حداقل با گفتن یک بار «استغفر الله»، استغفار کند.^{۱۷۳}

پول کفاره

• پرسش ۸۷: آیا پول کفاره را نیز می‌توان به فقیر داد؟
همه‌ی مراجع: دادن پول کفاره به فقیر کفایت نمی‌کند- خواه کفاره‌ی مریض باشد یا کفاره‌ی افطار عمدی- مگر اینکه اطمینان داشته باشد، فقیر به وکالت از او، طعام می‌خرد و آن را به عنوان کفاره قبول می‌کند.^{۱۷۴}

شرط وجوب زکات فطره

• پرسش ۸۸: آیا پرداخت زکات فطره بر کسی که توان مالی ندارد، واجب است؟

همه‌ی مراجع: اگر فقیر باشد، زکات فطره بر او واجب نیست و اگر سه کیلو گندم و مانند آن و یا قیمت آنها را دارد، مستحب است آن را به عنوان زکات فطره بدهد و چنانچه افرادی تحت تکفل دارد، می‌تواند آن را به قصد فطره، بین نفرات خانواده دست‌گردان کنند و بهتر است نفر آخر، آن را به کسی بدهد که از خودشان نباشد.^{۱۷۵}

مقدار زکات فطره

• پرسش ۸۹: مقدار زکات فطره چقدر است؟
همه‌ی مراجع: شخص باید برای خودش و کسانی که نان‌خور او محسوب می‌شوند، برای هر نفر سه کیلو از خوراک مردم (مانند گندم، جو، خرما، کشمش، برنج، ذرت و یا مانند اینها) و یا پول یکی از آنها را به مستحق^{۱۷۶} بدهد.

زمان پرداخت

● پرسش ۹۰: زمان کنار گذاشتن فطره و پرداخت آن چه موقع است؟
همه‌ی مراجع: اگر نماز عید فطر می‌خواند، بنا بر احتیاط واجب باید پیش از نماز بدهد یا کنار بگذارد و اگر نماز عید نمی‌خواند، تا ظهر روز عید فطر مهلت دارد.^{۱۷۷}

زکات بر عهده‌ی مرد

● پرسش ۹۱: اگر زن به جهت نیاز شوهر، در تأمین مخارج زندگی کمک کند؛ چه کسی باید زکات فطره آنها را بدهد؟
همه‌ی مراجع: اگر زن نان‌خور شوهر محسوب شود، باید شوهر در صورت توانایی زکات فطره خود و همسرش را بدهد و اگر زن نان‌خور شوهر و کس دیگری نباشد، باید خودش زکات فطره‌اش را بدهد.^{۱۷۸}

زکات فطره‌ی میهمان

● پرسش ۹۲: آیا خوردن افطاری از سوی میهمان، تأثیری در وجوب زکات فطره دارد؟
همه‌ی مراجع (به جز آیات عظام صافی و بهجت): خیر، ملاک آن است که میهمان نان‌خور صاحب خانه محسوب شود و خوردن افطاری، هیچ تأثیری در حکم ندارد.^{۱۷۹}
آیت‌الله صافی: اگر میهمان نان‌خور صاحب خانه محسوب شود و یا افطاری صرف کند (هر چند نان‌خور محسوب نشود)، زکات فطره‌ی او بر صاحب خانه واجب است.^{۱۸۰}
آیت‌الله بهجت: اگر میهمان نان‌خور صاحب خانه محسوب شود و به قصد خوردن افطاری آمده باشد هر چند برای او مانعی پیش آید که نتواند غذا صرف کند زکات فطره‌ی او بر صاحب خانه واجب است.^{۱۸۱}

اعتکاف (درس چهاردهم)

قال رسول الله (صلى الله عليه و آله وسلم): لَأَيَّالُ النَّاسِ بُخَيْرٌ مَا أَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى فَإِذَا لَمْ يَفْعَلُوا ذَلِكَ نَزَعَتْ مِنْهُمْ الْبَرَكَاتُ وَ سَلَّطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ نَاصِرٌ فِي الْأَرْضِ وَ لَأَفِي السَّمَاءِ (تهذيب الأحكام: ۱۸۱/۶)^أ

اهمیت و کیفیت اعتکاف

● پرسش ۹۳: درباره اهمیت اعتکاف و چگونگی آن توضیح دهید؟
 “و عهدنا إلى إبراهيم و إسماعيل أن طهرا بيتي للطائفين و العاكفين و الرُّكَّع السُّجُود” و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و سجده کنندگان، پاک و پاکیزه کنید.”^{۱۸۲}

^أ پیامبر اسلام (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: مردم پیوسته در خیر خواهند بود مادامی که امر به معروف و نهی از منکر کنند و بر خوب بودن و پارسایی کمک کار یگدگیر باشند و زمانی که این چنین نبودند برکات از آنها گرفته می‌شود و بر یگدگیر تسلط می‌یابند و نه در زمین یاوری خواهند داشت و نه در آسمان.

اعتکاف، در لغت به معنای توقف در جایی است و در اصطلاح فقه، عبارت است از: "ماندن حداقل سه روز در مسجد، به قصد عبادت خداوند، با شرایطی خاص".

مراسم اعتکاف، به زمان حضرت ابراهیم علیه السلام بر می‌گردد و بعد از او در بعضی از شریعت‌ها و در زندگی برخی از صالحان - از جمله حضرت مریم و زکریا - به چشم می‌خورد. با ظهور دین اسلام این امر، شکل تازه‌ای به خود گرفت و در میان مسلمانان به عنوان یک عبادت مستحب با آداب و شرایط خاص، رایج شد.

اعتکاف عبادتی است که استحباب و فضیلت فراوان دارد و صفای خاصی به روح و جان می‌بخشد. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همه ساله در ماه رمضان - به ویژه دهه آخر آن - اعتکاف می‌کرد و دستور می‌داد رختخوابش را برچینند و چادری در مسجد بر پا کنند و همیشه می‌فرمود: "ده روز اعتکاف در ماه رمضان، برابر با دو حج و دو عمره است."^{۱۸۳}

در زمینه اعتکاف توجه به چند امر ضروری می‌نماید:

۱. اصل اعتکاف مستحب است ولی گاهی به واسطه نذر، عهد، قسم و مانند آن واجب می‌شود.
۲. اعتکاف باید در یکی از مساجد چهارگانه و یا در مسجد جامع شهر باشد و در غیر آن صحیح نیست.^۱
۳. حداقل اعتکاف سه روز است و کمتر از آن صحیح نیست ولی بیش از آن اشکال ندارد.
۴. این عبادت را می‌توان به نیابت از مردگان انجام داد.
۵. اعتکاف زمان خاصی ندارد و در هر زمان که روزه صحیح باشد، اعتکاف نیز صحیح است. بنابراین کسی که نمی‌تواند روزه بگیرد (مانند مسافر، مریض، حائض و کسی که به عمد روزه گیرد) اعتکافش صحیح نیست. بهترین زمان برای انجام دادن آن، ماه رمضان و دهه آخر آن است.
۶. اگر اعتکاف با حق شوهر منافات داشت، با اجازه او باشد.

^۱ مسجد جامع مسجدی است که اقشار مختلف مردم در آن شرکت می‌کنند و اختصاص به محله یا صنف خاصی ندارد. مساجد چهار گانه عبارت است از: مسجد الحرام، مسجد نبوی (مدینه)، مسجد کوفه و مسجد بصره.

۷. اگر اعتکاف باعث اذیت و آزار پدر و مادر شود، با اجازه آن دو باشد.

محرمات اعتکاف

- پرسش ۹۴: محرمات اعتکاف کدام است؟
محرمات اعتکاف عبارت است از:
 ۱. نزدیکی با همسر،
 ۲. خرید و فروش غیر ضروری،
 ۳. استمنا (بنابر احتیاط واجب)،
 ۴. بوییدن عطر و گیاهان خوشبو به قصد لذت بردن،
 ۵. مجادله به منظور غلبه بر دیگری و اظهار فضل.در حیاط مسجد هم اعتکاف صحیح است یا خیر؟ همچنین در زیرزمین و پشت بام مسجد؟
همه مراجع: اگر جزء مسجد باشد، صحیح است.^{۱۸۴}

روزه قضا در اعتکاف

- پرسش ۹۵: آیا روزه‌های قضای خود را می‌توانیم در اعتکاف بگیریم؟
همه مراجع: آری، جایز است.^{۱۸۵}

قطع اعتکاف

- پرسش ۹۶: آیا قطع اعتکاف گناه دارد؟
همه مراجع: اگر اعتکاف واجب باشد و یا دو روز اعتکاف مستحبی را گذرانده باشد و بخواهد اعتکاف را به هم بزند، معصیت کرده است.^{۱۸۶}
تبصره. اگر بخواهد برای قطع اعتکاف دچار معصیت نشود، می‌تواند پیش از اعتکاف، با خدای خود شرط کند که هر زمان برای او عذر و پیشامدی رخ داد، دست از اعتکاف بکشد. در این صورت قطع اعتکاف جایز است.^{۱۸۷}

خروج از مسجد

- پرسش ۹۷: در چه مواردی می‌توان از مسجد خارج شد؟
همه مراجع: خارج شدن از مسجد جایز نیست، مگر به جهت ضرورت عقلی، عرفی و شرعی مانند: مراجعه به پزشک در موارد اضطرار، رفتن به

دستشویی (ضرورت عقلی)، عبادت بیمار، تشییع جنازه مرده‌ای که با او نسبت دارد (ضرورت عرفی)، غسل کردن و وضو گرفتن (ضرورت شرعی).^{۱۸۸}

معتکف و نماز جمعه

● پرسش ۹۸: آیا برای رفتن به نماز جمعه، می‌توان از محل اعتکاف خارج شد؟

همه مراجع (به جز آیات عظام تبریزی، نوری و وحید): آری، جایز است.^{۱۸۹}

آیات عظام تبریزی و وحید: بنابر احتیاط واجب جایز نیست.^{۱۹۰}

آیت‌الله نوری: جایز نیست.^{۱۹۱}

تبصره. بنابر فتوای کسانی که رفتن به نماز جمعه را در ایام اعتکاف جایز می‌دانند باید حداقل زمان لازم رعایت شود تا شکل و صورت اعتکاف، به هم نخورد.

مسجد دانشگاه

● پرسش ۹۹: با توجه به اینکه اعتکاف باید در مسجد جامع شهر باشد،

آیا جایز است در مسجد دانشگاه اعتکاف را به قصد رجا انجام داد؟

آیت‌الله خامنه‌ای: به قصد رجا اشکال ندارد.^{۱۹۲}

همه مراجع (به جز آیت‌الله خامنه‌ای): اعتکاف در مسجد دانشگاه صحیح نیست.^{۱۹۳}

خمس (۱) (درس پانزدهم)

قُلْ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (الأنعام: ۱۶۲) أ

اهمیت خمس

● پرسش ۱۰۰: درباره خمس و اهمیت آن توضیح دهید؟
 «و اعلموا أنّما غنمتم من شيءٍ فأنّ لله خمسهُ و للرّسول و لذی القربی و الیتامی و المساکین و ابن السّبیل»^{۱۹۴} و بدانید که هر چه غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و رسول و از آن خویشاوندان [اوا] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است».

«خمس» در لغت به معنای پنج یک می‌باشد و در اصطلاح فقه عبارت است از: «پرداخت یک پنجم درآمدی که از راه زراعت، صنعت، تجارت، پژوهش و یا از طریق کارگری و کارمندی در مؤسسات گوناگون، به دست می‌آید».^۳
 خمس به امام علیه السلام و سادات اختصاص می‌یابد و باید آن را در عصر غیبت به فقیه جامع شرایط داد».^{۱۹۵}

أ بگو: «در حقیقت، نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من، برای خدا، پروردگار جهانیان است.

۳ البته در مورد هدایا، جوایز و هر فایده‌ای که بدون کسب به دست می‌آید، میان مراجع بزرگوار تقلید اختلاف نظر است که در متن بدان اشاره شده است.

شارع مقدس به صاحب مال، فرصت داده چنانچه تا یک سال، آن را در مؤونه و نیازهای خود و خانواده استفاده نکند و تمام و یا مقداری از آن تا پایان سال زیاد بیاید، خمس آن را بپردازد.

آیه خمس، در عصر رسالت، نازل شده و پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله این فریضه را به اجرا درآورده است. به طور مسلم آن حضرت، خمس غنیمت‌های جنگی را دریافت می‌کرد. اما خمس سود تجارت- هر چند بنا به ضرورت و مصالحی- تا عصر امامان علیهم السلام به تأخیر افتاد ولی بی شک وجود آن در دوره امامان، غیرقابل انکار است.^{۱۹۶}

حضرت باقر علیه السلام فرموده است: “برای هیچ کس جایز نیست از مالی که خمس به آن تعلق گرفته، چیزی بخرد مگر اینکه حق ما را به ما برساند.”^۱ خمس دارای حکمت‌ها و اسرار گوناگونی است که به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

۱. خمس به منظور تأمین هزینه‌های امام‌علیه السلام به عنوان رئیس حکومت، برای پیشبرد نظام اسلامی و اداره جامعه، واجب گردیده است^{۱۹۷} از این رو در روایت از خمس به عنوان “وجه الاماره” یاد شده است.^{۱۹۸}

۲. خداوند متعال برای حفظ کرامت و عزت پیامبر اسلام، محل تأمین بودجه فقیران بنی‌هاشم و منسوبان به آن حضرت را از خمس قرار داد و سهم آنان را قرین سهم خود و رسول کرد تا زمینه تحقیر نسبت به آنان از بین برود.^{۱۹۹}

۳. خمس برای تأمین بودجه هر کار خیری است که امام بخواهد انجام دهد و برای هر موردی که صلاح بدانند، مصرف کند.^۲

۴. خمس وسیله‌ای برای رشد و کمال انسان محسوب می‌شود که ادای آن، باعث جلب روزی و وسیله آموزش گناهان می‌گردد.^۳

۵. خمس برای احیای دین خدا و تحقق حکومت اسلامی واجب گردیده است.^۴

۱. لا یحلُّ لاحدٍ انْ یشتري من الخمس شئاً حتی یصل الینا حنَّنا “وسائل الشیعه، ج ۶، باب ۱، ح ۴.
۲. فما کان لله فهو لرسوله یضعه حیث شاء” آنچه خاص خدا است، برای پیامبر اسلام است، هر جا صلاح بداند قرار می‌دهد؛ همان، ابواب الانفال، باب ۱، ح ۲۱.
۳. در مکاتبه امام رضاعلیه السلام به یکی از یارانش آمده است: “انْ اخراجه) خمس (مفتاح رزقکم و تمحیص ذنوبکم” پرداخت خمس کلید جلب روزی و وسیله آموزش گناهان است؛ همان، ابواب الانفال، باب ۳، ح ۲.

محاسبه خمس

● پرسش ۱۰۱: راه محاسبه خمس را ذکر کنید.
کشاورزان، کارمندان، کارگران، کاسب‌ها و کسانی که درآمد کسب دارند، باید برای خود حساب سال خمسی داشته باشند و جهت محاسبه خمس، به صورت زیر عمل کنند:

هنگامی که از دریافت اولین درآمد^۱ یک سال گذشت، آن روز، وقت حساب سال است. هر چه از مؤونه که مورد استفاده قرار می‌گیرد و عین آن از بین می‌رود (مانند خوراکی‌ها، موادهای شوینده، وسایل تحصیلی دفتر، خودکار و غیر آنها) چنانچه تا آخر سال خمسی زیاد بیاید و در بازار ارزشی داشته باشد، باید خمس (یک پنجم) آن را با قیمت روز بپردازند. چیزهایی از مؤونه که مورد نیاز انسان است و با استفاده عین آن، از بین نمی‌رود (مانند وسایل زندگی مثل فرش، یخچال، وسیله نقلیه و)، هر چند سال هم بر آنها بگذرد، خمس به آنها تعلق نمی‌گیرد.^{۲۰۰}

مثال: کارمندی در پایان خرداد سال ۸۰، اولین حقوق خود را دریافت می‌کند حساب سال او پایان خرداد سال ۸۱ است. در این تاریخ ده کیلو برنج، پنج کیلو لپه، پنج عدد تاید و مبلغ پنجاه هزار تومان زیاد آمده است. او باید یک پنجم هر یک از اجناس بالا را جدا کرده و بابت خمس بپردازد و جایز است قیمت آن را به روز حساب کرده و یک پنجم آن را به صورت پول نقد بدهد.

تبصره ۱. کسی که شغل ندارد، اگر اتفاقاً معامله‌ای کند و سودی ببرد- بعد از آنکه یک سال از وقتی که فایده برده، بگذرد- باید خمس مقداری را که از خرج سالش زیاد آمده بدهد.^{۲۰۱}

تبصره ۲. درباره خمس بعضی از درآمدها (مانند حقوق خانواده شهدا، هدیه، جایزه بانکی و) میان مراجع تقلید اختلاف نظر هست.

سپرده بانکی

● پرسش ۱۰۲: آیا به پولی که در بانک سپرده گذاری شده و از درآمد (سود) آن ارتزاق می‌شود، خمس تعلق می‌گیرد؟

^۱ در همان مکاتبه آمده است "انَّ الخمس عوننا علی دیننا" خمس، کمک ما در پیاده کردن دین خداست. همان، ابواب‌الانفال، باب ۳، ح ۲.

^۲ البته در آغاز سال خمسی میان مراجع اختلاف نظر هست. ر.ک: زمان سال خمسی)

آیات عظام امام، سیستانی، خامنه‌ای، فاضل و مکارم: اگر پول سپرده‌گذاری از درآمد کسب باشد، خمس دارد. [اما در صورتی که] با پرداخت خمس (هر چند به صورت اقساط) نتواند زندگی خود را اداره کند، خمس ندارد.^{۲۰۲}

آیات عظام بهجت، تبریزی و نوری: اگر از درآمد کسب باشد، آن مقدار از پول سپرده- که اداره زندگی به آن بستگی دارد- خمس ندارد ولی به مقدار بیشتر از آن، خمس تعلق می‌گیرد.^{۲۰۳}

آیات عظام صافی و وحید: اگر پول سپرده‌گذاری از درآمد کسب باشد، خمس دارد و چنانچه نمی‌تواند با پرداخت خمس آن، امرار معاش کند، می‌تواند با حاکم شرع دستگردان نماید.^{۲۰۴}

تبصره ۱. به سود حاصل از آن، خمس تعلق می‌گیرد.
تبصره ۲. اگر پول سپرده‌گذاری از راه هدیه، جایزه و مانند آن به دست آمده باشد، حکم اصل را دارد.^{۲۰۵}

خمس هدیه

● پرسش ۱۰۳: اگر چیزی به انسان هدیه یا جایزه بدهند، آیا باید خمس آن را پرداخت؟

آیات عظام امام، خامنه‌ای و نوری: هدیه، خمس ندارد.^{۲۰۶}
آیات عظام سیستانی و صافی: چنانچه تا سر سال خمسی زیاد بیاید، خمس دارد.^{۲۰۷}

آیات عظام بهجت، فاضل و مکارم: چنانچه تا سر سال خمسی زیاد بیاید، بنابر احتیاط واجب، باید خمس آن را بدهد.^{۲۰۸}
آیات عظام تبریزی و وحید: چنانچه مقدار آن زیاد و قابل توجه باشد و از مخارج سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.^{۲۰۹}

وسایل ضروری

● پرسش ۱۰۴: آیا به پولی که برای خرید وسایل ضروری زندگی ذخیره می‌شود، خمس تعلق می‌گیرد؟

آیات عظام امام، تبریزی، سیستانی، مکارم و وحید: چنانچه یک سال از آن بگذرد، خمس دارد.^{۲۱۰}

آیت‌الله صافی: اگر هم اکنون به آن وسیله نیاز دارد و تهیه آن بدون پس‌انداز در مدت چند سال ممکن نباشد، خمس ندارد.^{۲۱۱}

آیت‌الله خامنه‌ای: اگر برای تهیه وسایل مورد نیاز در آینده نزدیک (مثلاً تا سه ماه پس از سال خمسی) پس‌انداز شده باشد و با پرداخت خمس آن، نتواند آنها را تهیه کند، خمس ندارد.^{۲۱۲}

آیت‌الله نوری: چنانچه بدون پس‌انداز کردن، نمی‌تواند وسایل مورد نیاز خود را در آینده تهیه کند، خمس ندارد.^{۲۱۳}

آیات عظام بهجت و فاضل: اگر بدون پس‌انداز کردن، نمی‌تواند وسایل مورد نیاز خود را در آینده تهیه کند چنانچه پس‌انداز کوتاه مدت (مثلاً تا سه سال) باشد، خمس ندارد.^{۲۱۴}

تبصره. چنانچه در آینده با پس‌انداز خود، لوازم مورد نیاز خویش را تهیه نکنند، باید خمس آن را بدهد.

رهن خانه

• پرسش ۱۰۵: آیا به پولی که از درآمد کسب تهیه شده و به عنوان رهن به صاحبخانه پرداخت می‌شود، خمس تعلق می‌گیرد؟

آیات عظام امام و سیستانی: خمس دارد و هر زمان دریافت شد یا دریافت آن ممکن گردید، باید فوری خمس آن را بپردازد.^{۲۱۵}

آیات عظام صافی و مکارم: پول رهن جزء مؤونه است و خمس ندارد ولی اگر آن را باز پس گرفت و نیازی به آن نداشت، بنابر احتیاط خمس آن را بپردازد.^{۲۱۶}

آیات عظام بهجت، تبریزی، فاضل و وحید: چنانچه بدون پول رهن، نیاز مسکن او تأمین نمی‌شود، خمس ندارد و هر زمان آن را باز پس گرفت و نیازی به آن نداشت و از مخارج سال زیاد آمد، خمس دارد.^{۲۱۷}

آیت‌الله نوری: اگر نتواند خانه را از راه دیگری اجاره کند، به مبلغ مذکور خمس تعلق نمی‌گیرد.^{۲۱۸}

آیت‌الله خامنه‌ای: تا هنگامی که برای این منظور نیاز دارد، پرداخت خمس آن واجب نیست.^{۲۱۹}

وسایل استفاده نشده

● پرسش ۱۰۶: به جهت نیاز وسایلی خریدهام؛ ولی با اینکه بیش از یک سال از خرید آنها می گذرد، هیچ استفاده‌ای نکرده‌ام، آیا به اینها خمس تعلق می‌گیرد؟

همه مراجع (به جز آیات عظام سیستانی و وحید): چنانچه در معرض استفاده بوده، خمس ندارد.^{۲۲۰}

آیت‌الله سیستانی: باید خمس آن را بپردازد مگر اینکه وجود آن در خانه ضروری باشد و در وقت نیاز نتواند فوری آن را تهیه کند. در این صورت اگر تهیه آن از قبل، متعارف باشد، خمس ندارد.^{۲۲۱}

آیت‌الله وحید: خمس دارد.^{۲۲۲}

تبصره. هر چند عبارت رساله‌ها در مورد "کتاب" است ولی کتاب خصوصیتی ندارد و این حکم شامل هر وسیله‌ای است که مورد نیاز انسان باشد.

خمس (۲) (درس شانزدهم)

قال الامام الصادق (عليه السلام): الْإِيقَاءُ عَلَى الْعَمَلِ حَتَّى يَخْلُصَ أَشَدُّ مِنْ الْعَمَلِ وَالْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يُحْمَدَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ (وسائل الشيعة: ۱/۶۰)^أ

ذخیره برای ازدواج

• پرسش ۱۰۷: آیا به پولی که انسان برای ازدواج ذخیره کرده، خمس تعلق می‌گیرد؟

امام، تبریزی، سیستانی، صافی و مکارم: خمس دارد.^{۲۲۳}
 آیت‌الله خامنه‌ای: اگر برای تهیه هزینه‌های ازدواج در آینده نزدیک (مثلاً تا سه ماه پس از سال خمسی)، پس‌انداز شده باشد و با پرداخت خمس آن، نتواند آنها را تهیه کند، خمس ندارد.^{۲۲۴}
 آیت‌الله نوری: خمس ندارد.^{۲۲۵}

آیات عظام بهجت و فاضل: چنانچه پس‌انداز کوتاه مدت و در حد متعارف (مثلاً تا سه سال) باشد، خمس ندارد.^{۲۲۶}

امام صادق (عليه السلام) فرمودند: ابقاء بر عمل تا زمانی که خالص شود از خود عمل سخت‌تر است و عمل خالص چیزی است که شخص نمی‌خواهد جز خداوند او را بخاطر در آن کار بستاید.

خودر و موبایل

• پرسش ۱۰۸: آیا به پول درآمدی که برای تهیه موبایل و خودروی مورد نیاز، به حساب ریخته می‌شود و سال هم بر آن می‌گذرد، خمس تعلق می‌گیرد؟

آیات عظام امام، تبریزی، سیستانی، صافی و وحید: خمس دارد.^{۲۲۷}
آیت‌الله مکارم: اگر به عنوان پیش خرید به حساب ریخته است، خمس ندارد و چنانچه به صورت ودیعه باشد، خمس دارد.^{۲۲۸}

آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، فاضل و نوری: چنانچه خودرو، مورد نیاز بوده و تنها راه تهیه آن، واریز کردن پول به حساب است، خمس ندارد.^{۲۲۹}
تبصره ۱. پولی که به سازمان مربوطه ریخته می‌شود، چنانچه سود داشته باشد و یک سال از آن بگذرد، به سود آن خمس تعلق می‌گیرد.
تبصره ۲. حکم بالا به خودرو اختصاص ندارد بلکه هر گونه وسیله مورد نیازی را که با ثبت نام خریداری شود، شامل می‌شود.

قرض الحسنه

• پرسش ۱۰۹: به پولی که از درآمد کسب تهیه شده و به عنوان قرض الحسنه به دیگری داده‌ایم، آیا خمس تعلق می‌گیرد؟
همه مراجع: چنانچه سرسال خمسی دریافت آن (بدون زحمت) ممکن باشد، باید خمس آن را بپردازد و در غیر این صورت هر زمان دریافت کرد، باید فوری خمس آن را بدهد.^{۲۳۰}

آنها که خمس نمی دهند

• پرسش ۱۱۰: رفت و آمد با خانواده‌ای که خمس پرداخت نمی‌کنند، چه حکمی دارد؟

همه مراجع (به جز آیات عظام تبریزی و سیستانی): معاشرت با آنان اشکال ندارد و اگر یقین نداشته باشد به غذای آنها خمس تعلق گرفته، خوردن آن نیز جایز است و چنانچه احتمال تأثیر بدهد، آنان را ارشاد کند.^{۲۳۱}
آیات عظام تبریزی و سیستانی: معاشرت با آنان اشکال ندارد و می‌تواند از غذای آنها استفاده کند هر چند بداند که خمس آن پرداخت نشده است. چنانچه احتمال تأثیر بدهد، آنان را ارشاد کند.^{۲۳۲}

پاداش کارندان

- پرسش ۱۱۱: آیا به پاداشی که بعد از بازنشستگی به کارمندان می‌دهند، خمس تعلق می‌گیرد؟
امام، خامنه‌ای و نوری: اگر به عنوان هدیه باشد، خمس ندارد.^{۲۳۳}
تبریزی، سیستانی، وحید، صافی، فاضل، بهجت و مکارم: چنانچه تا سر سال خمسی زیاد بیاید، خمس دارد.^{۲۳۴}

رفع نیاز به وسایل

- پرسش ۱۱۲: اگر انسان به چیزی نیاز دارد و آن را از درآمد تهیه کند؛ بعد نیازش برطرف شود، آیا خمس به آن تعلق می‌گیرد؟
امام: بنابر احتیاط واجب، چنانچه تا سر سال خمسی زیاد بیاید، خمس دارد.^{۲۳۵}
مکارم، تبریزی، خامنه‌ای و وحید: در هر حال خمس ندارد.^{۲۳۶}
فاضل، صافی و نوری: اگر در بین همان سال (سال خرید)، نیازش از آن برطرف شود و تا سر سال خمسی زیاد بیاید، خمس دارد و اگر بعد از سال خرید نیازش برطرف شود، خمس ندارد.^{۲۳۷}
سیستانی: اگر در بین سال (سال خرید)، نیازش از آن برطرف شود و تا سر سال خمسی زیاد بیاید، بنابر احتیاط واجب باید خمس آن را بپردازد و اگر بعد از سال خرید، نیازش برطرف شود، خمس ندارد.^{۲۳۸}
بهجت: چنانچه تا سر سال خمسی زیاد بیاید، خمس دارد.^{۲۳۹}

مواد غذایی

- پرسش ۱۱۳: سر سال خمسی مقداری مواد غذایی زیاد آمده است؛ آیا به قیمت فعلی باید محاسبه شود یا قیمت خرید نیز کفایت می‌کند؟
همه: باید به قیمت فعلی محاسبه شود.^{۲۴۰}

نذر (درس هفدهم)

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ
(الأعراف: ۹۶)^أ

شرایط نذر

• پرسش ۱۱۴: شرایط نذر کدام است؟

شرایط نذر عبارت است از:

۱. نذر کننده بالغ باشد، عاقل و با قصد و اختیار باشد.
۲. انجام دادن آن ممکن باشد.
۳. انجام دادن آن مطلوب شرع باشد (مانند نماز، روزه، قربانی کردن، کمک به دیگران، عیادت مریض و).
۴. ترک آنها مطلوب شرع باشد (ترک حرام یا مکروه).
۵. بر زبان آوردن صیغه نذر مثل: اگر بیماری من شفا یابد، برای خدا بر عهده من است که فلان مبلغ را به فقیر بدهم.^{۲۴۱}

^أ و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند؛ پس به [کیفر] دستاوردشان [گریبان] آنان را گرفتیم.

تبصره. اگر متعلق نذر مباح باشد یعنی، انجام دادن یا ترک آن از هر جهت مساوی باشد، نذر باطل است. اما اگر انجام دادن یا ترک آن، از جهتی بهتر باشد، صحیح است. برای مثال نذر کند: غذایی بخورد که برای عبادت نیرو بگیرد و یا غذایی نخورد که مایه سستی بدن او از انجام دادن عبادت می‌شود.

نذر زن

● پرسش ۱۱۵: حکم نذر زن، بدون اجازه شوهر چیست؟
آیات عظام امام خمینی، خامنه‌ای و نوری: نذر زن بدون اجازه شوهر، باطل است.^{۲۴۲}

آیت‌الله فاضل: نذر زن اگر با حق زناشویی شوهر منافات داشته باشد، بدون اجازه او باطل است و اگر منافات نداشته باشد، احتیاط واجب آن است که با اجازه او باشد (به ویژه در نذر مال).^{۲۴۳}

آیت‌الله بهجت: نذر زن بنابر احتیاط واجب، بدون اجازه شوهر باطل است.^{۲۴۴}

آیات عظام سیستانی، صافی و وحید: اگر نذر زن مزاحم حقوق شوهر باشد، بدون اذن او [در هر حال] صحیح نیست و بنابر احتیاط واجب در اموال خودش نیز - غیر از حج، زکات، صله رحم و احسان به پدر و مادر - با اذن شوهر نذر کند.^{۲۴۵}

آیت‌الله تبریزی و آیت‌الله مکارم: اگر نذر زن مزاحم حقوق شوهر باشد، بدون اذن او باطل است و اگر مزاحم نباشد، احتیاط مستحب آن است که با اجازه او باشد.^{۲۴۶}

فوریت عمل به نذر

● پرسش ۱۱۶: آیا عمل به نذر فوری است؟ مثلاً چنانچه شخص نذر کند که اگر حاجتش برآورده شود، ده روز روزه بگیرد؛ آیا باید بلافاصله این کار را بکند؟

همه مراجع: اگر برای گرفتن روزه‌ها زمان معین نکرده، لازم نیست بعد از برآورده شدن حاجتش، بلافاصله روزه بگیرد.^{۲۴۷}

تبصره. البته سهل انگاری و کوتاهی در عمل به نذر، جایز نیست.

ناتوانی از عمل به نذر

● پرسش ۱۱۷: اگر انسان برای نذر خود وقت تعیین کند؛ ولی در زمان خود نتواند آن را انجام دهد، وظیفه‌اش چیست؟
همه مراجع: در غیر روزه، اگر در وقت انجام دادن نذر، نتواند آن را به جا آورد، تکلیف از او ساقط است و کفاره هم ندارد.^{۲۴۸}
تبصره. چنانچه نذر او روزه بود، حکم تفاوت پیدا می‌کند و مسأله میان مراجع تقلید اختلافی است.

نذر برای فقیر

● پرسش ۱۱۸: کسی نذر کرده به فقیر مبلغی پول بدهد، ولی فراموش کرده که مقدار آن چقدر است؛ تکلیف چیست؟
کفاره نذری که از روی عمد به جا نیاورده و چندین مدت از زمان آن گذشته، چگونه است؟
همه مراجع (به جز آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی و وحید):
کفاره آن آزاد کردن یک بنده، یا اطعام شصت فقیر و یا گرفتن دو ماه روزه پی‌درپی به طور تخییر است.^{۲۴۹}

اجازه پدر

● پرسش ۱۱۹: آیا برای نذر اجازه پدر لازم است؟
آیات عظام امام و خامنه‌ای: خیر، اجازه پدر لازم نیست و او نمی‌تواند فرزند را از نذر منع کند.^{۲۵۰}
آیات عظام تبریزی، صافی، فاضل، نوری و وحید: خیر، اجازه پدر لازم نیست ولی اگر پدر از کاری منع کند که فرزند نذر آن را کرده، نذر او صحیح نیست.^{۲۵۱}
آیت‌الله سیستانی: خیر، اجازه پدر لازم نیست ولی اگر پدر از کاری منع کند که فرزند آن را نذر کرده - چنانچه نهی او از روی شفقت و دوستی باشد و مخالفت فرزند باعث آزار او گردد - نذر او صحیح نیست.^{۲۵۲}
آیت‌الله مکارم: خیر، اجازه پدر لازم نیست مگر آنکه کار او باعث آزار پدر باشد. در این صورت نذر صحیح نیست.^{۲۵۳}
آیت‌الله بهجت: بنا بر احتیاط واجب، اجازه پدر لازم است و اگر بدون اجازه او نذر کند، بنا بر احتیاط باید به نذرش عمل کند.^{۲۵۴}

نذر برای شفا

• پرسش ۱۲۰: برای گرفتن شفای بیماری از امام زمان یا حضرت ابوالفضل یا امامان دیگر چه نذری باید بکنیم و چگونه؟
برای توسل به ائمه (علیهم السلام) و رفع مشکلات و بر آورده شدن حاجات دعاها و ذکرها دستوره‌های فراوانی وجود دارد. نذر کردن نیز یکی از این راه هاست.

برای نذر کردن می توان چنین نیت کرد: برای خدا بر عهده من باشد اگر بیمارم شفا یافت فلان مقدار پول برای حضرت ابوالفضل و در راه شادی روح او به فقراء بدهم و یا برای اقامه مجلس روضه او بدهم. در این صورت اگر این حاجات برآورده شد، بر شما واجب می گردد چیزی را که بر عهده گرفته اید ادا نمایید. البته لازم نیست چیزی که نذر می کنید حتماً پول و یا مخارج باشد بلکه می توانید نذر صلوات کنید و یا نذر زیارت کنید، یعنی نذر کنید که در صورت بر آورده شدن حاجاتتان، به زیارت فلان امام بروید و یا مثلاً ۱۰۰۰ صلوات به روح فلان امام (علیه السلام) هدیه کنید.

البته از نظر شرعی نذر وقتی واجب العمل است که یا به صورت صیغه عربی خوانده شود و یا به صیغه فارسی که در بردارنده این مضمون باشد: برای خدا بر عهده و ذمه من باشد اگر فلان حاجت و خواسته من برآورده شد، فلان کار را انجام می دهم ولی اگر تنها از ذهن و قلب گذشته و خطور کرده باشد و صیغه نذر به صورت شرعی که گفته شد خوانده نشود، این نذر وجوب عمل ندارد البته عمل به آن بی اشکال است. بهتر است انسان برای رسیدن به خواسته هایش از همه راه ها استفاده کند. مثلاً از راه توسل به ائمه (علیه السلام) و عرضه داشتن حاجات به آنها و یا صلوات هدیه دادن به روح پاک آنها و یا شرکت در مجالس سوگواری و یا میلاد ائمه (علیه السلام) نیز به خواسته های شرعی خود رسید.

موسیقی (درس هجدهم)

قال الامام الرضا (عليه السلام): أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى نَبِيِّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ إِذَا أُطِعْتُ رَضِيْتُ وَإِذَا رَضِيْتُ بَارَكْتُ وَ لَيْسَ لِبِرْكَتِي نَهَايَةٌ وَإِذَا عُصِيْتُ غَضِبْتُ وَإِذَا غَضِبْتُ لَعَنْتُ وَ لَعْنَتِي تَبْلُغُ السَّابِعَ مِنَ الْوَرَى (الكافي: ۲/۲۷۵)أ

دلیل حرمت موسیقی

● پرسش ۱۲۱: درباره موسیقی و دلیل حرمت آن توضیح دهید؟
“و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضل عن سبيل الله بغير علم”^{۲۵۵}
“و برخی از مردم سخنان بیهوده را می‌خرند تا مردم را از روی نادانی، از راه خدا گمراه سازند.”

“موسیقی” - یا “موسیقیا” - واژه‌ای یونانی است که در فرهنگ لغت، معادل “غنا” است ولی در حوزه مفاهیم دینی و اصطلاح فقه، با یکدیگر تفاوت دارد. “غنا” در اصطلاح شرعی عبارت است از: “آوازی که از حنجره آدمی بیرون آمده و در گلو چرخانده (چهچه) شود و در شنونده حالت سرور و وجد ایجاد کند و مناسب با مجالس لهو و خوش‌گذرانی باشد.” اما موسیقی به

أمام رضا (عليه السلام) فرمودند: خداوند به یکی از پیامبرانش وحی فرستاد: زمانی که اطاعت شوم راضی می‌شوم و زمانی که راضی شوم برکت می‌دهم و برای برکت من نهایی نیست و زمانی که معصیت شوم خشمگین می‌گردم و زمانی که خشمگین گردم طرد می‌کنم و طرد من تا هفت (مرتب) به پشت است.

“صوت و آهنگی گفته می‌شود که از آلات موسیقی، پدید آید.” بر این اساس بین موسیقی علمی و موسیقی فقهی، عموم و خصوص مطلق است.^{۲۵۶} در قرآن چند آیه در این مورد نازل شده است که با توجه به بعضی از آیات قرآن و احادیث، حرمت غنا و موسیقی لهوی، به خوبی ثابت می‌شود.^{۲۵۷} افزون بر آن، تمامی فقیهان شیعی نیز بر حرمت موسیقی و غنا اتفاق نظر دارند.^۱

با بررسی کوتاه در قرآن و روایات و سخن روان شناسان، می‌توان موارد ذیل را از فلسفه‌های حرمت موسیقی دانست:

۱. انسان را به فساد و فحشا گرایش می‌دهد.^{۲۵۸}

۲. او را از یاد خدا غافل می‌سازد.^ب

۳. بر روان و اعصاب، تأثیر سوئی دارد.^{۲۵۹}

در زمینه غنا و موسیقی توجه به چند نکته بایسته است:

یکم. هر نوع آواز و آهنگی، حرام شمرده نمی‌شود بلکه تنها آهنگ‌های مناسب با مجالس لهو و فساد، مشمول حرمت است و گوش دادن به آهنگ‌هایی که از این مشخصه عاری بوده و یا مشکوک به نظر می‌رسد، اشکال ندارد.

دوم. طرب و لهو، دو واژه کلیدی است که در باب غنا و موسیقی به کار می‌رود. “طرب” به حالت سبک وزنی و سبک عقلی گفته می‌شود که در اثر شنیدن آواز یا آهنگ، در روان و نفس آدمی پدید می‌آید و او را از حد اعتدال خارج می‌کند. این امر تنها به حالت شادی اختصاص نمی‌یابد بلکه ممکن است از آهنگ‌های غم و حزن آور نیز به دست آید.^{۲۶۰} “لهو” سازگاری و هم‌نوایی آواز و آهنگ نواخته شده با مجالس فساد و خوش‌گذرانی است بدین معنا که ممکن است نغمه‌ای طرب‌انگیز نباشد ولی از نغمه‌هایی باشد که فقط در

أعده‌ای از فقیهان دین در کتب استدلالی خود و برخی از نویسندگان در نوشته‌های فارسی اظهار می‌دارند که دو تن از فقیهان شیعی (فیض کاشانی و محمد باقر سبزواری (قاتل به حلیت غنا هستند ولی با کمی تأمل و درنگ در کلام آنان، در خواهیم یافت که آنان نیز در اصل حرمت غنا تردیدی ندارند و تنها در برخی ویژگی‌ها و خصوصیات با آنان اختلاف نظر دارند. ر. ک: سیدابوالقاسم، خوبی، مصباح الفقاهه، ج ۱، باب الغناء امام خمینی، المکاسب المحرمة، ج ۱، باب الغناء.
^ب در آیه ۶ از سوره “لقمان” یکی از عوامل گمراهی از سبیل الهی “لهو الحدیث” دانسته شده و “لهو” آن چیزی است که انسان را به خودش آنچنان مشغول کند که باعث غفلت و بازماندن از کارهای مهم‌تر شود، و در روایات اسلامی از آن به “غنا” تفسیر شده است: وسائل الشیعه، ج ۱۲، باب ۹۹، ابواب مایکنسب به.

جلسات فاسقان و هواپرستان رایج باشد. به این آهنگ لهوی می‌گویند و اگر از هر دو مشخصه (طرب و لهو) برخوردار باشد، به آن مطرب لهوی می‌گویند.

تمامی مراجع تقلید، "لهوی بودن" را جزء و قید موسیقی حرام می‌دانند ولی در قید "طرب‌انگیزی" اختلاف نظر دارند.

سوم. آلات موسیقی دو قسم است: آلات مختص حرام و آلات مشترک. "آلات مختص" به آلتی از موسیقی گفته می‌شود که نوعاً در لهو و لعب به کار می‌رود و منفعت حلالی در بر ندارد. "آلات مشترک" به آلتی از موسیقی گفته می‌شود که هم برای منافع مشروع و حلال به کار می‌رود و هم برای منافع نامشروع و حرام.

استفاده از آلات مختص به هیچ وجه جایز نیست ولی آلات مشترک بستگی به کیفیت نواختن آن دارد. بیشتر مراجع تقلید^{۲۶۱} استفاده از آلات مشترک را به طور مطلق حرام نکرده‌اند بلکه براساس کیفیت نواختن آن فتوا داده‌اند.

موسیقی بدون تأثیر

● پرسش ۱۲۲: اگر استماع موسیقی هیچ گونه تأثیری در انسان نداشته باشد، آیا باز حرام است؟

همه مراجع: اگر از نوع موسیقی حرام باشد، گوش دادن به آن جایز نیست هر چند در شخص تأثیر نداشته باشد.^{۲۶۱}

تبصره. موسیقی حرام، غالباً آثار مخرب^{۲۶۱} دارد و باعث بیگانگی از خدا و تحریک شهوت و آلودگی به مفسد دیگر می‌شود ولی حکم تابع این امور نیست و اگر به فرض، در موردی موسیقی حرام هیچ تأثیری در روح و روان انسان بر جای نگذارد، باز گوش دادن به آن جایز نیست.

محتوای موسیقی

● پرسش ۱۲۳: آیا در موسیقی، "لهوی بودن" آن مطرح است یا محتوای شعرهایی که خوانده می‌شود؟ به تعبیر دیگر اگر اشعار خوب و

^{۲۶۱} آیات عظام آیت‌الله سیستانی، آیت‌الله تبریزی، آیت‌الله وحید و آیت‌الله مکارم، موسیقی لهوی را حرام می‌دانند اگرچه طرب‌انگیز نباشد.

^۳ آیه‌الله آیت‌الله بهجت و آیه‌الله آیت‌الله صافی، استفاده از هر نوع آلات موسیقی را حرام می‌دانند.

همه مراجع: معیار در حرمت موسیقی، مطرب و لهوی بودن آن است هر چند محتوای آن اشعار مذهبی و اسلامی باشد.^{۲۶۲}
تیسره. برخی از مراجع تقلید (آیات عظام: تبریزی، سیستانی، مکارم و وحید)، قید "مطرب" را جزء موسیقی حرام نمی‌دانند.

حضور در مجلس موسیقی

• پرسش ۱۲۴: در صورتی که در مجلسی، مجبور باشیم موسیقی مطرب و لهوی را تحمل کنیم، آیا باز هم مرتکب گناه شده‌ایم؟
همه مراجع: اگر احتمال تأثیر می‌دهید- با فراهم بودن سایر شرایط- باید نهی از منکر کنید. اگر نمی‌پذیرند- چنانچه حضور شما در آنجا باعث استماع موسیقی حرام و یا تأیید گناه گردد- مجلس را ترک کنید مگر آنکه باعث فتنه و فساد شود. در این صورت ماندن در آن محل به مقدار ضرورت، اشکال ندارد. البته در صورت امکان باید از گوش دادن به موسیقی حرام، اجتناب ورزید و اگر صدای آن بدون دلخواه به گوش شما رسید، اشکال ندارد.^{۲۶۳}

آموزش موسیقی

• پرسش ۱۲۵: حکم آموزش و یادگیری نوازندگی آلات موسیقی چیست؟
همه مراجع (به جز آیات عظام بهجت و صافی): آموزش و یادگیری نوازندگی با آلات مختص [به لهو] جایز نیست و اگر از آلات مشترک باشد، به منظور استفاده مشروع و حلال، اشکال ندارد.^{۲۶۴}
آیات عظام بهجت و صافی: آموزش و یادگیری نوازندگی با آلات موسیقی، حرام است.^{۲۶۵}

مجلس عروسی

• پرسش ۱۲۶: آیا جایز است زن در شب عروسی (در مجلس زنان)، غنا و آواز بخواند و عده‌ای به رقص و زدن بر روی میز و صندلی مشغول شوند؟ حکم شرعی چنین مجلسی چیست (البته از آلات موسیقی استفاده نمی‌شود)؟
همه مراجع (به جز آیات عظام تبریزی و خامنه‌ای): در فرض مذکور اشکال دارد.^{۲۶۶}

آیت‌الله تبریزی: اگر مرد یا پسر ممیز در مجلس زنانه حضور نداشته باشد و از موسیقی لهنوی نیز استفاده نکنند آواز زن در مجلس زنان و رقص زن برای زنان و زدن بر میز و صندلی و مانند آن - که از آلات موسیقی محسوب نمی‌شود - اشکال ندارد.^{۲۶۷}

آیت‌الله خامنه‌ای: اگر کیفیت زدن به شیوه متداول در عروسی‌های سنتی باشد و لهنو محسوب نشود و نیز رقص زن برای زنان، باعث تحریک شهوت و یا مفسده دیگر نگردد، اشکال ندارد.^{۲۶۸}

دست زدن

● پرسش ۱۲۷: حکم دست زدن در مراسم عروسی چیست؟
آیات عظام امام، بهجت، خامنه‌ای، صافی و مکارم: اگر به طور متعارف و غیر لهنوی باشد، اشکال ندارد.^{۲۶۹}

آیت‌الله نوری: اگر جلف و سبک نباشد، اشکال ندارد.^{۲۷۰}
آیات عظام تبریزی، سیستانی و فاضل: دست زدن فی نفسه (به تنهایی)، اشکال ندارد.^{۲۷۱}
آیت‌الله وحید: احتیاط واجب در ترک آن است.^{۲۷۲}

پوشش (درس نوزدهم)

قال الامام علی (علیه السلام): لَّا يَقُولَنَّ أَحَدُكُمْ اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْفِتْنَةِ لِأَنَّهُ لَيْسَ أَحَدٌ إِلَّا وَهُوَ مُشْتَمِلٌ عَلَى فِتْنَةٍ وَ لَكِنْ مَنْ اسْتَعَاذَ فَلَيْسَتْ عِزُّهُ مِنْ مُضِلَّاتِ الْفِتَنِ فَإِنَّ اللَّهَ سَبَّحَانَهُ يَقُولُ وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَ أَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَ مَعْنَى ذَلِكَ أَنَّهُ يَخْتَبِرُهُمْ بِالْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ لِتَبْيِينِ السَّخِطِ لِرِزْقِهِ وَ الرَّاضِي بِرِزْقِهِ وَ الرَّاضِي بِقِسْمِهِ (نهج البلاغه: حکمت ۹۳)^۱

فلسفه حجاب

● پرسش ۱۲۸: فلسفه پوشش (حجاب) بانوان چیست؟ اگر خوب است چرا بر مردان لازم نیست؟
 خداوند متعال درباره علت ضرورت پوشش اسلامی می‌فرماید: «ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفَ فَلَا يُؤْذَنُ». برخی این آیه را چنین معنا کرده‌اند: «بدین وسیله شناخته می‌شوند آزادند نه کنیز پس با آزار و تعقیب جوانان رو به رو نمی‌شوند. بنابراین، در عصر حاضر که مسأله بردگی از میان گرفته، این حکم

^۱ امام علی (علیه السلام) فرمودند: هیچ کس از شما نگوید: «خدایا من از فتنه به تو پناه می‌برم!» زیرا هر کسی مورد فتنه قرار می‌گیرد و لکن کسی که می‌خواهد پناه ببرد، از فتنه‌های گمراه کننده پناه ببرد؛ زیرا خداوند می‌فرماید: «بدانید که اموال شما و فرزندانان فتنه هستند» معنای این (سخن) آن است که آنان را با اموال و اولاد می‌آزماید برای این که ناراضی به رزق و راضی به رزق مشخص شود.

نیز منتفی می‌شود ولی باید گفت: ^{۲۷۳} ایجاد مزاحمت و آزار کنیزان نیز روا نیست. حقیقت آن است که وقتی زن پوشیده و با وقار از خانه بیرون رود و جانب عفاف و پاک دامنی را رعایت کند، فاسدان و مزاحمان جرأت هتک حیثیت او را در خود نمی‌یابند. بیمار دلانی که در پی شکار می‌گردند، فرد دارای حریم را شکاری مناسب نمی‌بینند. در روایات آمده است: «المرأة ریحانه» ^{۲۷۴} «زن همچون ریحانه یا شاخه گلی ظریف است.» بی‌تردید اگر باغبان او را پاس ندارد، از دید و دست گلچین مصون نمی‌ماند قرآن از زنان ایده آل که در بهشت جای دارند، به مروارید محبوب و پوشیده در صدف تشبیه می‌کند: «كأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ» ^{۲۷۵} افزون بر این، گاه آنها را به جواهرات اصیلی چون یاقوت و مرجان که جواهر فروشان در پوششی ویژه قرار می‌دهند تا همچون جواهرات بدلی به آسانی در دسترس این و آن قرار نگیرند و ارزش و قدرشان کاستی نپذیرد، تشبیه می‌کند. ^{۲۷۶}

بر این اساس، مرحوم علامه طباطبایی ^{۲۷۷} همین تفسیر را بر می‌گزیند. استاد شهید مطهری در این باره می‌فرماید: «حرکات و سکنت انسان گاهی زبان‌دار است. گاهی وضع لباس، راه رفتن، سخن گفتن زن معنا دار است و به زبان بی‌زبانی می‌گوید: دلت را به من بده، در آرزوی من باش، مرا تعقیب کن گاهی بر عکس، با زبان بی‌زبانی می‌گوید: دست تعرض از این حریم کوتاه است.» ^{۲۷۸}

خداوند متعال در حق مردان می‌فرماید: «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم و یحفظوا فروجهم» ^{۲۷۹} «به مؤمنان بگو چشم‌های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرند و عفاف (عورت) خود را حفظ کنند.» و در حق زنان نیز می‌فرماید: «و قل للمؤمنات یغضضن من ابصارهنّ و یحفظن فروجهنّ» ^{۲۸۰} «و به زنان با ایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرند و دامان (عورت) خویش را حفظ کنند»

در این راستا ذکر چند نکته ضروری می‌نماید:

۱. فقها فرموده‌اند زن نباید به بدن مرد نامحرم (به جز سر و صورت و گردن) نگاه کند و این حکم دلیل قطعی دارد که در جای خود بیان شده است.

۲. ممکن است نگاه زن به بدن مرد نامحرم حرام باشد ولی پوشش آن از سوی مرد واجب نباشد همان گونه که نگاه مرد به

صورت و دست‌های زن از روی شهوت حرام است ولی پوشش آن از سوی زن واجب نیست.

۳. مردان می‌توانند با لباس آستین کوتاه در مجامع عمومی نمایان گردند.

اکنون این پرسش پیش می‌آید که اگر مردی با این وضعیت بیرون آید و بداند زنان از روی تعمد و لذت به بدنش نگاه می‌کنند، آیا از نظر شرعی مرتکب گناه شده؟

دو نظر در اینجا مطرح است. برخی فتوا به حرمت داده و عده‌ای از جواز سخن گفته‌اند. اصلی‌ترین مستند و مبنای این حکم قاعده فقهی “اعانه بر اثم” است که در فقه کاربرد فراوانی دارد. معنای قاعده این است که هر کس زمینه تحقق و پیاده شدن گناه را برای دیگری فراهم سازد. خود نیز مانند انجام دهنده‌ی آن گناهکار است.

در مقابل برخی مراجع اظهار می‌دارند که آنچه حرام است “تعاون بر اثم” بوده نه “اعانه بر اثم” این دو با یکدیگر متفاوت است. “تعاون بر اثم” یعنی همکاری و شرکت چند نفر در انجام گناه به گونه‌ای که همگی به طور مستقیم آن را انجام دهند.

به همین جهت برخی مراجع گفته‌اند اگر مردان با لباس آستین کوتاه بیرون آیند به قصد اینکه زنان به او نگاه کنند، شریک گناه گردیده و قاعده فقهی در حقیقت پیاده می‌شود. اما اگر به این انگیزه نباشد، اشکالی ندارد. و از آنجا که تشخیص انگیزه افراد مشکل است به جوانانی که در خیابان و پارک‌ها به بازی فوتبال مشغول بوده و یا در جاده‌ها به دوچرخه سواری مشغول هستند. وجوب امر به معروف محرز نمی‌شود.

زمان وجوب حجاب

● پرسش ۱۲۹: از چه زمانی بر دختر رعایت حجاب واجب می‌شود؟
همه مراجع: زمانی که یکی از نشانه‌های بلوغ در دختر آشکار شود، رعایت حجاب بر او واجب می‌گردد.^{۲۸۱}

تبصره. نشانه بلوغ در دختر سه چیز است: ۱. روییدن موی درشت و خشن زیر شکم (بالای آلت تناسلی)، ۲. بیرون آمدن منی، ۳. تمام شدن نه سال قمری. البته به نظر آیه الله سیستانی، نشانه بلوغ در دختر تنها به تمام شدن نه سال قمری است.

جوراب نازک

- پرسش ۱۳۰: پوشیدن جوراب نازک چه حکمی دارد؟
همه مراجع: اگر ظاهر پا در آن پیدا باشد، پوشیدن آن جایز نیست.^{۲۸۲}

پشت و روی پا

- پرسش ۱۳۱: آیا پوشاندن پشت و روی پا در مقابل نامحرم واجب است؟
همه مراجع (به جز آیت الله تبریزی و آیت الله مکارم): آری، باید آن را از نامحرم بپوشاند.^{۲۸۳}
آیت الله مکارم: خیر، واجب نیست ولی بهتر آن است که بپوشاند.^{۲۸۴}
آیت الله تبریزی: پوشاندن زیر چانه واجب است ولی پوشاندن روی پا تا مچ بنا بر احتیاط واجب است.^{۲۸۵}
تبصره. لازم نیست پشت و روی پا به وسیله جوراب پوشانده شود بلکه اگر به وسیله چادر و مانند آن نیز پوشانده شود، کافی است.

لباس شهرت

- پرسش ۱۳۲: لباس شهرت چیست و حکم آن را بیان کنید؟
تعریف لباس شهرت
همه مراجع (به جز آیت الله سیستانی و آیت الله مکارم): لباس شهرت، لباسی است که پوشیدن آن برای شخص، به جهت جنس پارچه یا رنگ یا کیفیت دوخت یا مندرس بودنش و مانند آن، معمول نبوده و خلاف شأن او به حساب آید به طوری که اگر آن را در برابر مردم بپوشد، توجه آنان را به خود جلب کرده و انگشت‌نما می‌شود.^{۲۸۶}
آیت الله مکارم: لباس شهرت، لباسی است که جنبه ریاکاری دارد و شخص می‌خواهد به وسیله آن مثلاً به زهد و ترک دنیا مشهور شود، خواه از جهت پارچه یا رنگ آن باشد و یا دوخت آن. اما اگر واقعاً قصدش ساده پوشیدن است و جنبه ریا کاری ندارد، نه تنها جایز است بلکه عملی است شایسته.^{۲۸۷}
آیت الله سیستانی: منظور لباسی است که مؤمن را بصورتی زشت و نامناسب در آورد.^{۲۸۸}
اما حکم لباس شهرت:

آیات عظام امام، خامنه‌ای، فاضل و نوری: پوشیدن لباسی که موجب شهرت و انگشت‌نمایی شود، بنابر احتیاط واجب حرام است.^{۲۸۹}

آیات عظام بهجت، صافی و وحید: پوشیدن لباسی که موجب شهرت و انگشت‌نمایی شود، حرام است.^{۲۹۰}

آیات عظام تبریزی و سیستانی: پوشیدن آن حرام نیست مگر آنکه موجب هتک حرمت و خواری شخص شود.^{۲۹۱}

آیت‌الله مکارم: پوشیدن لباسی که جنبه ریاکاری دارد و شخص می‌خواهد به وسیله آن، مثلاً به زهد و ترک دنیا مشهور شود، بنابر احتیاط واجب حرام است خواه از جهت پارچه یا رنگ آن باشد و یا دوخت آن. اما اگر واقعاً قصد او ساده پوشیدن است و جنبه ریاکاری ندارد نه تنها جایز، بلکه عملی شایسته است.^{۲۹۲}

تبصره. پوشیدن هر لباسی که موجب هتک حرمت و خواری شخص شود، به فتوای همه مراجع حرام است.

لباسهای تحریک‌کننده

● پرسش ۱۳۳: پوشیدن لباس‌های تنگ و تحریک‌کننده - که برجستگی‌های بدن زن در آن پیدا است - چه حکمی دارد؟
همه مراجع: پوشیدن این نوع لباس‌ها ادر فرض مذکور جایز نیست و باید آنان را با چادر یا مانتوی مناسب و گشاد بپوشاند.^{۲۹۳}

زیور آلات

● پرسش ۱۳۴: حکم پوشش انگشتر طلا و حلقه ازدواج بانوان، در صورتی که در معرض دید نامحرم باشد، چگونه است؟
آیات عظام امام خمینی، بهجت، صافی و فاضل: باید از نامحرم پوشانده شود.^{۲۹۴}

آیات عظام سیستانی، مکارم و نوری: پوشاندن آن لازم نیست.^{۲۹۵}

آیت‌الله تبریزی: پوشاندن انگشتری که پیش زنان بزرگسال و یا کمی پایین‌تر متعارف است، واجب نیست.^{۲۹۶}

آیت‌الله وحید: بنابر احتیاط واجب، باید از نامحرم پوشانده شود.^{۲۹۷}

نگاه (درس بیستم)

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ (الأنفال: ۶۰)^أ

فلسفه حرمت نگاه به نامحرم

● پرسش ۱۳۵: درباره حرمت نگاه به نامحرم توضیح دهید؟
“قل للمؤمنين يغضوا من أبصارهم”^{۲۹۸} “به مؤمنان بگو: چشم‌های خود را از نگاه به نامحرم فرو گیرند.”

“و قل للمؤمنات يغضضن من أبصارهن”^{۲۹۹} “و به زنان با ایمان بگو: چشم‌های خود را از نگاه هوس آلود فرو گیرند.”

نگاه حرام در شرع عبارت است از: نگاه مرد به بدن زن نامحرم (به جز صورت و دست‌ها تا مچ) خواه با قصد باشد یا بدون آن. و نیز نگاه به صورت و دست‌ها اگر با قصد شهوت یا ترس افتادن به حرام باشد. همچنین نگاه زن به مرد نامحرم (به جز صورت، گردن و دست‌ها و مقداری از پا) خواه با قصد باشد یا بدون آن و نیز به مواضع یاد شده، اگر با قصد شهوت یا ترس افتادن به حرام باشد.

^أ و هر چه در توان دارید از نیرو و اسبهای آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان - که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد - بترسانید

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: “نگاه به نامحرم، تیری از تیرهای مسموم شیطان است و چه بسا یک نگاهی که حسرتی طولانی بر جای گذارد.”^۱

نگاه های حرام

● پرسش ۱۳۶: نگاه‌های ممنوع و حرام کدام است؟

۱. نگاه به چهره آرایش کرده زن،
۲. نگاه به زیور آلات زن،
۳. نگاه به عکس بی حجاب زن آشنا،
۴. نگاه با ریبه (ترس افتادن به حرام)،
۵. نگاه به بدن مرد نامحرم (به جز صورت و دست‌ها)،
۶. نگاه به تمام بدن زن نامحرم (به جز صورت و دست‌ها تا میچ)،
۷. نگاه هوس آلود (هر چند به صورت و دست‌ها و یا به بدن هم‌جنس).

نگاه به بدن نامحرم

● پرسش ۱۳۷: حکم نگاه به بدن زن نامحرم (به جز دست و صورت) بدون قصد لذت چیست؟
همه مراجع: حرام است هر چند بدون قصد لذت باشد.^{۳۰۰}

نگاه به صورت نامحرم

● پرسش ۱۳۸: حکم نگاه کردن به صورت نامحرم چیست؟ اگر نگاه به طور “خیره” و نه از روی قصد و غرضی باشد، باز هم اشکالی دارد؟
همه مراجع (به جز آیت الله صافی): نگاه به صورت نامحرم، اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد، اشکال ندارد ولی اگر با یکی از این دو مشخصه همراه باشد، جایز نیست.^{۳۰۱}
آیت الله صافی: نگاه به قصد لذت حرام است و بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام نیز بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.^{۳۰۲}

الْأَنْظَرُ سَهْمٌ مِنْ سَهَامِ ابْلِيسَ مَسْمُومٌ وَ كَمْ مِنْ نَظَرَةٍ أَوْرَثَتْ حَسْرَةً طَوِيلَةً“: بحار، ج ۴۰ / ۱۰۱.

تبصره. فرض مسأله در رساله‌های عملیه، در مورد نگاه عمدی و پیوسته است و گر نه نگاه اتفاقی به فتوای همه مراجع تقلید اشکالی ندارد.

نگاه به مرد

- پرسش ۱۳۹: حکم نگاه کردن زن به بازو و آرنج مرد نامحرم چیست؟
آیات عظام امام، خامنه‌ای و صافی: جایز نیست.^{۳۰۳}
آیت‌الله بهجت: بنابر احتیاط واجب جایز نیست.^{۳۰۴}
آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل، مکارم، نوری و وحید: اگر بدون قصد لذت و ترس
افتادن به گناه باشد، اشکال ندارد.^{۳۰۵}

نگاه به دختر نابالغ

- پرسش ۱۴۰: آیا نگاه کردن به مو و بدن دختر نابالغ جایز است؟
آیات عظام امام و سیستانی: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد، اشکال ندارد ولی بنابر احتیاط (مستحب) به جاهایی (مانند ران، شکم و سینه) که معمولاً آنها را می‌پوشانند، نگاه نکند.^{۳۰۶}
آیت‌الله بهجت: اگر دختری است که خوب و بد را می‌فهمد، بنابر احتیاط واجب نگاه به او - خواه با قصد لذت یا بدون آن - جایز نیست.^{۳۰۷}
آیات عظام فاضل، مکارم و نوری: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد، اشکال ندارد ولی بنابر احتیاط واجب به جاهایی (مانند ران، شکم و سینه) که معمولاً آنها را می‌پوشانند، نگاه نکند.^{۳۰۸}
آیات عظام تبریزی، صافی و وحید: اگر دختری است که خوب و بد را می‌فهمد (و به حدی رسیده که مورد نظر شهوانی است) در این صورت نگاه به او - هر چند بدون قصد لذت - جایز نیست.^{۳۰۹}

فیلمهای مبتذل

- پرسش ۱۴۱: نگاه به فیلمهای مبتذل - که بیشتر زنان غیرمسلمان در آن بازی می‌کنند - در صورتی که موجب تحریک انسان نشود، چه حکمی دارد؟

همه مراجع (به جز آیات عظام تبریزی و سیستانی): با توجه به اینکه دیدن این گونه فیلم‌ها، شهوت برانگیز و مقدمه ارتکاب گناه است، نگاه به آنها حرام است.^{۳۱۰}

آیت‌الله تبریزی: نگاه به فیلم‌هایی که موجب تحریک شهوت بر حرام یا ترویج فساد در جامعه باشد، جایز نیست.^{۳۱۱}

آیت‌الله سیستانی: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه نیز باشد، بنابر احتیاط واجب نگاه به زنان جایز نیست.^{۳۱۲}

نامحرم (درس بیست و یکم)

أَوْحَى اللَّهُ إِلَى نَبِيِّ أَنْ قُلْ لِقَوْمِكَ لَا تَطْعُمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِي وَلَا تَشْرَبُوا مَشَارِبَ أَعْدَائِي وَلَا تَرْكَبُوا مَرَاجِبَ أَعْدَائِي وَلَا تَلْبَسُوا مَلَابِسَ أَعْدَائِي وَلَا تَسْكُنُوا مَسَاكِنَ أَعْدَائِي فَتَكُونُوا أَعْدَائِي كَمَا كَانَ أَوْلِيكَ أَعْدَائِي (مستدرک الوسائل: ۳/۲۴۸)^۱

خلوت با نامحرم

- پرسش ۱۴۲: آیا خلوت کردن دو نفر نامحرم در یک مکان، جایز است؟ آیات عظام امام، خامنه‌ای و نوری: اگر کسی نمی‌تواند وارد آن مکان شود و آنها بترسند که به حرام بیفتند، ماندنشان در آنجا حرام است.^{۳۱۳}
- آیت‌الله صافی: اگر کسی نمی‌تواند وارد آن مکان شود، ماندنشان در آنجا حرام است هر چند احتمال فساد ندهند و به گفت و گوهای علمی و ضروری بپردازند.^{۳۱۴}
- آیت‌الله مکارم: اگر کسی نمی‌تواند وارد آن مکان شود، بنابر احتیاط واجب ماندنشان در حرم آنجا حرام است هر چند احتمال فساد ندهند و به گفت و گوهای علمی و ضروری مانند آن بپردازند.^{۳۱۵}
- آیات عظام بهجت، سیستانی و وحید: اگر احتمال فساد برود، ماندنشان در آنجا حرام است هر چند طوری باشد که کس دیگر بتواند وارد شود.^{۳۱۶}
- آیات عظام تبریزی و فاضل: اگر کسی نمی‌تواند وارد آن مکان شود- در صورتی که احتمال فساد برود- ماندنشان در آنجا حرام است.^{۳۱۷}

گفتگو با نامحرم

- پرسش ۱۴۳: آیا در گفت‌وگوی زن و مرد نامحرم، فرقی بین گفت‌وگوی مستقیم و از راه دور هست؟ همه مراجع: خیر، هیچ تفاوتی در حکم نمی‌کند و در هر دو مورد، اگر با قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد، اشکال دارد.^{۳۱۸}

^۱ خداوند به یکی از پیامبرانش وحی فرستاد که: به مردم بگو! ای غذای دشمنان من نخورید و از نوشیدنی‌هایشان ننوشید و بر مرکب‌های آنان سوار نشوید و لباس‌های آنها را بنوشید و خانه‌های آنان را مسکن نگیرید زیرا دشمن من خواهی شد آنگونه که آنان دشمن من هستند.

پزشک نامحرم

- پرسش ۱۴۴: حکم آمپول زدن توسط نامحرم چگونه است؟ همه مراجع (به جز آیات عظام تبریزی و سیستانی): اگر همجنس در دسترس نباشد و ضرورت اقتضا کند، اشکال ندارد.^{۳۱۹} آیات عظام تبریزی و سیستانی: اگر همجنس در دسترس نباشد یا آمپول زن غیرهمجنس مهارتش در تزریق بیشتر باشد، اشکال ندارد.^{۳۲۰}

دست دادن

- پرسش ۱۴۵: دست دادن با زن نامحرم به وسیله دستکش و مانند آن، چه حکمی دارد؟ امام خمینی و آیت الله خامنه‌ای: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه باشد، اشکال ندارد ولی بنابر احتیاط واجب، نباید دست را بر دست فشار دهند.^{۳۲۱} آیات عظام بهجت، تبریزی، سیستانی، صافی، مکارم و وحید: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه باشد، اشکال ندارد.^{۳۲۲} آیت الله نوری: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه باشد، اشکال ندارد ولی نباید دست را به دست فشار دهند.^{۳۲۳} آیت الله فاضل: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه باشد، اشکال ندارد ولی بهتر است دست را به دست فشار ندهند.^{۳۲۴}

دست دادن با نابالغ

- پرسش ۱۴۶: آیا دست دادن با دختران نابالغ جایز است؟ همه مراجع (به جز آیات عظام تبریزی، سیستانی و مکارم): اگر خوب و بد را می‌فهمند، دست دادن با آنان جایز نیست.^{۳۲۵} آیت الله تبریزی، آیت الله سیستانی: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه باشد، اشکال ندارد.^{۳۲۶} آیت الله مکارم: اگر خوب و بد را می‌فهمند، دست دادن با آنان بنابر احتیاط واجب جایز نیست.^{۳۲۷}

نامحرم در وسیله نقلیه

● پرسش ۱۴۷: گاهی در وسایل نقلیه به جهت نشستن مرد کنار زن، بدنشان به یکدیگر برخورد می‌کند، در اینجا تکلیف چیست؟
همه مراجع: اصل تماس بدن زن و مرد با یکدیگر از روی لباس حرام نیست ولی اگر باعث تحریک شهوت و فساد گردد، جایز نمی‌باشد.^{۳۲۸}
تبصره. اگر در تماس بدنی، فشار و اتکا پیدا شود، باید از آن پرهیز کرد.

عشق به نامحرم

● پرسش ۱۴۸: حکم عشق‌های مجازی امروزی چیست و حریم روابط دختر و پسر تا کجاست؟

لفظ “عشق” از نظر لغت مشتق از عشق است و “عشقه” گیاهی است بر دور درخت می‌پیچد و درخت را خشک، زرد و بی‌محصول می‌کند.^{۳۲۹}
به صورت شرح الاسم می‌توان چنین تعریف کرد: “عشق لذت شدید بردن یک انسان از چیزی به شکل و شمایل لطیف و اوصاف پسندیده و تناسب اعضا و ترکیب زیبایی می‌باشد”.

ملاصدرا: عشق را از جمله قراردادهای الهی در موجودات دانسته و وقتی از جمله قرار دادهای الهی به شمار آید، طبیعی است که مصالح و حکمت‌هایی بر آن مترتب خواهد بود.

انسان به حکم اینکه در دایره امکان قرار دارد و احساس نقص در وجود خویش می‌کند، به رفع نقص و تمرکز کمالات در وجود، همت می‌گمارد و چون شیفته خیر و کمال مطلق است، گاهی از عشق حقیقی که عشق به ذات پاک خداوند است به عشق‌های ظاهری دل می‌بندد و با قوه تخیل خویش محبوب حقیقی را که از حد و حصر زمانی و مکانی منزّه است در لباس سست و ژولیده طبیعت، به نمایش می‌گذارد و به طور طبیعی کمال محدود و محصور را به جای زیبایی و کمال صرف برای خود می‌آراید که از آن به عشق مجازی تعبیر می‌کنند.

صرف محبت به چیزی قبیح نیست زیرا: “انَّ اللّهَ جمیل و یُحِبُّ الجمال”
خداوند خودش زیباست و زیبایی را دوست دارد و حتی در مورد خلقت انسان آمده است که: “لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم”^{۳۳۰}

اسلام با میل و کشش‌های انسان به مخالفت بر نمی‌خیزد، بلکه تأکید دارد انسان به میل‌های خود صبغه و رنگ الهی بدهد، آن چه به نفع سعادت و

رستگاری آدمی است تقویت شود و آن چه موجب توقف سیر در جهت نیل به کمالات است، تعدیل شده و در راستای کمال‌یابی به کار گرفته شود.

باری، باید در خلوتی نشست و درون را بررسی کرد که تاکنون دل‌باخته چه چیزهایی شده‌ایم؟ و مطلوب و مقصود ما چه کسانی بوده‌اند از هر که محبتی و مهری دیدیم (چون مادر)، هر که را در او علم و معرفتی یافتیم (همچون معلم و استاد)، هر که را در او قدرت یا جمالی بود و صدها محبوب دیگر گاه نه یک محبوب بلکه "محبوب‌ها" و "مطلوب‌ها" داریم در واقع عشق ما نه به ذات، بلکه به صفات ایشان است و اگر صفات از ایشان رخت برنبد، محبت نیز با رفتن آن صفات، کوچ می‌کند. این همان درس حضرت ابراهیم است که به مسلمین درس "دلبستگی" و "دلدادگی" واقعی را می‌آموزد لا احبُّ الاقلین هر چیزی که نابود می‌شود نمی‌تواند محبوب ما باشد^{۳۳۱}

در پایان، حریمی که برای روابط دختر و پسر معین شده این است که این روابط باید بر اساس عفت، پرواپیشگی، پرده‌پوشی و پارسایی باشد. قلمروهای گوناگون عفت نیز مشخص شده است.

۱. عفت در اندیشه.

۲. عفت در گفتار.

۳. عفت در رفتار.

عفت در گفتار خود سه موضوع را دربردارد: "آهنگ صدا"، "کیفیت القا" و "درون مایه‌سخن" و خلاصه این گفتار آن است که فرهنگ اسلامی به کوتاه یا بلند بودن آوا و آهنگ صدا، و شیوه‌ی ارائه سخن (نازآلود یا با وقار و تکریم)، و محتوای آن، اهمیت داده و برای هر یک حدود و اندازه‌هایی قایل شده و تجاوز از این حدود را نماد بی‌عفتی قلمداد کرده است.

از حیث عفت در رفتار و پارسایی که در کردار فرهنگ اسلامی به "عفت جنسی" بهای ویژه‌ای داده و توصیه‌هایی نموده است. از جمله:

۱. از نگاه آلوده باید پرهیز کرد.

۲. با نامحرم نباید خلوت کرد.

۳. خودارضایی و آمیزش نامشروع، حرام است.

۴. در مجامع عمومی از ظهور و حضور تحریک‌آمیز باید پرهیز

شود.

۵. برای فحشاء و فساد اخلاقی نباید واسطه شد.

۶. از عوامل تحریک‌آمیز باید برحذر بود.

اگر اصل عفت در موضوعاتی که مطرح شد، حاکم و جاری بود روابط دختر و پسر مانعی ندارد. مثلاً اگر از خلوت‌گزینی در احادیث و گفتار ائمه اطهار (علیه السلام) منع شده است، منظور خلوت مرد و زن نامحرم است، آن گونه که شیطان نفر سوم آن محفل باشد عقل و شرع از آن مجلس رخت ببرند، اولاً پیداست که حتی خلوت کردن نیز به خودی خود، موضوعیت ندارد، بلکه از آن رو که فضای واقعی و روانی ارتکاب حرام را ممکن است فراهم آورد، نهی شده است.

موضوع خلوت‌گزینی دو جنس مخالف مهم‌ترین چیزی است که دین برای آن حریم‌ها و مرزهایی مطرح نموده است و ما برای نمونه فقط به آن اشاره می‌کنیم، سایر موضوعات و جلوه‌های عفت بر اساس همین موضوع تبیین و تفسیر می‌شود

ازدواج (۱) (درس بیست و دوم)

وَ إِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ
مَرَّ كَأَن لَّمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضُرِّ مَسَّهُ (یونس: ۱۲) ^أ

محارم

• پرسش ۱۴۹: محارم انسان که ازدواج با آنان جایز نیست، کدامند؟
زنان به مردان از سه راه محرم می‌شوند: نسب، رضاع و ازدواج. کسانی که
از راه نسب به انسان محرم‌اند، عبارت‌اند از:

۱. پدر و مادر و هر چه بالا روند (مانند پدر بزرگ و مادر بزرگ)
۲. اولاد و هر چه پایین روند (مانند نوه و نتیجه)
۳. خواهر و برادر و هر چه پایین روند (مانند خواهرزاده و برادرزاده)

۴. عمو و عمه و هر چه بالا روند (مانند عمو و عمه پدر و مادر)
۵. دایی و خاله و هر چه بالا روند (مانند دایی و خاله پدر یا مادر).

کسانی که از راه رضاع (شیردادن) به انسان محرم می‌شوند، همان‌هایی‌اند
که از راه نسب محرم هستند (مانند پدر و مادر و اولاد و خواهر و برادر و عمو و
عمه و دایی و خاله رضایی و نیز مانند مادرزن رضاعی و دختر زن رضاعی و زن
پدر رضاعی و زن پسر رضاعی).

کسانی که از راه ازدواج به انسان محرم می‌شوند، عبارت‌اند از:

۱. مادر زن و هر چه بالا روند (مانند مادر مادرزن)
۲. دختر زن و هر چه پایین رود (مانند دختر دختر زن)
۳. زن پدر (نامادری) و هر چه بالا رود (مانند زن اجداد)
۴. زن پسر، یعنی عروس و هر چه پایین رود (مانند زن نوه و نتیجه) ^{۳۳۲}

^أ و چون انسان را آسیبی رسد، ما را -به پهلو خوابیده یا نشسته یا ایستاده- می‌خواند، و چون گرفتاریش
را برطرف کنیم چنان می‌رود که گویی ما را برای گرفتاریی که به او رسیده، نخوانده است.

مهریه

● پرسش ۱۵۰: مقدار مهریه چقدر باید باشد؟
همه مراجع: در دین اسلام برای مهریه، حد معینی بطور لزوم معین نشده است بلکه بر اساس توافق و رضایت زن و شوهر انجام می‌گیرد. اما مستحب است مقدار آن از مهر السنه (پانصد درهم) بیشتر نگردد و نیز کمترین مقدار آن طوری باشد که در نظر عرف دارای ارزش باشد.^{۳۳۳}

قصد ندادن مهریه

● پرسش ۱۵۱: اگر مردی قصد پرداختن مهریه همسرش را نداشته باشد، آیا این عقد آنها باطل است؟
همه مراجع: عقد صحیح است و مرد باید مهریه را بپردازد.^{۳۳۴}

تدلیس

● پرسش ۱۵۲: تدلیس چیست؟ حکم آن را بیان کنید؟
“تدلیس” در لغت به معنای فریب دادن و نشان دادن چیزی برخلاف واقع است. در اصطلاح، عبارت است از توصیف زن یا مرد به طوری که موجب اشتباه و فریب خوردن طرف دیگر در امر ازدواج شود مانند نگفتن عیب‌های او یا ذکر کردن صفاتی که او ندارد و به عنوان مثال بگوید: او دکتر یا مهندس و است که اگر این اوصاف گفته نمی‌شد و یا عیوب او بیان می‌گردید، طرف مقابل راضی به ازدواج نمی‌شد.^{۳۳۵}

همه مراجع: اگر تدلیس به پنهان کردن عیب‌هایی باشد که موجب فسخ عقد می‌گردد، طرف مقابل می‌تواند عقد را فسخ کند. اما اگر به پنهان کردن عیوب دیگر (مانند نداشتن بکارت و نازایی) و یا ابراز صفات کمال مانند داشتن تخصص، دریافت حقوق بالا و چنانچه در عقد شرط کرده باشد یا عقد بر این امور مبتنی شده باشد، می‌تواند عقد را فسخ کند.^{۳۳۶}

تبصره. عیوبی که اگر در زن باشد مرد می‌تواند عقد را (بدون طلاق) فسخ کند، عبارت است از: دیوانگی، مرض خوره، مرض برص، کوری، زمین‌گیر بودن، افضاد (یکی شدن راه بول و حیض یا راه حیض و غایط) بودن گوشت، استخوان و یا غده‌ای در رحم.

عیوبی که اگر در مرد باشد، زن می‌تواند عقد را (بدون طلاق) فسخ کند، عبارت است از: دیوانگی، نداشتن آلت مردی، ناتوانی از نزدیکی جنسی، کشیده شدن بیضه‌های مرد.^{۳۳۷}

اذن پدر

● پرسش ۱۵۳: آیا در ازدواج با دختر باکره، اجازه پدر او واجب است؟ آیات عظام امام و سیستانی و نوری: آری، باید با اجازه او باشد.^{۳۳۸}
 آیات عظام بهجت، تبریزی، خامنه‌ای، صافی، فاضل، مکارم و وحید: بنا بر احتیاط واجب، باید با اجازه او باشد.^{۳۳۹}

ازدواج با غیر مسلمان

● پرسش ۱۵۴: آیا یک مرد مسلمان، می‌تواند با یک زن غیرمسلمان ازدواج دائم کند؟
 امام خمینی و آیت الله سیستانی: اگر آن زن کافر غیر کتابی است، ازدواج دائم با او حرام است. بنا بر احتیاط واجب، ازدواج دائم با زن کتابی نیز جایز نیست.^{۳۴۰}

آیات عظام بهجت، خامنه‌ای و فاضل: خیر، مرد مسلمان نمی‌تواند با زن کافر ازدواج دائم کند خواه کافر غیر کتابی باشد یا کتابی.^{۳۴۱}
 آیت الله تبریزی و آیت الله وحید: ازدواج دائم با زن کافر غیر کتابی حرام است ولی با زن کتابی جایز است هر چند احتیاط مستحب آن است که با آنها هم ازدواج نکند.^{۳۴۲}
 آیت الله صافی و آیت الله نوری: ازدواج دائم با زن کافر غیر کتابی حرام است ولی با زن کتابی - در صورتی که ازدواج با زن مسلمان ممکن باشد - بنا بر احتیاط واجب جایز نیست.^{۳۴۳}
 آیت الله مکارم: ازدواج دائم با زن کافر، بنا بر احتیاط واجب جایز نیست (خواه غیر کتابی باشد یا کتابی).^{۳۴۴}

ازدواج با سنی

● پرسش ۱۵۵: حکم ازدواج دختر شیعه با مردی از اهل تسنن چیست؟

همه مراجع (به جز آیات عظام بهجت، تبریزی و وحید): ازدواج دختر شیعه با مرد سنی، مکروه است ولی اگر بترسد که بر اثر ازدواج با او به گمراهی بیفتد، جایز نیست.^{۳۴۵}

آیات عظام بهجت، تبریزی و وحید: اگر بترسد که بر اثر ازدواج با او به گمراهی بیفتد، جایز نیست و در غیر این صورت بنا بر احتیاط واجب، با او ازدواج نکند.^{۳۴۶}

تبصره. ازدواج با برخی از فرقه‌ها مانند: غلات، ناصبی‌ها و خوارج - که خود را مسلمان می‌پندارند، ولی در حقیقت محکوم به کفر هستند - جایز نیست.

ازدواج (۲) (درس بیست و سوم)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): تَعَرَّفَ إِلَى اللَّهِ فِي الرَّحَاءِ يَعْرِفُكَ فِي الشَّدَّةِ فَإِذَا سَأَلْتَ فَاسْأَلِ اللَّهَ وَإِذَا اسْتَعْنَتْ فَاسْتَعِنِ بِاللَّهِ (وسائل الشيعة: ۷/۴۳)

ازدواج موقت

● پرسش ۱۵۶: آیا در قرآن مجید آیه‌ای در باره ازدواج موقت آمده است؟ خداوند متعال در سوره نساء به حلیت متعه (عقد موقت) اشاره فرمود: **“فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً”**^{۳۴۷} “و زنانی را که متعه (ازدواج موقت) می‌کنید. واجب است است مهرشان را بپردازید.”

به گواهی بیشتر مفسران اهل تسنن و همه مفسران شیعه، این آیه مربوط به ازدواج موقت است. روایات فراوانی از اهل بیت‌علیه السلام در ذیل آیه وارد شده که آن را به متعه تفسیر و تبیین می‌کند واژه “متعه” - که “استمتعتم” از آن گرفته شده- در لغت به معنای بهره‌گیری است، ولی در اصطلاح شرع، به معنای ازدواج موقت است. گذشته از آیه، روایات فراوانی از پیامبر صلی الله علیه وآله آمده که ازدواج موقت در آغاز عصر رسالت مشروع و حلال گردیده و اتفاق عموم دانشمندان شیعه و سنی بر جواز آن بوده است و حتی مسلمانان در آغاز اسلام به آن عمل می‌کردند. منتها مخالفان مدعی‌اند: این حکم بعدها نسخ و تحریم شده است. البته بدیهی است که هیچ کس - جز پیامبر اسلام- حق نسخ احکام را ندارد و تنها او است که می‌تواند به فرمان خدا پاره‌ای از احکام را نسخ کند. جالب اینکه جمله معروف خلیفه دوم^۳، به طور صریح دلالت می‌کند که این حکم نسخ نشده و او خود این امر را حرام کرده است به هر حال اصل حکم مسلم بوده و هیچ دلیل قانع کننده‌ای بر نسخ آن وجود ندارد.^{۳۴۸}

^{۳۴۷} پیامبر اسلام (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: در آسایش خودت را به خداوند معرفی کن تا تو را هنگام مشکلات بشناسد لذا هر وقت چیزی خواستی از خداوند بخواه و هر زمان کمک خواستی از او بخواه!
^{۳۴۸} متعتان كانت على عهد رسول الله و انا محرهما و معاقب عليهما متعة النساء و متعة الحج “: دو متعه در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله بود که من آنها را حرام کردم و بر آنها مجازات می‌کنم متعه زنان و حج تمتع) که نوع خاصی از حج است (.

تفاوت عقد موقت و دائم

- پرسش ۱۵۷: تفاوت عقد موقت و دائم در چیست؟
ازدواج دائم و موقت، در بسیاری از احکام و مسائل مشترک‌اند برای مثال در هر دو باید صیغه خوانده شود و تنها راضی بودن زن و مرد کافی نیست و یا صیغه عقد را می‌توانند خود زن و مرد بخوانند و یا دیگری را وکیل کنند که از طرف آنان بخواند. اما در پاره‌ای از مسائل با یکدیگر تفاوت دارند که برخی از آنها عبارت است از:
 ۱. ذکر نشدن مهر در عقد دائم، عقد را باطل نمی‌سازد (بر خلاف عقد موقت).
 ۲. زن و شوهر در عقد دائم، از یکدیگر ارث می‌برند (بر خلاف عقد موقت).
 ۳. جایز نیست زن و شوهر در عقد دائم شرط کنند که نزدیکی انجام نگیرد (بر خلاف عقد موقت).
 ۴. شوهر در عقد دائم باید نفقه زن را بپردازد (برخلاف عقد موقت).
 ۵. زن در عقد دائم بدون اجازه شوهر نمی‌تواند بیرون برود ولی در عقد موقت می‌تواند، مگر آنکه باعث تضییع حق شوهر شود.
 ۶. ذکر مدت در عقد دائم لازم نیست ولی در عقد موقت باید مدت ذکر شود.
 ۷. در عقد دائم زن حق هم‌خوابی دارد (در صورتی که متعدد باشند) ولی در عقد موقت زن حق هم‌خوابی ندارد.

ازدواج با هم کفو

- پرسش ۱۵۸: در صورتی که دختر و پسری هم کفو باشند؛ ولی پدر دختر مخالف ازدواج آنها باشد، آیا باز هم رضایت او لازم است؟
همه مراجع (به جز آیات عظام بهجت، تبریزی و صافی): اگر پسر - شرعاً و عرفاً - کفو و همتای دختر باشد، اجازه پدر لازم نیست.^{۳۴۹}
آیات عظام بهجت و تبریزی: اگر پسر - شرعاً و عرفاً - کفو و همتای دختر باشد و ازدواج هم به مصلحت او باشد، اجازه پدر لازم نیست.^{۳۵۰}
آیات عظام خامنه‌ای و صافی: اگر پسر - شرعاً و عرفاً - کفو و همتای دختر باشد و کفو دیگری نیز پیدا نشود، اجازه پدر لازم نیست.^{۳۵۱}

عدم رضایت پدر با خصوصیات ازواج نه با اصل آن:
همه مراجع: اگر پدر با اصل ازدواج موافق است، ولی نسبت به
خصوصیات آن مخالف باشد در این صورت اجازه او لازم نیست و عقد صحیح
است.^{۳۵۲}

شرط ضمن عقد

• پرسش ۱۵۹: آیا زن می‌تواند در ضمن عقد ازدواج، شرط کند که شوهر
او همسر دوم اختیار نکند؟
آیات عظام امام، بهجت، خامنه‌ای، فاضل، مکارم و نوری: خیر، این شرط
صحیح و نافذ نیست ولی اگر شرط کند که: “زن وکیل شوهر باشد، چنانچه
شوهر ازدواج مجدد نماید، خود را طلاق دهد”، صحیح است.^{۳۵۳}
آیات عظام تبریزی، سیستانی و صافی: آری، این شرط صحیح و نافذ
است و اگر شوهر بعد از ازدواج، به این شرط عمل نکرد و ازدواج مجدد نمود،
گناه کرده است.^{۳۵۴}
آیت‌الله وحید: بنابر احتیاط واجب، این شرط صحیح و نافذ نیست ولی
اگر شرط کند که: “زن وکیل شوهر باشد، چنانچه شوهر ازدواج مجدد نماید،
خود را طلاق دهد”، صحیح است.^{۳۵۵}

ازدواج با خواهر لواط دهنده

• پرسش ۱۶۰: اگر لواط کننده و لواط دهنده هر دو نابالغ باشند، آیا باز
ازدواج با خواهر لواط دهنده (و یا دختر و مادر او) حرام می‌شود؟
آیات عظام امام، بهجت و نوری: آری، ازدواج با خواهر او حرام
می‌شود.^{۳۵۶}
آیات عظام تبریزی، صافی، فاضل و مکارم: خیر، ازدواج با خواهر او
حرام نمی‌شود.^{۳۵۷}
آیات عظام سیستانی و وحید: بنا بر احتیاط واجب، ازدواج با خواهر او
حرام نمی‌شود.^{۳۵۸}

ازدواج با سید

• پرسش ۱۶۱: آیا در احادیث به ازدواج با سادات توصیه شده است؟ و
آیا زنان سیده از نظر زناشویی و مسائل دیگر با زنان غیر سیده فرق می‌کنند؟

تنها ملاک ازدواج در اسلام، هم کفو بودن در ایمان است یعنی، مرد مؤمن و زن مؤمن کفو همدیگر هستند و رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: "مؤمنان کفو یکدیگرند".

اموری که در زمینه ازدواج مورد توجه و توصیه قرار گرفته است، داشتن ایمان، تقوا و اخلاق خوب است. البته قرابت پیدا کردن با اهل بیت (علیه السلام) چنانچه به قصد مودت و محبت آنان باشد، مسلماً دارای اجر و پاداش و کاری پسندیده است.

خانم‌های سیده از نظر احکام شرعی در مورد عقد و هم چنین زندگی معاشرت و زناشویی تفاوتی با دیگر زنان ندارند، تنها از نظر سن یائسگی با دیگر زنان تفاوت دارند. زنان معمولی در سن پنجاه سالگی یائسه می‌شوند و زنان سیده در سن شصت سالگی.

در صورت وصلت با دختر سیده هر قدر شما به خاطر عشق و علاقه به اهل بیت (علیه السلام) و حضرت زهرا (س) در مورد همسر خود نیکی کنید، مسلمادار نزد خداوند و اهل بیت (علیه السلام) مأجور خواهید بود.

قمر در عقرب

● پرسش ۱۶۲: قمر در عقرب چه زمانهایی است؟ آیا در هنگام قمر در عقرب، خطبه ازدواج خواندن مکروه است یا آمیزش و یا هر دو؟
ماه در گردش خود بر دور زمین، مداری دارد که این مدار به برج‌هایی تقسیم شده و در هر زمان ماه در یکی از این مناطق قرار می‌گیرد. یکی از این مناطق برج عقرب (یکی از صورت‌های فلکی) است. برای تشخیص این موقعیت باید به تقویم‌های نجومی مراجعه کنید. به نظر می‌رسد مقصود از کراهت ازدواج در این ایام خصوصاً آمیزش باشد. البته یافتن فلسفه این توصیه نیازمند زمان و تحقیقات بیشتری است؛ ولی به اجمال می‌توان گفت ممکن است در زمان قرار گرفتن قمر در برج عقرب، تشعشعاتی از ماه ساطع گردد که برای نطفه و جنین مضر باشد.

امر به معروف (درس بیست و چهارم)

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ (الإسراء: ۹)

اهمیت امر به معروف

● پرسش ۱۶۳: درباره اهمیت امر به معروف و نهی از منکر و ضرورت آن توضیح دهید؟

“کنتم خیر أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ”^{۳۵۹}
 “شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شده‌اند [چه اینکه] امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید.”

“معروف” آن است که عقل و شرع آن را نیک و خوب بداند و “منکر” آن است که عقل و شرع آن را ناپسند و بد بداند. بنابراین آنچه که نیک است - اعم از امور فرهنگی، اعتقادی، اقتصادی، عبادی، اخلاقی، سیاسی، جسمی، روانی و - معروف است و کلیه آنچه که ناپسند است، مشمول منکر می‌گردد. پس امر به معروف، به معنای “فرمان دادن به کار خوب” و نهی از منکر، به معنای “باز داشتن از کار بد” است.

فریضه امر به معروف و نهی از منکر، در همه ادیان مطرح بوده است و وجوب آن اختصاص به مسلمانان ندارد. این حکم در میان بنی اسرائیل به چشم می‌خورد. خداوند در قرآن می‌فرماید: “اهل کتاب همه یکسان نیستند بلکه پاره‌ای از آنان به انجام این فریضه می‌پردازند و از نیکان به شمار می‌روند.”^{۳۶۰} لقمان اجرای این فریضه را به فرزندش سفارش می‌کند.^{۳۶۱} خداوند به حضرت موسی و هارون دستور می‌دهد که با زبان نرم، فرعون را نصیحت کنند.^{۳۶۲}

امر به معروف و نهی از منکر، از مهم‌ترین، بهترین و عالی‌ترین فریضه‌ها و واجبات اسلامی است به طوری که برخی از فقیهان، آن را از ضروریات دین دانسته‌اند. در آیات و روایات گوناگونی به آن سفارش شده است و تعابیر زیبایی در آنها به چشم می‌خورد. حضرت علی‌علیه السلام می‌فرماید: “تمام کارهای نیک و (حتی) جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر، همچون

^۱ قطعاً این قرآن به [آیینی] که خود پایدارتر است راه می‌نماید

آب دهان در برابر دریای پهناوری است.^{۳۶۳} امام باقر علیه السلام می‌فرماید: “بد قومی هستند، قومی که بر امر به معروف و نهی از منکر عیب می‌گیرند و آن را بی ارزش می‌پندارند.”^{۳۶۳}

ذکر چند امر در این زمینه لازم است:

۱. این فریضه از تکالیف همگانی است و همه مسلمانان باید آن را پاس بدارند. این چنین نیست که در زمان اقتدار حاکمیت اسلامی، این فریضه تنها بر دوش نیروهای انتظامی و قوه قضاییه و سایر نهادهای دولتی قرار داشته باشد بلکه تک تک آحاد مردم به انجام این فریضه موظف‌اند. امر به معروف و نهی از منکر، واجب کفایی است و چنانچه عده‌ای به اجرای آن بپردازند و به گسترش معروف و از بین بردن منکر اقدام ورزند، انجام دادن آن از دیگران ساقط می‌شود.

۲. در اجرای فریضه امر به معروف و نهی از منکر، بین زن و مرد تفاوتی نیست و هر دو گروه، در این راستا وظیفه و مسؤولیت دارند.

۳. یکی از مراتب امر به معروف و نهی از منکر اقدام و برخورد عملی با شخص گناه کار است ولی به فتوای مراجع تقلید، این امر باید^۳ با اجازه حاکم شرع و مسؤولان حکومت اسلامی انجام گیرد و بدون اجازه آنها جایز نیست.^{۳۶۴}

۴. این فریضه دارای شرایطی است که بدون فراهم آمدن آنها، انجام دادن آن بر شخص واجب نیست بلکه در برخی موارد نیز حرام است.

ملاک وجوب امر به معروف

● پرسش ۱۶۴: از نظر شرعی امر به کدام یک از معروف‌ها و نهی از کدام یک از منکرها واجب است؟

آیات عظام امام، بهجت، مکارم، فاضل، خامنه‌ای و نوری: در واجبات و محرمات، امر و نهی واجب و در مستحبات و مکروهات، امر و نهی مستحب^{۳۶۵} است.

آیات عظام تبریزی، سیستانی، صافی و وحید: در واجبات و محرمات امر و نهی واجب و در مستحبات امر مستحب است.^{۳۶۶}

أوما أعمال البرُّ كلها و الجهاد فی سبیل اللّٰه عند الامر بالمعروف و النهی عن المنکر أأ کفئته فی بحر لّٰجی
“: نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۴۷۳.
طبق برخی فتاوا بنا بر احتیاط واجب است.

طریق امر به معروف

• پرسش ۱۶۵: امر به معروف لفظی و عملی به چند طریق انجام می‌شود؟

هر یک از امر به معروف لفظی و امر به معروف عملی به دو طریق است: مستقیم و غیر مستقیم. گاهی که می‌خواهید امر به معروف و نهی از منکر کنید، مستقیم وارد می‌شوید، حرف را مستقیم می‌زنید یعنی اگر می‌خواهید کسی را وادار به کاری کنید می‌گویید: من از جنابعالی خواهش می‌کنم فلان کار را انجام دهید. ولی یک وقت هم به طور غیر مستقیم به او تفهیم می‌کنید، که البته مؤثرتر و مفیدتر است یعنی بدون آنکه او بفهمد که شما دارید با او حرف می‌زنید، از کسی که فلان کار را کرده است تعریف می‌کنید، کار او را توجیه و تشریح می‌کنید، می‌گویید: فلان کس در فلان مورد چنین عمل کرده، این طور رفتار کرده، و تا او بداند و بفهمد. این، بهتر در او اثر می‌گذارد کما اینکه عمل هم به طور غیرمستقیم مؤثرتر است.^{۳۶۷}

شرائط امر به معروف

• پرسش ۱۶۶: امر به معروف و نهی از منکر چه شرایطی دارد و وظیفه در این مورد چیست؟

وظیفه در مواردی که شرایط امر به معروف و نهی از منکر جمع باشد همان امر به معروف است و شرایط آن به طور خلاصه عبارت است از:

(أ) الف) کسی که می‌خواهد امر و نهی کند بداند آنچه شخص مکلف به جا نمی‌آورد واجب است به جا آورد (مثل نماز) و آنچه به جا می‌آورد باید ترک کند (مثل قمار) و به عبارت دیگر کسی که امر و نهی می‌کند باید عالم به معروف و منکر باشد.

(ب) ب) احتمال بدهد که امر و نهی او در آن شخص تأثیر می‌کند پس اگر بداند تأثیر نمی‌کند. امر و نهی واجب نیست.

(ج) ج) بداند شخص معصیت‌کار بنا دارد که معصیت خود را تکرار کند. پس اگر بداند یا گمان کند یا احتمال صحیح بدهد که تکرار نمی‌کند واجب نیست او را نهی نماید.

(د) د) در امر و نهی مفسده‌ای نباشد. پس اگر بداند یا گمان کند که اگر امر یا نهی کند ضرر جانی یا آبرویی یا مالی قابل توجه به او می‌رسد واجب نیست امر به معروف نماید ولی اگر احتمال صحیح

بدهد که چنین ضررهایی به او می‌رسد واجب نیست بلکه اگر امر و نهی موجب ضررهای مذکور به یکی از متعلقان او یا یکی از مؤمنین بشود باز هم امر و نهی واجب نیست،^{۳۶۸}

چند بار تذکر

● پرسش ۱۶۷: در فریضه امر به معروف و نهی از منکر، آیا یک بار تذکر دادن کافی است، یا باید چندین بار تکرار کند؟
همه مراجع: اگر در تکرار تذکر، احتمال اثر می‌دهد، باید تکرار کند.^{۳۶۹}

امر به معروف و اهل منکر

● پرسش ۱۶۸: آیا کسی که خودش به معروف عمل نمی‌کند و مرتکب گناه می‌شود؛ حق دارد دیگران را امر و نهی کند؟
همه مراجع: آری، بر او هم واجب است که با تحقق شرایط، امر به معروف و نهی از منکر کند. البته باید بداند که اگر بخواهد سخنش در قلب دیگران جای گیرد و تأثیر بگذارد، با عمل و رفتار خود می‌تواند، به این هدف دست یابد.^{۳۷۰}

امر به معروف والدین

● پرسش ۱۶۹: اگر پدر و مادر انسان مرتکب گناه شوند، آیا نهی از منکر آنان بی‌احترامی محسوب نمی‌شود؟
همه مراجع: خیر، نهی از منکر آنان - با فراهم بودن شرایط آن - بر فرزند واجب است. البته سعی کند این کار را با سخن نرم و اخلاق نیک، انجام دهد و این امر، بی‌احترامی به آنان محسوب نمی‌شود و اگر تأثیر نکرد، وظیفه دیگری ندارد.^{۳۷۱}

مالی (درس بیست و پنجم)

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمُ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا كِتَابَ اللَّهِ وَ عَرَّتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ (وسائل الشيعة: ۲۷/۳۳)^أ

فلسفه حرمت ربا

● پرسش ۱۷۰: فلسفه حرمت ربا چیست؟

در حرمت ربا نصوص قطعی فراوانی وجود دارد؛ از جمله آیه شریفه “احل الله البيع و حرام الربا”^{۳۷۲}، پیرامون فلسفه تحریم ربا عمل و توجیهاات مختلفی نقل شده است؛ از جمله:

نظریه غزالی: وی معتقد است پول دارای ارزش ذاتی نیست؛ بلکه صرفاً نقش ابزاری در جهت تسهیل مبادله دارد و از همین رو خود نمی تواند مولد ثروت باشد، زیرا ثروت از کار تولید می شود. بنابراین ربا (سرمایه قرار دادن نفس پول و انتفاع از آن) به منزله استفاده از پول در غیر مجرای است که برای آن ایجاد و خلق شده است.

نظریه مارکس: وی رباخواری را استثمار اقتصادی خوانده است.

نظریه شهید مطهری: دقیق ترین نظریه را در این باره استاد مطهری ارائه کرده است. دیدگاه ایشان برخلاف غزالی، مبتنی بر ماهیت پول نیست؛ بلکه مبتنی بر ماهیت عقد و قرارداد قرض است. بنا بر دیدگاه شهید مطهری، پول نیز می تواند مولد ثروت باشد؛ یعنی، وقتی پول و کار با هم توأم شد، سود حاصله نتیجه ترکیب آن دو است، نه کار به تنهایی. بنابراین نمی توان نقش پول در تولید ثروت را نادیده گرفت؛ لیکن وقتی کسی پولی را به دیگری قرض داد، وام گیرنده مالک پول می شود و دین بر ذمه و عهده او است. از این رو اگر پول از بین برود، عین مال از بین رفته، ولی ذمه باقی است. بنابراین قرض گیرنده باید دین خود را ادا کند؛ زیرا چیزی که تلف شده، در ملک وام گیرنده

^أ پیامبر اسلام (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمودند: من در میان شما دو شیء سنگین برجای می گذارم که اگر به آنها تمسک کنید هیچ گاه گمراه نمی شوید: کتاب خداوند و عترتم، اعل بیتم و همانا آندو هیچ گاه از هم جدا نمی شوند تا این که بر حوض (کوثر) بر من وارد شوند.

بوده است، نه در ملک وام دهنده و این برخلاف مضاربه است. چون در مضاربه پول در ملک صاحب اولی آن است لذا می تواند در سود و ضرر آن شریک باشد. ولی در قرض چون وام دهنده مالک عین پول نیست، بنابراین در سود و زیان آن هم شرکت ندارد. پس اگر پول، سود کلانی به همراه آورد در ملک وام گیرنده، نما و منفعت داشته است و چون نما تابع عین است، بنابراین سود آن نیز مال مالک بالفعل آن خواهد بود. البته ذمه هیچ تغییری نمی کند؛ زیرا ذمه هیچ دفع در تولید ثروت ندارد و سود و زبانی به همراه نمی آورد. از این رو اگر وام دهنده چیزی اضافی طلب کند، در واقع چیزی را خواسته که هیچ مبنای حقوقی و توجیه اقتصادی ندارد.

حقیقت ربا

● پرسش ۱۷۱: از دیدگاه برخی از متخصصان و کارشناسان اقتصادی، بدهکار ضامن کاهش ارزش پول است و باید آن را جبران کند و این امر نزد آنان ربا محسوب نمی شود؛ آیا کارشناسی آنان، می تواند معیار قرار گیرد؟
همه مراجع: خیر، احکام شرعی بر محور موضوعاتی دور می زند که از عرف عام مردم گرفته شود. نظر برخی کارشناسان اقتصادی - هر چند محترم است - نمی تواند معیار احکام شرعی قرار گیرد.^{۳۷۳}
تبصره. برخی دیگر از کارشناسان معتقدند، برای کمک به تولید و رشد نیروی انسانی، باید به بدهکار فرصت بدهیم و از او سود نگیریم. حتی برخی معتقدند باید به تولید کنندگان یارانه نیز پرداخت شود.

ربای حلال!

● پرسش ۱۷۲: در چه مواردی گرفتن ربا جایز است؟
همه مراجع: ۱. ربا گرفتن مسلمان از کافر (که در پناه اسلام نیست)،
۲. ربا گرفتن پدر و فرزند از یکدیگر، ۳. ربا گرفتن زن و شوهر از یکدیگر.^{۳۷۴}
تبصره. طبق فتوای آیت الله تبریزی معامله ربوی با کافر نیز حرام است ولی مسلمان می تواند از او چیزی را به صورت ربا به قصد استنقاذ (تصرف مجاز) بگیرد.

راه حل ترک ربا

- پرسش ۱۷۳: اگر با سپردن پول به کسی، بخواهم در هر ماه درصد مشخصی از سود پول از او دریافت کنم؛ راه حل بدون ربا چیست؟
همه مراجع: اگر پول را به شخصی بدهید و هر ماه به طور مشخص سود بگیریید ربا و حرام است و برای دوری از ربا، چند راه وجود دارد:
- ۱. گیرنده پول را وکیل کنید تا با پول شما، کالایی بخرد و آن را به هر کس که بخواهد (هر چند به خودش)، به صورت نسیه بفروشد. در هر ماه مبلغ مشخصی (علی الحساب) به شما بدهد و در پایان باقی مانده را - که شامل اصل پول نیز می شود - به شما برگرداند.^{۳۷۵}
- ۲. او را وکیل کنید تا با پول شما کار حلال و مشروع نماید. هر چه سود به دست آید، به شما تعلق می گیرد و به او حق وکالت بدهید.
- ۳. با او عقد مضاربه انجام دهید به این ترتیب که سرمایه از شما و کار از او. سودی که حاصل می شود، بین هر دو - به نسبتی که در عقد قرار می گذارید - تقسیم می گردد. در مضاربه لازم است نسبت سهم، و درصد سود تعیین گردد. به عنوان مثال قرار می گذارند هر چه سود حاصل شد، مقداری از آن (نصف، یک سوم و) به مالک تعلق گیرد و مقداری از آن به عامل.^{۳۷۶}
- تبصره. در قرارداد وکالت، مضاربه و مانند آن، می توانید هر شرط مشروعی در ضمن آن قرار بدهید.

گلدکوئیست

- پرسش ۱۷۴: حکم شرکت در طرح تجاری "گلدکوئیست" و مانند آن چیست؟ و تکلیف پولی که از طریق معامله با شرکت گلدکوئیست و مانند آن به دست آمده چه می باشد؟
همه مراجع: شرکت و عضو شدن در هر نوع بازاریابی شبکه ای که به صورت هرمی مانند و بی انتهاست، جایز نیست.^{۳۷۷}
- اما تکلیف پول
همه مراجع: اگر صاحبان اصلی پول را می شناسد، باید به آنها برگرداند و در غیر این صورت، از طرف آنان - با اجازه مجتهد جامع شرایط - به فقیر صدقه بدهد.^{۳۷۸}

تبصره. آیات عظام (تبریزی، خامنه‌ای، سیستانی، فاضل، مکارم و وحید) کسب اجازه از مجتهد جامع شرایط را احتیاط واجب می‌دانند.

فروش چک

● پرسش ۱۷۵: فروش مبلغ چک مدت دار به صورت نقد با قیمت کمتر، چه حکمی دارد؟

آیات عظام امام و خامنه‌ای: فروش آن از سوی طلبکار، به بدهکار اشکال ندارد ولی فروش آن به شخص سوم صحیح نیست.^{۳۷۹}

آیات عظام تبریزی، سیستانی، فاضل، مکارم و نوری: اگر فروشنده چک، مبلغ آن را از صادر کننده چک، طلبکار باشد فروش آن (به بدهکار یا شخص دیگر) به قیمت کمتر و به صورت نقد، اشکال ندارد.^{۳۸۰}

آیت‌الله وحید: بنابر احتیاط واجب، جایز نیست.^{۳۸۱}
آیت‌الله بهجت: اگر فروشنده چک، مبلغ آن را از صادر کننده چک، طلبکار باشد فروش آن به مبلغ کمتر، در صورتی جایز است که در مابالتفاوت، معامله شرعی انجام گیرد و در ضمن آن، شرط قرض (به مبلغ فروش چک) شود.^{۳۸۲}

تبصره. با توجه به اینکه آیت‌الله بهجت رجوع به مرجع مساوی را جایز می‌دانند، مقلدان ایشان می‌توانند به مرجع تقلید مساوی با او رجوع کنند که فتوا به جواز فروش چک داده‌اند.

جائزه بانک

● پرسش ۱۷۶: سپردن پول به حساب قرض الحسنه بانک‌ها و یا مؤسسات خصوصی، به قصد دریافت جوایز (بدون شرط شرکت در قرعه کشی)، چه حکمی دارد؟

همه مراجع: اشکال ندارد.^{۳۸۳}

تبصره ۱. بین انگیزه و شرط تفاوت هست. بنابراین اگر پول را به انگیزه شرکت در قرعه کشی پس انداز کند، اشکال ندارد و آنچه که اکنون در بانک‌ها و مؤسسه‌های خصوصی رایج است، به همین صورت است.

تبصره ۲. از نظر آیت‌الله سیستانی، مشتریان می‌توانند جایزه را بگیرند ولی نصف آن را به فقیر متدین بدهند.

اخلاقی (درس بیست و ششم)

وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٌ وَلَا تُنْهَرُهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا
(الإسراء: ۲۳)أ

غیبت

● پرسش ۱۷۷: غیبت چیست و در چه مواردی جایز است؟
غیبت عبارت است از بدگویی و پرده‌داری نسبت به حیثیت و آبروی افراد، به گونه‌ای که وقتی به گوششان برسد ناراحت شوند ولی غیبت در موارد خاصی جایز شمرده شده است از جمله:

أ) الف) در مقام مشورت نظیر ازدواج،
ب) ب) طرف متجاهر به فسق باشد یعنی، هیچ گونه پروایی نداشتنه باشد که علناً به گناه و معصیتی دست بزند، که در خصوص گناه علنی او غیبت جایز است.

أ و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را مپرسید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو، در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنها [حتی] «اوف» مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی.

ج) ممکن است فردی را برای سمتی نظیر نمایندگی یا ریاست قسمتی خاص، نامزد نموده و مورد بحث قرار دهند. در اینجا انسان می‌تواند اگر نقطه ضعفی را اطلاع دارد که خدای ناخواسته با پیدا کردن آن سمت، به اسلام و انقلاب ضربه می‌زند، به مسؤولین گوشزد کند،

د) فرض بفرمایید بیماری است که نمی‌خواهد بعضی از اسرارش نزد طبیب فاش شود و از طرفی چاره‌ای نیست و طبیب برای معالجه باید بداند. در اینجا نیز می‌توان علی‌رغم خواست بیمار، پزشک معالج او را در جریان امر قرار داد. غیبت نسبت به گناهان پنهانی جایز نیست و در نتیجه اگر شخص مبتلا به ارتکاب گناهی است که دیگران از آن خبر ندارند، ذکر آن گناه حرام است. بلی اگر در مورد خاصی احتمال منحرف شدن شخصی در اثر هم‌نشینی و عدم اطلاع از مفاسد وی وجود دارد، می‌توانیم شخص مورد نظر را از معاشرت با آن گنه‌کار منع کنیم. در این راستا باید کمال احتیاط را رعایت نمود یعنی، در مرحله اول تنها می‌توانیم بگوییم که “این معاشرت به صلاح شما نیست” و حق بازگو کردن معایب و گناهان آن شخص را نداریم، پس باید این کار را مرحله به مرحله و به صورت تدریجی انجام دهیم.

توبه غیبت

● پرسش ۱۸۰: کسی که از شخصی غیبت کرده یا شنیده است، آیا باید رضایت فرد غیبت شده را به دست آورد؟
همه مراجع: خیر، کسب رضایت او واجب نیست ولی باید از این گناه توبه کند.^{۳۸۴}

مجلس غیبت

● پرسش ۱۷۹: در مجلسی که غیبت می‌کنند، تکلیف ما چیست؟ آیا باید امر به معروف و نهی از منکر کنیم یا نه؟ شرایط چیست؟
امر به معروف و نهی از منکر در جایی است که طرف می‌داند گناه می‌کند و اگر نداند که گناه مینماید وظیفه ما “ارشاد جاهل” یعنی بیان حکم الهی است. اما این که در مجالس گناه مانند غیبت چه باید کرد بستگی به شرایط دارد یعنی اگر می‌توانیم باید جلوی گناه را بگیریم و اگر نمی‌توانیم باید حتی

الامکان از آن خارج گردیم. جهت اطلاع از شرایط و نحوه انجام امر به معروف و نهی از منکر به اواخر توضیح المسائل حضرت امام خمینی "ره" (بحث شرایط امر به معروف و نهی از منکر) مراجعه نمایید.

دروغ و توریه

● پرسش ۱۸۰: تفاوت بین دروغ و توریه و دروغ مصلحتی چیست و بر اساس چه ملاکی می‌توان گفت سخنی توریه است نه دروغ؟

توریه این است که انسان بدون این که دروغ بگوید، به گونه‌ای حرف بزند که طرف مقابل برداشت دیگری کند. نقل است یکی از اهل سنت از شیعه‌ای پرسید جانشین بعد از پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) کیست؟ شیعه جواب دادند کسی که دخترش در خانه او است. آن شخص تصور کرد که ابوبکر را می‌گوید چون دخترش عایشه زن پیامبر بود. از این رو آزاری به شخص شیعه نرساند در حالی که منظور او امیرالمؤمنین (علیه السلام) بود.

استفاده از توریه در موردی که گفتن سخن راست برای انسان یا مؤمنی ایجاد مزاحمت کند، مانعی ندارد.

دروغ مصلحتی تنها در صورتی جایز است که موضوع بسیار با اهمیتی مانند: حفظ جان مؤمن، حفظ آبروی مؤمن، دفع فتنه و فساد و دفع ضرر بدنی و مالی در برابر ظالم یا اصلاح بین دو نفر باشد.

در چنین مواردی دروغ مجاز شمرده شده است، گرچه در همین موارد نیز بهتر است توریه کند (یعنی به گونه‌ای بگوید که دروغ نگفته باشد).

دروغ به لحاظ اخلاقی از بزرگترین گناهان است و به لحاظ شرعی از حرام های مسلم شریعت است، زیرا کلید تمامی بدی ها و سرمنشأ همه شرها است. امام حسن عسکری در این زمینه در طی روایت فرموده است: تمام خباثت ها در خانه ای قرار دارد و کلیه آن خانه، دروغ است.^{۳۸۵}

دروغ آدمی را از جرگه اهل ایمان خارج و در زمره اهل کفر و نفاق وارد می نماید و بازتاب سوء فراوان بر نفس، روح و شخصیت انسان دارد. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: دروغ همانا باعث خرابی ایمان می شود و قرآن کریم فرموده است: تنها کسانی دروغ می گویند که ایمان ندارند (نحل، آیه ۱۰۵) و نیز در آیه دیگری فرموده است: دل های ایشان دچار بیماری نفاق می شود تا روزی که او را ملاقات نمایند، به خاطر خلف وعده با خداوند و به خاطر دروغ گویی (توبه، آیه ۷۸).

دروغ با انگیزه های فراوان همچون دشمن، حسادت، تأمین منافع دنیوی، طمع و یا عادت انجام می شود، ولی مهمترین عامل آن ضعف نفسانی است، به عبارت دیگر دروغ کار آدم های ضعیف و ترسو است و انسان قوی و شجاع دروغ نمی گوید زیرا که نیازی به استفاده از این روش غلط ندارد. فلسفه و حکمتی که باعث می شود برخی از اقسام دروغ جایز شمرده شود، وجود مصلحت برتری، همچون حفظ منافع معنوی مؤمنین، سلامت و امنیت جامعه ایمانی و خانواده است که در آن موارد بر مفسده دروغ گویی ترجیح می یابد.

صله رحم

● پرسش ۱۸۱: صله رحم با فامیل در حالی که مسائل شرعی را رعایت نمی کنند چگونه است؟

رحم از واجبات اخلاقی و اموری است که تاکید فراوان بر آن شده و حتی تارک آن ملعون شمرده شده است. صله رحم با اشخاصی که تارک نماز بوده و یا اهل فسق و فجور هستند در حد دید و بازدید اشکالی ندارد مشروط بر آنکه این رفت و آمد موجب تقویت و تایید اعمال آنها نشود. در مورد کسی که خمس و زکات نمی دهد نیز رفت و آمد اشکالی ندارد. خصوصاً اگر این رفت و آمدها در جهت اصلاح و تبلیغ مسائل شرعی باشد. گذشته از اینها تا آنجا که خلاف شرعی در کار نباشد جلب رضایت والدین از اهم و بلکه در مواردی واجب است.

خروج از خانه

● پرسش ۱۸۲: اگر مرد به همسرش بگوید حق رفت و آمد با مادر و خواهر و... را نداری؛ آیا زن می تواند آنان را به منزلش دعوت کند؟ همه مراجع: اگر خانه ملک شوهر باشد، زن حق ندارد بدون اجازه او، آنان را به منزل دعوت کند ولی اگر خانه و اثاثیه آن ملک زن باشد، اجازه او لازم نیست.^{۲۸۶}

تحقق صله رحم

● پرسش ۱۸۳: صله رحم به چه چیز تحقق می یابد؟ آیا رفت و آمد با خویشاوندان واجب است؟

همه مراجع: صله رحم، منحصر به رفت و آمد با خویشاوندان نیست بلکه این عمل با هدیه دادن، میهمانی کردن، پیغام فرستادن، تماس تلفنی، سلام کردن و نیز تحقق می‌یابد. پس همین اندازه که قطع رحم نشود، کافی است.^{۳۸۷}

تفریحی (درس بیست و هفتم)

إِنَّ الْمُبَدَّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا (الإسراء: ۲۷) أ

آلات قمار

- پرسش ۱۸۴: اگر بعضی از وسیله‌های بازی، در شهری از آلات قمار محسوب شود؛ ولی در شهر دیگر این طور نباشد، آیا بازی با آنها جایز است؟ آیات عظام امام، بهجت، تبریزی، صافی، نوری و وحید: اگر تنها در بعضی شهرها نیز از آلات قمار محسوب شود، بازی با آن جایز نیست.^{۳۸۸}
- آیت‌الله خامنه‌ای: اگر این وسیله‌ها در یکی از دو شهر، از آلات قمار محسوب شود و در گذشته نیز در هر دو مکان از آلات قمار بوده، بازی با آنها حرام است.^{۳۸۹}
- آیات عظام سیستانی، فاضل و مکارم: اگر در عرف محل (شهر) از آلات قمار محسوب شود، بازی با آن جایز نیست و در غیر این صورت اشکال ندارد.^{۳۹۰}

ا چرا که اسرافکاران برادران شیطان‌نمایند، و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است.

قمار با کا مییوتر

● پرسش ۱۸۵: بازی با آلات قمار، به صورت تک نفره با رایانه چه حکمی دارد؟

همه مراجع (به جز آیات عظام بهجت و سیستانی): بازی با آلات قمار جایز نیست خواه طرف مقابل، شخص باشد یا رایانه.^{۳۹۱}
آیات عظام بهجت و سیستانی: بنابر احتیاط واجب جایز نیست.^{۳۹۲}

شرط بندی

● پرسش ۱۸۶: آیا هر بازی که در آن برد و باخت و شرط بندی انجام گیرد، حرام است؟
همه مراجع: هر نوع بازی که به صورت برد و باخت و شرط بندی باشد، حرام است مگر در مسابقه تیراندازی و اسب سواری.^{۳۹۳}

رقص برای همسر

● پرسش ۱۸۷: آیا رقص زن برای شوهرش یا مرد برای همسرش جایز است؟

آیات عظام امام خمینی، وحید، سیستانی، تبریزی و خامنه‌ای: آری، رقص زن برای شوهر و بر عکس آن جایز است.^{۳۹۴}
آیات عظام فاضل، صافی، نوری، مکارم: تنها رقص زن برای شوهر جایز است.^{۳۹۵}

آیت الله بهجت: بنابر احتیاط واجب رقص زن و شوهر برای یکدیگر جایز نیست.^{۳۹۶}

تبصره: فرض مسئله جایی است که زن و شوهر برای یکدیگر در خلوت برقصند و کس دیگری نباشد و نیز حرام دیگری مرتکب نشوند (مانند گوش دادن به موسیقی حرام و مانند آن)

تبصره: کسانی که فرموده‌اند رقص مرد برای همسرش جایز است متذکر شده‌اند که هر چند این کار حرام نیست ولی برای مؤمن سزاوار است از آن اجتناب کند.

رقص برای نامحرم

● پرسش ۱۸۸: رقص زن برای محرم چه صورتی است؟

آیات عظام فاضل، نوری، وحید، بهجت، سیستانی: بنابر احتیاط واجب زن نمی‌تواند برای محارم خود برقصد.^{۳۹۷}
آیات عظام تبریزی، صافی، مکارم: رقص زن برای مردان حرام است، خواه محرم باشند یا نامحرم.^{۳۹۸}
آیت الله خامنه‌ای، امام خمینی: اگر باعث تحریک شهوت یا ارتکاب گناه و یا ترتب مفسده شود، حرام است و در غیر اینصورت اشکال ندارد.^{۳۹۹}

رقص مرد

● پرسش ۱۸۹: حکم رقص مرد برای مرد را بیان کنید.
آیات عظام بهجت، فاضل، نوری، وحید، سیستانی: بنابر احتیاط واجب رقص مرد در حضور مردان جایز نیست.^{۴۰۰}
آیات عظام تبریزی، خامنه‌ای، امام خمینی: اگر باعث تحریک شهوت یا ارتکاب گناه و یا ترتب مفسده نشود اشکال ندارد (ولی برای مؤمن سزاوار است که از لهو اجتناب نماید)^{۴۰۱}
آیت الله صافی، آیت الله مکارم: رقص مرد در حضور مردان حرام است.^{۴۰۲}

رقص محلی

● پرسش ۱۹۰: رقص محلی و سنتی چه حکمی دارد؟
همه مراجع: تفاوتی میان انواع رقص‌ها در حکم نیست.^{۴۰۳}

مسائل متفرقه (۱) (درس بیست و هشتم)

قال الامام علی (علیه السلام): لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ بِلَا تَقُلْ كُلَّ مَا تَعْلَمُ فَإِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَيَّ جَوَارِحَ كُلِّهَا فَرَأَيْضَ يَحْتَجُّ بِهَا عَلَيْكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ (نهج البلاغه: حکمت: ۳۸۲)^۴

تراشیدن ریش

● پرسش ۱۹۱: تراشیدن ریش تمام صورت، با ماشین یا تیغ چه حکمی دارد؟

همه مراجع (به جز آیات عظام بهجت و صافی): تراشیدن ریش - خواه با تیغ باشد یا ماشین - بنا بر احتیاط واجب حرام است.^{۴۰۴}
 آیات عظام بهجت و صافی: تراشیدن ریش حرام است.^{۴۰۵}

ریش پرفسوری

● پرسش ۱۹۲: آیا گذاشتن ریش پرفسوری کفایت می‌کند؟
 همه مراجع (به جز آیات عظام تبریزی و مکارم): خیر، کفایت نمی‌کند و حکم تراشیدن تمام آن را دارد.^{۴۰۶}

امام علی (علیه السلام) فرمودند: آنچه را نمی‌دانی نگو بلکه همه آنچه را هم که می‌دانی نگو زیرا خداوند فرائضی را بر اعضاات واجب نموده است که آنها را روز قیامت مورد احتیاج و بازخواست قرار می‌دهد.

آیات عظام تبریزی و مکارم: اگر چانه و اطراف آن (یک چهارم صورت) تراشیده نشود، به طوری که در وقت مواجهه صدق ریش کند، کفایت می‌کند.^{۴۰۷}

ریش تراشی برای شرم!

● پرسش ۱۹۳: اگر انسان برای اینکه توهین مردم را نشنود، ریشش را بزند؛ چه حکمی دارد؟
همه مراجع: گذاشتن ریش برای مسلمانی که به دینش اهمیت می‌دهد، باعث خواری و سرشکستگی نیست و با مسخره کردن دیگران، احکام الهی عوض نمی‌شود مگر آنکه باعث حرج بشود و تحمل آن غیر ممکن باشد.^{۴۰۸}

رایت با خسارت

● پرسش ۱۹۴: اگر از راه کپی یا تکثیر نرم افزار، خسارتی به تولید کننده وارد آید، آیا موجب ضمان است؟
آیات عظام امام، تبریزی و سیستانی: خیر، ضمان نمی‌آورد.^{۴۰۹}
آیات عظام بهجت، خامنه‌ای، فاضل، مکارم و نوری: آری، باید خسارت جبران شود.^{۴۱۰}
آیت‌الله وحید: بنابر احتیاط واجب، ضمان می‌آورد ولی باید توجه داشت که سود نبردن، خسارت و ضرر شمرده نمی‌شود.^{۴۱۱}
آیت‌الله صافی: اگر خسارتی وارد آید، ضمان می‌آورد ولی باید توجه داشت که سود نبردن، خسارت و ضرر شمرده نمی‌شود.^{۴۱۲}

نرم افزارهای قفل شکسته

● پرسش ۱۹۵: تکثیر نرم‌افزارهایی که قبلاً توسط فرد یا افراد دیگری قفل آنها شکسته شده و در بازار به صورت معمول رایج و توزیع می‌شوند، چه حکمی دارد؟
آیات عظام امام، تبریزی، سیستانی و صافی: تفاوتی بین آن دو در حکم نیست.^{۴۱۳} در هر صورت اشکالی ندارد.
آیات عظام بهجت، خامنه‌ای و وحید: تفاوتی بین شکستن قفل نرم افزار و تکثیر نرم‌افزار - که قفل آن توسط دیگران شکسته شده - نیست. و در هر دو صورت بنابر احتیاط واجب تصرف و تکثیر آن جایز نیست.^{۴۱۴}

آیات عظام مکارم، نوری و فاضل: تفاوتی بین شکستن قفل نرم افزار و تکثیر نرم افزاری- که قفل آن توسط دیگران شکسته شده- نیست و در هر صورت، تصرف و تکثیر آن جایز نیست.^{۴۱۵}

نرم افزارهای خارجی

● پرسش ۱۹۶: آیا در حکم تکثیر نرم افزار تفاوتی بین تولید داخل و خارج وجود دارد؟
آیات عظام امام، تبریزی، سیستانی، صافی و وحید: تفاوتی بین تولید داخل و خارج در حکم نمی‌کند.^{۴۱۶}
آیت‌الله خامنه‌ای: اگر تولید داخل باشد، بنابر احتیاط واجب اجازه تولید کننده شرط است و اگر تولید خارج باشد، تابع قرارداد است.^{۴۱۷}
آیت‌الله مکارم: تفاوتی بین تولید داخل و خارج نمی‌کند مگر آنکه تولید آمریکا یا اسرائیل باشد.^{۴۱۸}
آیت‌الله وحید: تفاوتی بین تولید داخل و خارج در حکم نمی‌کند.^{۴۱۹}

رضایت صاحب نرم افزار

● پرسش ۱۹۷: اگر ندانیم که تولید کننده نرم افزار، به کپی و تکثیر و استفاده آن رضایت ندارد، تکلیف چیست؟
آیات عظام امام، تبریزی، سیستانی و صافی: تکثیر و استفاده از آن اشکال ندارد.^{۴۲۰}
آیات عظام بهجت، خامنه‌ای و وحید: بنابر احتیاط واجب باید رضایت و اجازه تولید کننده احراز و کسب گردد.^{۴۲۱}
آیات عظام مکارم، فاضل و نوری: حق نشر و کپی رایت برای مؤلف و تولید کننده است و باید رضایت و اجازه تولید کننده، احراز و کسب گردد.^{۴۲۲}

مسائل متفرقه (۲) (درس بیست و نهم)

وَ قُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَ اجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا (الإسراء: ۸۰) ^أ

تقلب در امتحان

- پرسش ۱۹۸: حکم تقلب در امتحان چیست؟
همه مراجع: تقلب در امتحان جایز نیست. ^{۴۲۳}

تقلب در استخدام

- پرسش ۱۹۹: تقلب در آزمون‌هایی که جهت استخدام در مشاغل صورت می‌گیرد، در دستمزدها و حقوق‌هایی که افراد بعد از تصدی شغل مربوطه دریافت می‌کنند، ایجاد شبهه می‌کند یا نه؟
همه مراجع (به جز آیت‌الله وحید): اگر تخصص و مهارت لازم را برای آن کار دارد و مقررات پس از استخدام نیز رعایت شده است حقوقی که دریافت می‌کند، اشکال ندارد. ^{۴۲۴}
آیت‌الله وحید: استفاده از مزایای آن نهاد، جایز نیست. ^{۴۲۵}

أ و بگو: «پروردگارا، مرا [در هر کاری] به طرز درست داخل کن و به طرز درست خارج ساز، و از جانب خود برای من تسلطی یاری‌بخش قرار ده.»

نقاشی

● پرسش ۲۰۰: چرا کشیدن اشکالی که روح دارند اشکال دارد؟ علت آن چیست؟

بنا بر فتوای حضرت آیت الله بهجت؛ ساختن مجسمه موجودات جان دار حرام است، اما نگهداری آن برای مقاصد غیرحرام بنا بر اظهر جایز است و نیز معامله به همین مقصود مانعی ندارد، اگر چه احتیاط مستحب در ترک آن است و نقاشی موجودات جان دار بنا بر اظهر حرام نیست، اگر چه احتیاط در ناقص یا جدا کشیدن آن است،^{۴۲۶} علت آن هم روایاتی است که در این خصوص از معصومین (علیه السلام) رسیده است. از آن جمله امام باقر (علیه السلام) فرموده اند: "اول من صور صوره علی مثال آدم (علیه السلام) لیفتن به الناس و یضلمهم عن عبادۀ الله تعالی؛ اولین کسی که دست به تصویر زد مجسمه حضرت آدم را ساخت تا مردم را دچار شرک و گمراهی کند و از عبادت خدا بازدارد"،^{۴۲۷} و در روایت دیگر می خوانیم: "انا معاشر الملائکة لا ندخل بیتا فیه کلب ولا تمثال جسد؛ ما گروه فرشتگان داخل خانه ای که در آن سگ یا مجسمه باشد نمی شویم"،^{۴۲۸} از مجموعه روایات بدست می آید آنچه موجب نکوهش مجسمه سازی شده، فراهم سازی زمینه بت پرستی و غفلت از عبادت خدا و یا ادعای خالقیت و هموردی با خدا و دلایلی دیگر از این قبیل که از جهت فرهنگی موجب تخدیر افکار و انحراف اذهان از علم و معنویت می شود و از جهت اقتصادی موجب اسراف و تبذیر و صرف هزینه و امکانات در موارد بی فایده و حتی مضر می شود. به هر میزان آسیب های فوق نمایان تر باشد حکم مشهور فقها به حرمت نزدیک تر می شود از این رو درباره بت تراشی به آسانی حکم بر حرمت می دهند تا برسد به نقاشی که در برخی موارد حکم بر کراهت و یا احتیاط در ترک می دهند و فلسفه این احکام چیزی جز راهنمایی به سوی علم و معنویت و انتخاب روش برتر در زندگی نیست.

ساختن مجسمه

● پرسش ۲۰۱: ساختن مجسمه انسان یا حیوان، به صورت نیم تنه و یا برجسته روی دیوار چه حکمی دارد؟

آیات عظام امام، بهجت، سیستانی، فاضل، مکارم و وحید: تفاوتی بین مجسمه کامل و ناقص نیست و هر دو اشکال دارد.^{۴۲۹}

آیات عظام تیریزی، خامنه‌ای و صافی: ساختن مجسمه آنها به صورت ناقص، اشکال ندارد.^{۴۳۰}

آیت‌الله نوری: ساختن مجسمه در صورتی که برای هدف عقلایی باشد و اسراف محسوب نشود، جایز است و در این امر، تفاوتی بین مجسمه کامل و ناقص نیست.^{۴۳۱}

خرید و فروش مجسمه

• پرسش ۲۰۲: حکم خرید و فروش و نگه داری مجسمه جاندار چیست؟ همه مراجع (به جز آیات عظام صافی و مکارم): خرید و فروش و نگه داری آن اشکال ندارد.^{۴۳۲}

آیت‌الله مکارم: خرید و فروش آن اشکال دارد و سزاوار آن است که از نگه داری آن، خودداری شود.^{۴۳۳}
آیت‌الله صافی: بنابر احتیاط واجب، خرید و فروش و نگه داری آن، جایز نیست.^{۴۳۴}

اختلاف در تعیین عید

• پرسش ۲۰۳: علت اختلاف علما در تعیین روز عید فطر چیست؟ این اختلاف به دو علت است:

۱. اختلاف در مبنا مثلاً برخی از مراجع اختلاف افق را قبول ندارند، بنابراین در صورتی که مثلاً در عربستان ماه دیده شود، بنا بر فتوای آنان در همه جا عید است.

۲. اختلاف در ثبوت هلال مسأله ممکن است معتمدان در شهر خاصی ماه را مشاهده کرده و به مرجع خاصی اطلاع داده‌اند به طوری که برای او بینه شرعی حاصل شود ولی به مرجع دیگری اطلاع داده نشود، لاجرم برای او بینه حاصل نشده و نمی‌تواند حکم به حلول ماه کند.

راه های تعیین عید

• پرسش ۲۰۴: راه‌های ثبوت اول ماه را به طور مختصر بیان کنید؟ اول ماه از چند راه ثابت می‌شود:

۱. خود انسان ماه را ببیند

۲. دو مرد عادل شهادت بدهند که ماه را دیده‌اند
 ۳. عده‌ای که از گفته آنان یقین پیدا می‌شود، بگویند ماه را دیده‌اند
 ۴. سی روز از اول ماه شعبان بگذرد
 ۵. حاکم شرع (مجتهد جامع شرایط) حکم کند که اول ماه است.^{۴۳۵}
- تبصره. آیت الله سیستانی و آیت الله وحید معتقدند با حکم حاکم اول ماه ثابت نمی‌شود.

مسائل متفرقه (۳) (درس سی ام)

قال الامام الباقر (عليه السلام): إِنَّ الرَّجُلَ لَيَصْدُقُ حَتَّى يَكْتُبَهُ اللَّهُ صِدِّيقاً
(الكافي: ۲/۱۰۵)أ

حق الناس

● پرسش ۲۰۵: درباره حق الناس و حقوق مالی توضیح دهید؟
«إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُوَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا»^{۴۳۶} «خدا به شما فرمان می‌دهد که سپرده‌ها را به صاحبان آنها رد کنید».
احکام و مسائل مربوط به حق الناس دو قسم است:

۱. امور مالی (مانند بدهی، مظالم، خمس، زکات و ...).
 ۲. امور غیرمالی (مانند غیبت، تهمت، هتک حرمت و ...).
- آنچه در این بخش بیان می‌شود، احکام و مسائل قسم اول است. حقوق مالی در اسلام از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و باید در رعایت این حقوق، بسیار دقت کرد چه اینکه اگر اندکی از مال دیگران تضییع گردد و وی راضی نشود به هیچ وجه با توبه و پشیمانی پاک نمی‌گردد امام صادق علیه السلام

أمام باقر (عليه السلام) فرمودند: انسان همچنان راست می‌گوید تا این که خداوند او را از «صدیقین» قرار می‌دهد.

می‌فرماید: «اولین قطره خون شهید، کفاره گناهان او است مگر بدهکاری که کفاره آن ادای آن است».^{۴۳۷}

رد مظالم

• پرسش ۲۰۶: در دوران کودکی، پولی از کسی برداشته‌ام و نمی‌توانم آن را به او بگویم، وظیفه‌ام چیست؟ آیا می‌توانم از طرف او صدقه بدهم؟ همه مراجع: باید به هر طریقی که ممکن است، پول را به او برسانید و لازم نیست بگویید بابت چه چیز است و حتی می‌توانید به وسیله شخص دیگری، به او برسانید و یا به حساب بانکی او واریز کنید. صدقه دادن کفایت نمی‌کند.^{۴۳۸}

کفش دیگری

• پرسش ۲۰۷: اگر کفش هم اتاقی خود را بدون رضایت او بپوشد و با آن وضو بگیرد؛ چه حکمی دارد؟ همه مراجع: اگر اطمینان به رضایت دارد، اشکال ندارد و اگر بدون رضایت او این کار را انجام دهد، گناه کرده ولی وضویش صحیح است.^{۴۳۹}

رشوه

• پرسش ۲۰۸: دادن رشوه برای حل مشکل اداری و تسریع در کار، چه حکمی دارد؟ آیات عظام امام، بهجت، خامنه‌ای، صافی، فاضل، مکارم و نوری: پرداخت پول یا اموالی، از سوی مراجعه کننده، به کارمندان اداره‌ها- که وظیفه ارائه خدمات به مردم را دارند- منجر به فساد اداره‌ها خواهد شد که از نظر شرعی حرام است. گرفتن آن بر دریافت کننده نیز حرام است و حق تصرف در آن را ندارد.^{۴۴۰}

آیات عظام تبریزی، سیستانی و وحید: رشوه دادن در غیر باب قضاء، برای گرفتن حق جایز است ولی گرفتن آن بر کسی که وظیفه‌اش ارائه کار و خدمت است، جایز نیست.^{۴۴۱}

ظرف طلا و نقره

• پرسش ۲۰۹: آیا استفاده از ظرف‌های طلا و نقره جایز است؟

آیات عظام امام خمینی، بهجت و خامنه‌ای: نگه داری و بکارگیری آنها در زینت اطلاق اشکال ندارد ولی استفاده‌های دیگر مانند خوردن و آشامیدن از آنها حرام است.^{۴۴۲}

آیت الله تبریزی و آیت الله سیستانی: خوردن و آشامیدن از ظرف‌های طلا و نقره حرام است و بنابر احتیاط واجب، هرگونه استفاده دیگر نیز جایز نیست ولی نگه داری و یا بکارگیری آنها در زینت اطلاق و مانند آن اشکال ندارد.^{۴۴۳}

آیت الله وحید: خوردن و آشامیدن از ظرف‌های طلا و نقره حرام است و بنابر احتیاط واجب، هرگونه استفاده دیگر، هر چند بکارگیری آن در زینت اطلاق نیز جایز نیست ولی نگه داری آنها اشکال ندارد.^{۴۴۴}

آیت الله فاضل: نگه داری آنها اشکال ندارد ولی استفاده‌های دیگر مانند خوردن و آشامیدن و حتی بکارگیری آنها در زینت اطلاق حرام است.^{۴۴۵}

آیت الله صافی و آیت الله مکارم: خوردن و آشامیدن از ظرف‌های طلا و نقره حرام است و بنابر احتیاط واجب، هرگونه استفاده دیگر، حتی نگه داری آنها نیز جایز نیست.^{۴۴۶}

آیت الله نوری: خوردن و آشامیدن از ظرف‌های طلا و نقره و هرگونه استفاده دیگر، حتی نگه داری آنها نیز حرام است.^{۴۴۷}

بیمه دیگران

• پرسش ۲۱۰: آیا استفاده از بیمه دیگران، جایز است؟
همه مراجع: استفاده از دفترچه بیمه دیگری، برخلاف مقررات و موجب ضمان استفاده کننده است.^{۴۴۸}

جهاد

• پرسش ۲۱۱: جهاد در فقه شیعه بر چند قسم است؟
جهاد در چند مورد است. یک مورد، جهاد ابتدایی است، یعنی جهاد برمبنای اینکه اگر دیگران غیرمسلمان باشند و مخصوصاً اگر مشرک باشند، اسلام اجازه می‌دهد که مسلمین ولو اینکه سابقهٔ عداوت و دشمنی هم با آنها نداشته باشند به آنها حمله کنند برای ازبین بردن شرک. شرط این نوع جهاد این است که افراد مجاهد باید بالغ و عاقل و آزاد باشند و انحصاراً بر مردها واجب است نه برزنه‌ها. و در این نوع جهاد است که اذن امام یا منصوب خاص امام شرط

است. از نظر فقه شیعه این نوع جهاد جز در زمان حضور امام یا کسی که شخصاً از ناحیه امام منصوب شده باشد جایز نیست.

مورد دوم جهاد، آن جایی است که حوزه اسلام مورد حمله دشمن قرار گرفته یعنی جنبه دفاع دارد، به این معنا که دشمن یا قصد دارد بر بلاد اسلامی استیلا پیدا کند و همه یا قسمتی از سرزمینهای اسلامی را اشغال کند، یا قصد استیلای بر زمینها را ندارد، قصد استیلای بر افراد را دارد و می خواهد بیاید یک عده افراد را اسیر کند و ببرد، یا حمله کرده و می خواهد اموال مسلمین را به شکلی برآید. و یا می خواهد به حریم و حرم مسلمین، به نوامیس مسلمین، به اولاد و ذریه مسلمین تجاوز کند. در اینجا برعموم مسلمین اعم از زن و مرد و آزاد و غیر آزاد واجب است که در این جهاد شرکت کنند و در این جهاد اذن امام یا منصوب از ناحیه امام شرط نیست.

نوع سوم هم نظیر جهاد است ولی جهاد عمومی نیست جهاد خصوصی است و آن این است که اگر فردی در قلمرو اسلام نباشد، در قلمرو کفار باشد و آن محیطی که او در قلمرو آن است مورد هجوم یک دسته دیگر از کفار قرار بگیرد به طوری که خطر تلف شدن او نیز که در میان آنهاست وجود داشته باشد یک آدمی که اساساً جزء آنها نیست در اینجا چه وظیفه ای دارد؟ وظیفه دارد که جان خودش را به هر شکل هست حفظ کند، و اگر بداند که حفظ جانش موقوف به این است که عملاً باید وارد جنگ شود و اگر نشود جاننش در خطر است، نه برای همدردی با آن محیطی که در آنجا هست بلکه برای حفظ جان خودش، باید بجنگد و اگر کشته شد اجرش مانند اجر شهید است.

دو مورد دیگر هم داریم. یک مورد را اصطلاحاً می گویند: "قتال اهل بغی". مقصود این است: اگر در میان مسلمین جنگ داخلی در بگیرد و یک طایفه خواهد نسبت به طایفه دیگر زور بگوید، اینجا وظیفه سایر مسلمین در درجه اول این است که میان اینها صلح برقرار کنند.

یکی دیگر از موارد که در آن تا اندازه ای میان فقها اختلاف است مسئله قیام خونین برای امر به معروف و نهی از منکر است. آن هم یک مرحله و یک مرتبه است.^{۴۴۹}

آدرسها

- ۱ وسائل الشیعة، (کتاب القضاء)، باب ۹، ح ۱.
- ۲ آیت الله خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، س ۲۵ توضیح المسائل مراجع، م ۳ آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۳ و آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۳.
- ۳ آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۲، س ۱۱ و ج ۱، س ۴ امام، استفتاءات، ج ۱، س ۸ و ۹ آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۱۱ آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۴۲ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۱ و ۱۲ آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۱۳ و ۱۴، آیت الله خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، س ۱۸ آیت الله بهجت، وسیلة النجاة، ج ۱، م ۴ و توضیح المسائل، م ۵ آیت الله سیستانی، تعلیقات علی العروة، م ۱۳ و ۳۳.
- ۴ آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۴.
- ۵ آیت الله فاضل، توضیح المسائل، م ۱۱ امام، تحریر الوسیله، ج ۱، م ۴.
- ۶ استفتاءات، س ۱۱.
- ۷ جامع الاحکام، ج ۱، س ۱۸.
- ۸ آیت الله خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، س ۳۱.
- ۹ آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۱۴ و ج ۱، ص ۲۶ استفتاءات، ج ۲، س ۲۱.
- ۱۰ وسیلة النجاة، ج ۱، م ۴ آیت الله سیستانی، تعلیقات علی العروة، م ۱۱ و ۱۳.
- ۱۱ توضیح المسائل، م ۴.
- ۱۲ توضیح المسائل مراجع، م ۷ و ۸.

- ^{۱۳} خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، س ۳۴ و ۴۱ نوری، توضیح المسائل، م ۹ امام، توضیح المسائل، م ۹ فاضل، توضیح المسائل، م ۱۰.
- ^{۱۴} مکارم، توضیح المسائل، م ۱۰ توضیح المسائل، م ۱۲ و ۱۳.
- ^{۱۵} توضیح المسائل، م ۹.
- ^{۱۶} استفتاءات س ۱۴ و ۵۰.
- ^{۱۷} جامع الاحکام، ج ۱ س ۲۰.
- ^{۱۸} توضیح المسائل، م ۸.
- ^{۱۹} امام، العروة الوثقی، ج ۱، النجاسات الثامن و دفتر آیت الله بهجت.
- ^{۲۰} آیت الله خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، س ۳۱۳ آیت الله سیستانی، آیت الله تبریزی، آیت الله فاضل، توضیح المسائل مراجع، م ۱۰۶ آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۳۸ آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۱۰۸.
- ^{۲۱} آیت الله مکارم، آیت الله صافی، توضیح المسائل مراجع، م ۱۰۶.
- ^{۲۲} توضیح المسائل مراجع، م ۹۸.
- ^{۲۳} آیت الله فاضل، تعلیقات علی العروة، فی النجاسات، الخامس، م ۱ و آیت الله سیستانی، توضیح المسائل مراجع، م ۹۸.
- ^{۲۴} آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۹۹ و آیت الله مکارم، توضیح المسائل مراجع، م ۹۸ تعلیقات علی العروة، فی النجاسات، الخامس، م ۱ آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۹۸ آیت الله بهجت، توضیح المسائل مراجع، م ۹۸ و وسیلة النجاة، ج ۱، م ۵۲۴.
- ^{۲۵} آیت الله خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، س ۲۶۹.
- ^{۲۶} توضیح المسائل مراجع، م ۷۳ و ۳۴۸ العروة الوثقی، ج ۱، مستحبات غسل الجنابه، م ۲ و ۳ آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۳۴۹ و ۷۳ آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۷۴ و ۳۵۴ و دفتر آیت الله خامنه‌ای.
- ^{۲۷} توضیح المسائل مراجع، ج ۱، م ۹۱ آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۹۱ آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۹۲ و آیت الله خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، س ۲۷۲.
- ^{۲۸} توضیح المسائل مراجع، م ۱۰۰ آیت الله بهجت، وسیلة النجاة، ج ۱، م ۵۲۷ آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۱۰۱ و دفتر آیت الله خامنه‌ای.
- ^{۲۹} آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۱۰۰.
- ^{۳۰} آیت الله مکارم، توضیح المسائل، م ۱۰۶.
- ^{۳۱} دفتر همه مراجع.
- ^{۳۲} امام، آیت الله فاضل و آیت الله نوری، توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۸ و آیت الله خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، س ۱۰۲.
- ^{۳۳} آیت الله بهجت، آیت الله صافی و آیت الله سیستانی، توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۸ آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۲۵۴.
- ^{۳۴} آیت الله تبریزی، توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۸.
- ^{۳۵} آیت الله مکارم، توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۸.
- ^{۳۶} توضیح المسائل مراجع، م ۲۵۶ آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۳۶۲ آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۲۵۷ دفتر آیت الله خامنه‌ای.

^{۳۷} امام، استفتاءات، ج ۱، س ۴۱ آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۹۳ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۲۴ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۴۱ آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۱۷۶ آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۵۵ دفتر آیت الله بهجت، آیت الله وحید، آیت الله سیستانی و آیت الله نوری.

^{۳۸} استفتاءات، ج ۲، س ۵۵.

^{۳۹} امام، استفتاءات، ج ۱، س ۳۴ العروة الوثقی، ج ۱، افعال الوضوء، م ۴۳ آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۲، س ۴۳ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۱۲.

^{۴۰} العروة الوثقی، ج ۱، افعال الوضوء، م ۵.

^{۴۱} توضیح المسائل مراجع، م ۳۳۵ و آیت الله نوری، توضیح المسائل مراجع، م ۳۳۶.

^{۴۲} آیت الله مکارم، توضیح المسائل مراجع، م ۳۳۵.

^{۴۳} آیت الله تبریزی، توضیح المسائل مراجع، م ۳۳۵.

^{۴۴} آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۳۴۱.

^{۴۵} العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی الاغسال.

^{۴۶} توضیح المسائل مراجع، م ۳۶۸.

^{۴۷} همان و آیت الله سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۱۸۵.

^{۴۸} آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۳۷۳.

^{۴۹} توضیح المسائل مراجع، م ۳۸۹ آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۳۹۰ آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۳۹۵ و آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۸۷.

^{۵۰} امام خمینی، تعلیقات علی العروة، احکام التیمم، م ۱۸.

^{۵۱} آیت الله وحید، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۳۵۴ آیت الله تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۳۵۴ آیت الله بهجت، وسیلة النجاة، ج ۱، م ۴۸۱ آیت الله صافی، هداية العباد، ج ۱، م ۴۸۹ تعلیقات علی العروة، احکام التیمم، م ۱۸.

^{۵۲} آیت الله فاضل، تعلیقات علی العروة، التیمم، م ۱۸.

^{۵۳} توضیح المسائل مراجع، م ۳۷۹ و آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۳۸۰.

^{۵۴} توضیح المسائل مراجع، م ۳۷۹ و آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۳۸۵.

^{۵۵} توضیح المسائل مراجع، م ۳۸۶ آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۳۹۲ و خامنه‌ای، اجوبه، س ۱۸۵.

^{۵۶} این آیه‌ها در چهار سوره قرآن آمده است: سجده، فصلت، نجم، علق.

^{۵۷} توضیح المسائل مراجع، م ۳۴۶ آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۳۵۲ آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۳۴۷ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه، س ۱۸۰.

^{۵۸} توضیح المسائل، م ۳۵۲.

^{۵۹} امام خمینی، استفتاءات، ج ۱، روزه، س ۱۰۱ آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۶۸۲ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۹۸ دفتر همه.

^{۶۰} توضیح المسائل مراجع، ۳۹۱ و ۶۴۶.

^{۶۱} همان، م ۳۹۱ و ۶۴۶.

^{۶۲} همان، م ۳۹۱ و ۶۴۶.

^{۶۳} همان، م ۳۹۱ و ۶۴۶ آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۳۹۷ و آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۳۹۲ و ۶۴۷.

- ^{۶۴} دفتر همه مراجع.
- ^{۶۵} امام خمینی، استفتاءات، ج ۱ روزه، س ۳۱ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه، س ۱۹۴ و آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۲، س ۶۹.
- ^{۶۶} دفتر آیت الله بهجت.
- ^{۶۷} آیت الله تبریزی، صراط النجاة، ج ۱، س ۱۰۷ و منهاج الصالحین، ج ۱، بعد از م ۱۰۰۴ آیت الله وحید، منهاج الصالحین، ج ۲، بعد از م ۱۰۰۴ و دفتر آیت الله مکارم و آیت الله بهجت.
- ^{۶۸} آیت الله سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، بعد از م ۱۰۰۴ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۵۵۸ و دفتر آیت الله صافی و آیت الله وحید.
- ^{۶۹} نساء (۴)، آیه ۴۳.
- ^{۷۰} امام خمینی، آیت الله نوری تعلیقات علی العروة، کیفیه التیمم و آیت الله سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، التیمم، الفصل الثالث.
- ^{۷۱} آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۲۸۴ آیت الله وحید، منهاج الصالحین، ج ۲، التیمم، الفصل الثالث آیت الله بهجت، توضیح المسائل مراجع، م ۷۰۰ آیت الله مکارم، تعلیقات علی العروة، کیفیه التیمم، آیت الله صافی، هداية العباد، ج ۱، م ۵۰۴.
- ^{۷۲} آیت الله فاضل، تعلیقات علی العروة، کیفیه التیمم.
- ^{۷۳} آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۲۸۸ العروة الوثقی، ج ۱، فیما یصح التیمم به.
- ^{۷۴} توضیح المسائل مراجع، م ۶۸۵.
- ^{۷۵} آیت الله بهجت، وسیلة النجاة، ج ۱، م ۴۸۵ و آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۶۸۵.
- ^{۷۶} آیت الله سیستانی، توضیح المسائل مراجع، م ۶۸۵ و آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۶۹۲ و خامنه‌ای، اجوبه، س ۲۱۰.
- ^{۷۷} امام خمینی، آیت الله سیستانی و آیت الله فاضل، تعلیقات علی العروة، فصل فیما یصح التیمم به آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۶۹۲ و آیت الله خامنه‌ای، اجوبه، س ۲۱۰.
- ^{۷۸} آیت الله مکارم، تعلیقات علی العروة، فصل فیما یصح التیمم به و آیت الله تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۳۵۷.
- ^{۷۹} آیت الله نوری، تعلیقات علی العروة، فصل فیما یصح التیمم به آیت الله صافی، هداية العباد، ج ۱، م ۴۹۴ آیت الله بهجت، وسیلة النجاة، ج ۱، م ۴۸۵.
- ^{۸۰} توضیح المسائل مراجع، م ۶۹۱ آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۶۹۲، آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۶۹۸.
- ^{۸۱} العروة الوثقی، فصل فی التیمم، م ۲۶.
- ^{۸۲} توضیح المسائل مراجع، م ۷۲۳ آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۷۳۰ و دفتر آیت الله خامنه‌ای.
- ^{۸۳} آیت الله مکارم و آیت الله سیستانی، توضیح المسائل مراجع، م ۷۲۳ و آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۷۲۴.
- ^{۸۴} توضیح المسائل مراجع، م ۶۹۸ آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۶۹۹ دفتر آیت الله خامنه‌ای.
- ^{۸۵} توضیح المسائل مراجع، م ۶۹۸ و آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۷۰۵.
- ^{۸۶} آیت الله مکارم، توضیح المسائل مراجع، م ۶۹۸.
- ^{۸۷} امام، توضیح المسائل مراجع، م ۷۲۶ و آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۷۲۷.

- ^{۸۸} توضیح المسائل مراجع، م ۷۲۶ آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۷۳۳ و آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۲۰۲.
- ^{۸۹} آیت الله مکارم، توضیح المسائل مراجع، م ۷۲۶.
- ^{۹۰} توضیح المسائل مراجع، م ۳۱۹ و آیت الله خامنه‌ای، اجوبه، س ۷۵۱.
- ^{۹۱} توضیح المسائل مراجع، م ۳۱۹ و آیت الله وحید، توضیح المسائل م ۳۱۵.
- ^{۹۲} توضیح المسائل مراجع، م ۳۱۹.
- ^{۹۳} امام خمینی، استفتاءات، ج ۱، وضو، س ۷۹.
- ^{۹۴} آیت الله تبریزی، صراط النجاة، ج ۵، س ۹۹۰ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه، س ۱۴۷ و ۱۴۸ و آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۱ س ۵۲. آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۸۴ و دفتر آیت الله سیستانی و سایت، متفرقات و آیت الله مکارم.
- ^{۹۵} جامع الاحکام، ج ۱، س ۵۳ و ۵۴ و دفتر آیت الله بهجت.
- ^{۹۶} دفتر آیت الله وحید.
- ^{۹۷} امام، استفتاءات، ج ۱، وضو، س ۸۲ آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۵۳ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۵۲ آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۵۴ و دفتر آیت الله بهجت.
- ^{۹۸} دفتر آیت الله مکارم و آیت الله وحید.
- ^{۹۹} آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۸۴ آیت الله تبریزی، صراط النجاة، ج ۵، س ۹۹۰ و دفتر آیت الله سیستانی.
- ^{۱۰۰} آیت الله تبریزی، صراط النجاة، ج ۵، س ۹۸۷ امام، استفتاءات، ج ۱، وضو، س ۸۰ آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۵۳ و ۵۴ و دفتر: آیت الله سیستانی، آیت الله وحید و آیت الله نوری.
- ^{۱۰۱} آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۵۷.
- ^{۱۰۲} آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۸۴ آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۷۵.
- ^{۱۰۳} دفتر آیت الله بهجت.
- ^{۱۰۴} توضیح المسائل مراجع، م ۳۱۹ آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۳، س ۱۲۶ آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۳۲۰ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه، س ۱۶۴.
- ^{۱۰۵} توضیح المسائل مراجع، م ۳۱۹ و آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۳۲۵.
- ^{۱۰۶} مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۷۶ تبریزی، استفتاءات، س ۱۹۵۳ خامنه‌ای، اجوبه، س ۱۶۳ و ۱۶۲ و ۱۶۵ و دفتر: همه.
- ^{۱۰۷} آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۵۲ و ۱۵۳ توضیح المسائل مراجع، م ۳۱۹ آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۳۲۰.
- ^{۱۰۸} توضیح المسائل مراجع، م ۳۱۹ و آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۳۲۵.
- ^{۱۰۹} توضیح المسائل مراجع، م ۳۱۹.
- ^{۱۱۰} توضیح المسائل مراجع، م ۹۷۱ آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۹۷۱ و آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۹۷۸ دفتر آیت الله خامنه‌ای.
- ^{۱۱۱} امام، آیت الله فاضل، توضیح المسائل مراجع، بخش احکام نماز جمعه آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۶۰۶ و ۶۱۱ آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۲، س ۲۱۵ و ۲۱۶ آیت الله بهجت، توضیح المسائل، نماز جمعه، م ۲ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل مراجع، بخش دوم احکام نماز جمعه و آیت الله وحید، منهاج الصالحین، ج ۲، الفصل الثالث عشر فی صلاة الجمعة، الثالث.

- ^{۱۱۲} آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۳۵۳.
- ^{۱۱۳} آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۶۲۷ و ۰۳۶.
- ^{۱۱۴} آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۳۵۶ و ۷۵۳.
- ^{۱۱۵} توضیح المسائل مراجع، م ۱۴۰۰ و ۱۴۰۲ آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۱۳۹۹ آیت الله وحید، توضیح المسائل، ۱۴۱۰ دفتر آیت الله خامنه‌ای.
- ^{۱۱۶} توضیح المسائل مراجع، م ۷۹۲ آیت الله خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، س ۴۳۲ و آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۷۹۳.
- ^{۱۱۷} توضیح المسائل مراجع، م ۷۹۲.
- ^{۱۱۸} توضیح المسائل، م ۷۹۸ و آیت الله بهجت، توضیح المسائل، م ۶۶۵.
- ^{۱۱۹} توضیح المسائل مراجع، م ۱۳۹۴ و ۱۳۹۰، آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۱۳۹۰-۱۳۹۳ آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۱۳۹۸-۱۴۰۲ دفتر آیت الله خامنه‌ای.
- ^{۱۲۰} توضیح المسائل مراجع، م ۱۰۶۰.
- ^{۱۲۱} توضیح المسائل مراجع، م ۱۱۳۶ آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۱۱۳۷ و آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۱۱۴۵.
- ^{۱۲۲} توضیح المسائل مراجع، م ۱۰۷۱ آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۱۳۰.
- ^{۱۲۳} توضیح المسائل، م ۱۰۸۰.
- ^{۱۲۴} توضیح المسائل مراجع، م ۸۸۶ و آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۸۸۷-۹.
- ^{۱۲۵} توضیح المسائل مراجع، م ۸۸۶.
- ^{۱۲۶} توضیح المسائل مراجع، م ۸۸۶.
- ^{۱۲۷} توضیح المسائل مراجع، م ۸۸۶.
- ^{۱۲۸} آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۸۹۶-۸۹۵.
- ^{۱۲۹} آیت الله خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، س ۳۷۴.
- ^{۱۳۰} توضیح المسائل مراجع ۹۶۸ آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۹۶۵ و آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۷۷۹.
- ^{۱۳۱} توضیح المسائل مراجع، م ۸۸۰، اجوبة ۳۸۸ آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۸۸۱ آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۷۸۸.
- ^{۱۳۲} توضیح المسائل مراجع، م ۱۳۷۳، آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۱۳۷۳، آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۱۳۸۱ آیت الله خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، س ۳۴۷.
- ^{۱۳۳} توضیح المسائل مراجع، م ۹-۱۱۶۸ آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۰۷۱۱.
- ^{۱۳۴} توضیح المسائل مراجع، م ۶-۱۱۸۵ آیت الله خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، س ۵۱۸ آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۱۱۹۳، آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۵۸۱۱-۶.
- ^{۱۳۵} توضیح المسائل مراجع، م ۱۲۵۰ آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۱۲۵۹ آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۱۲۵۱ دفتر آیت الله خامنه‌ای.
- ^{۱۳۶} امام خمینی، استفتاءات، ج ۳، احکام حجاب (، س ۸ آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۲، س ۶۷۳ العروة الوثقی، ج ۱، مکان المصلی (، العاشر.
- ^{۱۳۷} امام، آیت الله نوری، آیت الله مکارم و آیت الله فاضل، العروة الوثقی، ج ۲، م ۷ آیت الله وحید، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۱۲۹۸ آیت الله تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۲۹۸ آیت الله سیستانی،

- منهاج الصالحین، ج ۲، م ۲ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۲۰ آیت الله صافی، هدایة العباد، ج ۲، م ۴ دفتر آیت الله بهجت و آیت الله خامنه‌ای
- ۱۳۸ امام، آیت الله سیستانی، آیت الله فاضل و آیت الله مکارم، تعلیقات علی العروة، الفصل الرابع، م ۱ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۷۶۳ و دفتر آیت الله وحید، آیت الله بهجت.
- ۱۳۹ آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۶۴۰ و دفتر آیت الله صافی.
- ۱۴۰ آیت الله نوری، تعلیقات علی العروة، الفصل الرابع، م ۱.
- ۱۴۱ توضیح المسائل مراجع، م ۱۵۸۰ آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۱۵۸۸ و دفتر آیت الله خامنه‌ای.
- ۱۴۲ توضیح المسائل مراجع، م ۰۸۵۱.
- ۱۴۳ همان، م ۰۸۵۱.
- ۱۴۴ العروة الوثقی، احکام المفطرات، فصل ۴ و ۵.
- ۱۴۵ توضیح المسائل مراجع، م ۱۵۷۸ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۴۶۷.
- ۱۴۶ توضیح المسائل مراجع، م ۱۵۷۸ و سیستانی، تعلیقات علی العروة، ج ۲، المفطرات، م ۱.
- ۱۴۷ مکارم، توضیح المسائل مراجع، م ۸۷۵۱.
- ۱۴۸ وحید، توضیح المسائل، م ۶۸۵۱.
- ۱۴۹ توضیح المسائل مراجع، م ۷۴۲ و ۴۷۵۱.
- ۱۵۰ توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۰۳ و ۴۴۷۱.
- ۱۵۱ توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۴۳، ۱۷۴۴ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۵۵۷.
- ۱۵۲ تبریزی، توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۴۳ و وحید، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۲۳۰۱.
- ۱۵۳ مکارم، توضیح المسائل مراجع، م ۳۴۷۱.
- ۱۵۴ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۱۰۳۲ بهجت، توضیح المسائل مراجع، م ۳۴۷۱.
- ۱۵۵ العروة الوثقی، ج ۲، اقسام الصوم، م ۱.
- ۱۵۶ العروة الوثقی، ج ۲، الفصل السادس، فیما یوجب القضا و الکفاره، م ۱ و توضیح المسائل مراجع، م ۷۸۶۱.
- ۱۵۷ توضیح المسائل مراجع، م ۱۶۶۵ آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۱۶۶۲ آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۳۷۶۱.
- ۱۵۸ همان، م ۱۶۶۵ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۵۸۷.
- ۱۵۹ توضیح المسائل مراجع، م ۵۶۶۱.
- ۱۶۰ دفتر همه‌ی مراجع
- ۱۶۱ توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۰۶ و وحید، توضیح المسائل، م ۱۷۱۴ بهجت، وسیلة النجاه، ج ۱، م ۱۱۷۳ دفتر: خامنه‌ای.
- ۱۶۲ سیستانی، توضیح المسائل مراجع، م ۶۰۷۱.
- ۱۶۳ توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۱۵ و ۱۷۰۳ و العروة الوثقی، فصل ۷۶ م ۲۵ و فصل ۱۰، م.
- ۱۶۴ توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۲۱ و وحید، توضیح المسائل، م ۱۷۲۹ دفتر: خامنه‌ای.
- ۱۶۵ تبریزی، توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۲۱.
- ۱۶۶ سیستانی، توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۲۱.
- ۱۶۷ امام، نوری، تعلیقات علی العروة، ج ۲، شرایط صحة الصوم، الخامس دفتر: خامنه‌ای.

- ١٦٨ فاضل، تعليقات على العروة، ج ٢، شرايط صحة الصوم، الخامس بهجت، وسيلة النجاة، ج ١، م ١١٤١ صافي، توضيح المسائل مراجع، م ١٧١٨.
- ١٦٩ تبريزي، سيستاني، وحيد، منهاج الصالحين، الصوم، م ١٠٢٦ مكارم، تعليقات على العروة، شرايط صحة الصوم، الخامس.
- ١٧٠ توضيح المسائل مراجع، م ١٦٦٠.
- ١٧١ خامنه‌اي، اجوبة الاستفتاءات، س ٨١١.
- ١٧٢ صافي، توضيح المسائل مراجع، م ١٦٦٠.
- ١٧٣ تبريزي، توضيح المسائل مراجع، م ١٦٦٠ وحيد، توضيح المسائل، م ١٦٦٨.
- ١٧٤ سيستاني، منهاج الصالحين، ج ٣، م ٧٧٦ صافي، هداية العباد، ج ٢، الكفارات، م ٢٠ امام، تحرير الواسيله، ج ٢، الكفارات، م ٢٠ خامنه‌اي، اجوبة الاستفتاءات، س ٨٠١ مكارم، استفتاءات، ج ١، س ٢٩١ و دفتر: فاضل، وحيد، نوري، تبريزي و بهجت.
- ١٧٥ توضيح المسائل مراجع، م ٢٠٠٢ العروة الوثقى، ج ٢، زكاه الفطره، الفصل الاول.
- ١٧٦ توضيح المسائل مراجع، م ١٩٩١ وحيد، توضيح المسائل، م ٢٠٠٨.
- ١٧٧ توضيح المسائل مراجع، م ٢٠٢٩ وحيد، توضيح المسائل، م ٢٠٢٦ دفتر: خامنه‌اي.
- ١٧٨ العروة الوثقى، ج ٢، زكاة الفطره، الفصل الثاني، م ٣.
- ١٧٩ نوري، تعليقات على العروة، زكاه الفطره، الفصل الثاني تبريزي، استفتاءات، س ٧٨٣ خامنه‌اي، استفتاء، س ٨٨٨ سيستاني، وحيد، منهاج الصالحين، زكاه الفطره، م ١١٧٢ ٧٢ بهجت، وسيلة النجاة، ج ١، م ١٣٤٨ فاضل، جامع المسائل، ج ٢، س ٤٧٢.
- ١٨٠ صافي، هداية العباد، ج ١، م ١٥٨٠.
- ١٨١ بهجت، وسيلة النجاة، ج ١، م ١٣٤٨.
- ١٨٢ بقره (٢)، آيه ٥٢١.
- ١٨٣ اعتكاف عشر في شهر رمضان يعدل حجّتين و عمرتين^{٤٤}؛ وسائل الشيعة، ج ١٠، ابواب الاعتكاف و اللمة الدمشقيه، كتاب الاعتكاف.
- ١٨٤ العروة الوثقى، شرائط الاعتكاف، م ٠٢.
- ١٨٥ العروة الوثقى، شرائط الاعتكاف، م ٠٢.
- ١٨٦ العروة الوثقى، شرائط الاعتكاف، م ٩٣.
- ١٨٧ همان، م ٠٤.
- ١٨٨ امام، آيت الله نوري، آيت الله مكارم و آيت الله فاضل، تعليقات على العروة، الاعتكاف، م ٣٠ آيت الله صافي، هداية العباد، ج ١، م ١٤١٢ آيت الله بهجت، وسيلة النجاة، ج ١، م ١٢٠٣ آيت الله تبريزي، آيت الله سيستاني و آيت الله وحيد، منهاج الصالحين، الاعتكاف.
- ١٨٩ امام، تحرير الواسيله، ج ١، شروط الاعتكاف، م ٩ آيت الله سيستاني، تعليقات على العروة، شرائط الاعتكاف، م ٣٠ آيت الله بهجت، وسيلة النجاة، ج ١، م ١٢٠٣ آيت الله صافي، هداية العباد، ج ١، م ١٤١٢ آيت الله مكارم، استفتاءات، ج ٢، س ٤٩٤ آيت الله فاضل، جامع المسائل، ج ١، س ٩١٦.
- ١٩٠ آيت الله وحيد، منهاج الصالحين، ج ٢، الاعتكاف، السادس و آيت الله تبريزي، منهاج الصالحين، ج ١، الاعتكاف، السادس.
- ١٩١ دفتر آيت الله نوري.
- ١٩٢ آيت الله خامنه‌اي، اجوبة الاستفتاءات، س ٩٤٨.

- ^{۱۹۳} دفتر همه مراجع.
- ^{۱۹۴} انفال (۸)، آیه ۱۴.
- ^{۱۹۵} العروة الوثقی، ج ۲، م ۲۷.
- ^{۱۹۶} خوبی، سیدابوالقاسم، مستند العروة الوثقی، کتاب الخمس، ص ۱۹۶ هاشمی شاهرودی، سید محمود، کتاب الخمس، ج ۲، ص ۴۵ و مدرس، محمدتقی، احکام الخمس، ص ۶۱.
- ^{۱۹۷} ناصر، آیت الله مکارم شیرازی، یک صد و هشتاد پرسش و پاسخ، ص ۴۲۵-۴۲۳ و تعلیقات علی العروة، کتاب الخمس، ص ۲۹۳.
- ^{۱۹۸} ر.ک: وسائل الشیعه، ج ۶، کتاب الخمس، باب ۲، ح ۲۱.
- ^{۱۹۹} ر.ک: وسائل الشیعه، ج ۶، ابواب قسمة الخمس، باب ۱، ح ۴ و ۸.
- ^{۲۰۰} العروة الوثقی، ج ۲، باب الخمس، م ۶۷.
- ^{۲۰۱} توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۶۵ آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۱۷۶۱ آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۱۷۷۳.
- ^{۲۰۲} العروة الوثقی، ج ۲، م ۵۹ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۷۰۸ آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۵۴۳ آیت الله سیستانی، المسائل المنتخبه، م ۵۸۸ آیت الله سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۱۲۱۳ دفتر آیت الله خامنه‌ای.
- ^{۲۰۳} آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۲۷۱ آیت الله تبریزی، التعلیقة علی منهاج الصالحین، م ۳۲ آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۹۴۸ و آیت الله بهجت، توضیح المسائل، م ۱۴۰۱.
- ^{۲۰۴} دفتر آیت الله صافی و آیت الله وحید.
- ^{۲۰۵} ر.ک: خمس هدیة.
- ^{۲۰۶} توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۵۳ آیت الله خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، س ۸۵۰ آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۱۷۴۹.
- ^{۲۰۷} توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۵۳.
- ^{۲۰۸} همان، م ۱۷۵۳.
- ^{۲۰۹} همان، م ۱۷۵۳ و آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۱۷۶۱.
- ^{۲۱۰} امام، استفتاءات، ج ۱، س ۲۴ آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۸۵۶ آیت الله سیستانی Sistani.org، خمس، ش ۸ آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۵۱۶ دفتر آیت الله وحید.
- ^{۲۱۱} آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۷۳۸.
- ^{۲۱۲} آیت الله خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، س ۹۸۷ و ۸۶۰.
- ^{۲۱۳} آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۲، س ۳۳۰.
- ^{۲۱۴} آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۷۴۸ آیت الله بهجت، توضیح المسائل، م ۱۳۹۱.
- ^{۲۱۵} امام، استفتاءات، ج ۱، س ۱۱۶ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۶۸۷ دفتر آیت الله سیستانی.
- ^{۲۱۶} آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۵۲۴ و توضیح المسائل، م ۵۰۶ آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۷۰۷.
- ^{۲۱۷} آیت الله بهجت، توضیح المسائل، م ۱۳۹۶ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۶۸۷ و ۶۸۸ دفتر آیت الله وحید و آیت الله تبریزی.
- ^{۲۱۸} آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۲، س ۳۴۴.
- ^{۲۱۹} آیت الله خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، س ۸۹۷ و ۹۴۵.

- ۲۲۰ امام، استفتاءات، ج ۱، س ۴۱ آیت‌الله صافی، جامع‌الاحکام، ج ۱، س ۷۴۰ آیت‌الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۹۲۲ و ۹۰۴ آیت‌الله نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۲۶۷ آیت‌الله فاضل، جامع‌المسائل، ج ۱، س ۷۰۲ آیت‌الله بهجت، توضیح‌المسائل، م ۱۳۷۶ آیت‌الله تبریزی، استفتاءات، س ۸۸۸ و ۸۲۶ آیت‌الله مکارم، توضیح‌المسائل، م ۱۵۰۷.
- ۲۲۱ دفتر آیت‌الله سیستانی.
- ۲۲۲ دفتر آیت‌الله وحید.
- ۲۲۳ امام، استفتاءات، ج ۱، س ۲۴ آیت‌الله مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۵۱۶ آیت‌الله تبریزی، استفتاءات، س ۸۸۰ آیت‌الله صافی، جامع‌الاحکام، ج ۱، س ۷۴۷ آیت‌الله سیستانی Sistani.org، خمس، ش ۸.
- ۲۲۴ آیت‌الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۸۶۰ و ۹۷۸.
- ۲۲۵ آیت‌الله نوری، استفتاءات، ج ۲، س ۳۳۰.
- ۲۲۶ آیت‌الله فاضل، جامع‌المسائل، ج ۱، س ۷۴۸ آیت‌الله بهجت، توضیح‌المسائل، م ۱۳۹۱.
- ۲۲۷ امام، استفتاءات، ج ۱، س ۹۸ دفتر آیت‌الله سیستانی، آیت‌الله تبریزی و آیت‌الله وحید.
- ۲۲۸ دفتر آیت‌الله مکارم.
- ۲۲۹ آیت‌الله بهجت، وسیله‌النجاه، م ۱۳۸۹ آیت‌الله فاضل، جامع‌المسائل، ج ۱، س ۷۰۴ آیت‌الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۸۸۳ دفتر آیت‌الله نوری.
- ۲۳۰ امام، استفتاءات، ج ۱، س ۹۶ آیت‌الله فاضل، جامع‌المسائل، ج ۱، س ۸۳۳ آیت‌الله مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۳۱۹ آیت‌الله بهجت، توضیح‌المسائل، م ۱۳۷۹ آیت‌الله سیستانی، منهاج‌الصالحین، ج ۱، م ۱۲۵۱ آیت‌الله نوری، استفتاءات، ج ۲، س ۳۷۲ آیت‌الله تبریزی، استفتاءات، س ۹۴۶ آیت‌الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۸۷۰ آیت‌الله صافی، جامع‌الاحکام، ج ۱، س ۶۲۱ دفتر آیت‌الله وحید.
- ۲۳۱ توضیح‌المسائل مراجع، م ۱۷۹۵ آیت‌الله نوری، توضیح‌المسائل، م ۱۷۹۱ آیت‌الله بهجت، توضیح‌المسائل، م ۱۴۰۸ آیت‌الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۹۳۲، ۹۳۳ آیت‌الله وحید، توضیح‌المسائل، م ۱۸۰۳.
- ۲۳۲ توضیح‌المسائل مراجع، م ۱۷۹۵.
- ۲۳۳ دفتر: امام، خامنه‌ای و نوری.
- ۲۳۴ فاضل، جامع‌المسائل، ج ۱، س ۸۶۵ توضیح‌المسائل مراجع، م ۱۷۵۳ دفتر: تبریزی، وحید، صافی، بهجت و مکارم).
- ۲۳۵ امام، تحریرالوسیله، ج ۲، م ۱۶.
- ۲۳۶ توضیح‌المسائل مراجع، م ۱۷۸۱ خامنه‌ای، اجوبه، س ۸۹۹ وحید، توضیح‌المسائل، م ۱۷۸۹.
- ۲۳۷ صافی، توضیح‌المسائل، م ۱۷۹۰ نوری، توضیح‌المسائل، م ۱۷۵۱ فاضل، العروة الوثقی مع تعلیقات، ج ۲، م ۶۷.
- ۲۳۸ منهاج‌الصالحین، ج ۱، م ۱۲۲۳.
- ۲۳۹ دفتر بهجت.
- ۲۴۰ توضیح‌المسائل مراجع، م ۱۷۸۰ نوری، توضیح‌المسائل، م ۱۷۷۶ وحید، توضیح‌المسائل، م ۱۷۸۸ خامنه‌ای، اجوبه، س ۸۶۲ دفتر بهجت.
- ۲۴۱ توضیح‌المسائل مراجع، م ۲۶۴۱ آیت‌الله وحید، توضیح‌المسائل، م ۲۷۰۵ آیت‌الله نوری، توضیح‌المسائل، م ۲۶۳۹ و آیت‌الله خامنه‌ای، استفتاءات، س ۱۰۶۰ و ۱۱۰۰.

- ^{۲۴۲} توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۴۴ و آیت‌الله نوری، توضیح المسائل، م ۲۶۴۲ و آیت‌الله خامنه‌ای، استفتاء، س ۱۰۹۳.
- ^{۲۴۳} توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۴۴.
- ^{۲۴۴} توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۴۴.
- ^{۲۴۵} آیت‌الله صافی و آیت‌الله سیستانی، توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۴۴ آیت‌الله وحید، توضیح المسائل، م ۲۷۰۸.
- ^{۲۴۶} آیت‌الله مکارم، توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۴۴ آیت‌الله تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۱۵۵۱.
- ^{۲۴۷} توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۵۲ آیت‌الله نوری، توضیح المسائل، م ۲۶۵۰ آیت‌الله وحید، توضیح المسائل، م ۲۷۱۶ و آیت‌الله خامنه‌ای، استفتاء، س ۱۱۱۶.
- ^{۲۴۸} آیت‌الله تبریزی، استفتاءات، س ۱۷۲۹ امام، تحریر الوسيلة، ج ۲، النذر، م ۲۴ آیت‌الله صافی، هداية العباد، ج ۲، النذر، م ۲۴ آیت‌الله سیستانی، توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۴۷ آیت‌الله خامنه‌ای، استفتاء، س ۱۰۷۴ و دفتر آیت‌الله فاضل، آیت‌الله نوری، آیت‌الله مکارم، آیت‌الله وحید، آیت‌الله بهجت.
- ^{۲۴۹} توضیح المسائل، مراجع، م ۲۶۵۴ آیت‌الله نوری، توضیح المسائل، م ۲۶۵۲.
- ^{۲۵۰} امام، تحریر الوسيلة، ج ۲، النذر، م ۳ و آیت‌الله خامنه‌ای، استفتاء، س ۱۰۶۷.
- ^{۲۵۱} توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۴۶ آیت‌الله نوری، توضیح المسائل، م ۲۶۴۴ آیت‌الله وحید، توضیح المسائل، م ۲۷۱۰.
- ^{۲۵۲} آیت‌الله سیستانی، توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۴۶.
- ^{۲۵۳} آیت‌الله مکارم، توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۴۶.
- ^{۲۵۴} دفتر آیت‌الله بهجت.
- ^{۲۵۵} لقمان (۳۱)، آیه ۶.
- ^{۲۵۶} ر.ک: امام خمینی، مکاسب المحرمه، ج ۱، ص ۱۹۸-۲۲۴ حسینی، علی، الموسیقی، ص ۱۶ و ۱۷ آیت‌الله تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۴۶ و ۱۰۴۷ و ۱۰۴۸ آیت‌الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۹۷۴ و ۹۷۸ و ۹۷۹.
- ^{۲۵۷} ر.ک: لقمان (۳۱)، آیه ۶ فرقان (۲۵)، آیه ۷۲ مؤمنون (۲۳)، آیه ۳ حج (۲۲)، آیه ۳۰ قصص (۲۸)، آیه ۵۵.
- ^{۲۵۸} در حدیثی از نبی اکرم صلی الله علیه وآله آمده است: “الغناء رقیة الزنا” غنا نردبان زنا است “: بحار الانوار، ج ۷۶، باب ۹۹، الغناء.
- ^{۲۵۹} ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۲۴.
- ^{۲۶۰} مکاسب المحرمه، ج ۱، باب الغناء.
- ^{۲۶۱} امام، استفتاءات، ج ۳، سؤالات متفرقه، س ۱۱۰ آیت‌الله مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۶۹۴ و ۶۹۸ آیت‌الله صافی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۱۰۰۳ و ۱۰۱۷ آیت‌الله خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، س ۱۱۳۱ و ۱۱۳۵ و ۱۱۵۵ آیت‌الله سیستانی Sistani.org، موسیقی، ش ۱۵ آیت‌الله تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۳۹ آیت‌الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۹۹۶ دفتر آیت‌الله بهجت، آیت‌الله وحید و آیت‌الله نوری.
- ^{۲۶۲} امام، استفتاءات، ج ۲، مکاسب محرمه، س ۲۵ آیت‌الله خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، س ۱۱۵۷ آیت‌الله بهجت، وسیلة النجاة، ج ۱، م ۱۴۴۹ آیت‌الله صافی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۱۰۰۳ آیت‌الله نوری، توضیح المسائل، مسائل مستحدثه آیت‌الله وحید، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۸ و ۱۷ آیت‌الله فاضل،

- جامع المسائل، ج ۱، س ۹۹۹ آیت الله تبریزی، صراط النجاة، ج ۱، س ۱۰۰۸ و ۱۰۲۵ آیت الله سیستانی Sistani.org، موسیقی، ش ۵ آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۷۰۸.
- ^{۲۶۳} دفتر همه مراجع
- ^{۲۶۴} امام، استفتاءات، ج ۲، مکاسب محرمة، م ۲۶ آیت الله خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، س ۱۱۴۴ آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۷۸ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۹۹۲ آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۷۱۱ آیت الله سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۱۱ و Sistani.org س ۱۷ و ۱۸ دفتر آیت الله وحید و آیت الله نوری.
- ^{۲۶۵} آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۱۰۰۵ و ۱۰۰۷ و ۱۰۲۰ و ۱۰۱۸ و دفتر آیت الله بهجت.
- ^{۲۶۶} آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۵۳۵ آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۱۰۲۳ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۷۳۶ و ۱۷۳۷ دفتر آیت الله سیستانی، امام، آیت الله نوری، آیت الله وحید و آیت الله بهجت.
- ^{۲۶۷} آیت الله تبریزی، صراط النجاة، ج ۶، س ۱۴۵۶ و ۱۴۴۸ و ۱۴۴۴.
- ^{۲۶۸} آیت الله خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، س ۱۱۳۳ و ۱۱۳۴ و ۱۱۶۶.
- ^{۲۶۹} آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۵۳۸ و ۵۳۹ آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۵۸۱ آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۵۱ آیت الله خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، س ۱۱۸۱ و ۱۱۸۰ آیت الله بهجت، توضیح المسائل، متفرقه، م ۳۰ دفتر امام.
- ^{۲۷۰} آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۲، س ۵۸۴.
- ^{۲۷۱} آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۵۱ آیت الله سیستانی Sistani.org، موسیقی ش ۵.
- ^{۲۷۲} دفتر آیت الله وحید.
- ^{۲۷۳} آسیب شناسی حجاب، ص ۱۹.
- ^{۲۷۴} وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۲۰.
- ^{۲۷۵} عامری، حمیده، گستره عفاف به گسترده‌گی زندگی، کتاب زنان، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، ش ۱۲، ص ۱۱۷.
- ^{۲۷۶} واقعه (۵۶)، آیه ۲۳.
- ^{۲۷۷} المیزان، ج ۸، ص ۳۶۱.
- ^{۲۷۸} مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، ص ۱۶۳.
- ^{۲۷۹} نور (۲۴)، آیه ۳۰.
- ^{۲۸۰} همان، آیه ۳۱.
- ^{۲۸۱} آیت الله تبریزی، صراط النجاة، ج ۶، س ۱۶۱۰ آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۲۲۴۶ آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۲۲۶۰ توضیح المسائل مراجع، م ۲۲۵۲ و دفتر آیت الله خامنه‌ای.
- ^{۲۸۲} امام خمینی، استفتاءات، ج ۱، لباس نمازگزار (، س ۳۴ آیت الله تبریزی، صراط النجاة، ج ۵، س ۱۲۴۸ آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۱۵۴ آیت الله سیستانی (sistani.org)، حجاب (، س ۲ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۷۱۲ همه مراجع، العروة الوثقی، ج ۱، (، الستر (، الثاني و ۱۶ آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۶۹۲ آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۲، س ۲۸۶.
- ^{۲۸۳} آیت الله سیستانی (sistani.org)، حجاب (، س ۳ آیت الله تبریزی، صراط النجاة، ج ۱، س ۸۷۸ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۷۰۶ آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۶۹۶ آیت الله خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، س ۴۳۸ دفتر: آیات عظام نوری، وحید، بهجت و امام خمینی.

- ۲۸۴ دفتر: آیت الله مکارم.
- ۲۸۵ آیت الله تبریزی، صراط‌النجاه، ج ۵، س ۱۲۷۵ و استفتاءات، س ۱۶۱۴.
- ۲۸۶ توضیح المسائل مراجع، م ۸۴۵ آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۸۴۶ آیت الله بهجت، توضیح المسائل، م ۷۱۱ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۳۶۱ آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۱۵۸.
- ۲۸۷ آیت الله مکارم، توضیح المسائل مراجع، م ۵۴۸.
- ۲۸۸ دفتر آیت الله سیستانی
- ۲۸۹ امام و آیت الله فاضل، توضیح المسائل مراجع، م ۸۴۵ آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۸۴۶ و آیت الله خامنه‌ای، استفتاء، س ۵۵۰.
- ۲۹۰ آیت الله صافی، توضیح المسائل مراجع، م ۸۴۵ آیت الله بهجت، توضیح المسائل، م ۷۱۱ آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۱۵۸.
- ۲۹۱ آیت الله تبریزی و آیت الله سیستانی، توضیح المسائل مراجع، م ۵۴۸.
- ۲۹۲ آیت الله مکارم، توضیح المسائل مراجع، م ۸۴۵.
- ۲۹۳ آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۱۵۳ و ۱۵۶ آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۲۹ آیت الله سیستانی (sistani.org)، حجاب (، س ۵ امام خمینی، استفتاءات، ج ۳)، احکام حجاب (، س ۲۷ آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۴۸۵ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۷۰۸ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۳۶۴ و ۱۳۶۷ آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۱۵۹۰ دفتر: آیت الله وحید و آیت الله بهجت.
- ۲۹۴ امام خمینی، استفتاءات، ج ۳، احکام حجاب (، س ۳۶ دفتر: آیات عظام بهجت، فاضل و صافی.
- ۲۹۵ آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۲، س ۶۶۹ آیت الله سیستانی، تعلیقات علی العروة، (الستر)، م ۱ آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۱۰۸.
- ۲۹۶ آیت الله تبریزی، صراط‌النجاه، ج ۱، س ۸۸۲ و ۸۸۳.
- ۲۹۷ دفتر: آیت الله وحید.
- ۲۹۸ نور (۲۴)، آیه ۰۳.
- ۲۹۹ همان، آیه ۱۳.
- ۳۰۰ توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۳۳.
- ۳۰۱ توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۳۳ آیت الله نوری، توضیح المسائل م ۲۴۲۹ آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۱۵۹۷ آیت الله وحید، توضیح المسائل م ۲۴۴۲ و آیت الله خامنه‌ای، استفتاء، س ۵۰۹.
- ۳۰۲ آیت الله صافی، توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۳۳ و هدایة العباد، ج ۲) النکاح (م ۸۱.
- ۳۰۳ آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۱۲، امام، استفتاءات، ج ۳، نظر (، س ۶ و ۳۹ و آیت الله خامنه‌ای، استفتاء، س ۴۸۷.
- ۳۰۴ آیت الله بهجت، توضیح المسائل، م ۱۹۳۳.
- ۳۰۵ آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۱۰۴۳ آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۱۵۹۱ آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۲۴۴۲، دفتر آیت الله فاضل دفتر آیت الله سیستانی.
- ۳۰۶ امام، توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۳۳ و تحریر الوسیله، ج ۲، النکاح، م ۲۵ آیت الله سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، النکاح م ۲۳.
- ۳۰۷ توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۳۳.

- ^{۳۰۸} همان، م ۲۴۳۳ آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۲۴۲۹.
- ^{۳۰۹} توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۳۳ آیت الله تبریزی، تعلیقه علی منهاج الصالحین، م ۱۲۳۲، و صراط النجاة، ج ۱، س ۸۹۲ دفتر آیت الله وحید.
- ^{۳۱۰} آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۱۸۷ آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۱۷ و ۱۶۰۵ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۷۲۹ و ۱۷۳۱ آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۷۷۸ و ۷۸۲ دفتر آیت الله نوری و امام، آیت الله بهجت، آیت الله وحید.
- ^{۳۱۱} آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۱۶۰۳ و ۱۶۰۵ و صراط النجاة، ج ۵، س ۱۱۲۹.
- ^{۳۱۲} آیت الله سیستانی (Sistani.org)، فیلم (، س ۴).
- ^{۳۱۳} توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۴۵ آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۲۴۴۱ و آیت الله خامنه‌ای، استفتاءات، س ۶۳۹ و ۷۲۶.
- ^{۳۱۴} توضیح المسائل مراجع، م ۵۴۴۲.
- ^{۳۱۵} همان، م ۵۴۴۲.
- ^{۳۱۶} همان، م ۲۴۴۵ و آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۰۹۵۲.
- ^{۳۱۷} توضیح المسائل مراجع، م ۵۴۴۲.
- ^{۳۱۸} امام، استفتاءات، ج ۳، نظر (، س ۵۲ آیت الله بهجت، توضیح المسائل، م ۱۹۳۶ آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۸۱۹ آیت الله تبریزی، استفتاءات، ۱۶۲۲ آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۲، ص ۱۶۷۳ آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۲، س ۶۵۶ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۷۱۸ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۱۴۵ العروة الوثقی، ج ۲، النکاح م ۳ آیت الله سیستانی (Sistani.org)، اینترنت (، س ۲۰ و ۱۹ دفتر آیت الله وحید.
- ^{۳۱۹} آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۳۰۳ آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۸۰۳ و ۱۵۶۷ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۲۰۹۱ و ۲۰۸۷ آیت الله بهجت، احکام و استفتاءات پزشکی، ص ۳۰، س ۴ و ۸ امام، استفتاءات، ج ۳، نظر (، س ۴۲ آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۹۳۳ و ۹۶۶ آیت الله صافی، هدایة العباد، ج ۲، النکاح، م ۲۲ و دفتر آیت الله وحید.
- ^{۳۲۰} آیت الله تبریزی، صراط النجاة، ج ۵، س ۱۰۲۳ و ۱۰۲۴ و استفتاءات، س ۱۵۴۵ آیت الله سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، النکاح، م ۲۱ و (Sistani.org) پزشکی (، س ۱ و ۵.
- ^{۳۲۱} امام خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۲، النکاح (، م ۲۰ و آیت الله خامنه‌ای استفتاءات، س ۴۷۹.
- ^{۳۲۲} آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۱۶۰۶ آیت الله مکارم، تعلیقات علی العروة، النکاح (، م ۴۰ آیت الله سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، النکاح (، م ۱۶ آیت الله صافی، هدایة العباد، ج ۲، النکاح (، م ۲۰ دفتر آیت الله وحید و آیت الله بهجت.
- ^{۳۲۳} آیت الله نوری، تعلیقات علی العروة، النکاح (، م ۰۴.
- ^{۳۲۴} آیت الله فاضل، تعلیقات علی العروة، ج ۲، النکاح (، م ۰۴.
- ^{۳۲۵} امام خمینی، تحریر الوسیلة، ج ۲، النکاح (، م ۲۴ آیت الله صافی، هدایة العباد، ج ۲، النکاح (، م ۲۴ آیت الله نوری، آیت الله فاضل، تعلیقات علی العروة، النکاح (، م ۳۵ آیت الله بهجت، توضیح المسائل، م ۱۹۴۳ دفتر آیت الله وحید و آیت الله خامنه‌ای.
- ^{۳۲۶} آیت الله سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، النکاح (، م ۲۳ آیت الله تبریزی، التعلقه علی منهاج الصالحین، ج ۲، م ۲۳۲۱.
- ^{۳۲۷} دفتر آیت الله مکارم.

^{۳۲۸} آیت الله خامنه‌ای، استفتاء، س ۶۴۵ و ۱۵۸۶ آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۱۶۶۵ آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۱۰۳۱ آیت الله تبریزی، صراط‌النجاة، ج ۲، س ۱۱۵۲ العروة الوثقی، ج ۲، النکاح، م ۴۷ دفتر آیت الله وحید، آیت الله بهجت، آیت الله فاضل، آیت الله سیستانی و آیت الله صافی.

^{۳۲۹} مشارق الاذواق، ص ۴۶)

^{۳۳۰} تین، آیه ۴

^{۳۳۱} الانعام (۶) آیه: ۷۶

^{۳۳۲} توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۸۴ - ۲۳۸۹ و ۲۴۷۲ و ۲۴۶۴ و ر. ک: رساله مجرم و نامجرم، مجتهدی تهرانی، احمد، ص ۱۰.

^{۳۳۳} امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، المهر، م ۱ آیت الله وحید، منهاج الصالحین، ج ۳، المهر، م ۱۳۵۰ آیت الله تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۲، ۱۳۵۰ آیت الله سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۲۸۷ و ۲۸۶ آیت الله صافی، هدیة العباد، ج ۲، المهر، م ۱ آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۹۸۹ و دفتر: آیات عظام فاضل، بهجت، خامنه‌ای، نوری.

^{۳۳۴} توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۴۶ آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۲۴۴۲ آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۲۵۱۰ دفتر آیت الله خامنه‌ای.

^{۳۳۵} تحریر الوسیله، ج ۲، التذلیس، م ۱۳ و جامع المسائل، ج ۱، س ۱۴۹۹.

^{۳۳۶} امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، التذلیس، م ۱۳ آیت الله صافی، هدیة العباد، ج ۲، التذلیس، م ۱۳ آیت الله سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۲۸۲ و ۲۷۹ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۵۰۰ آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۹۵۱ و ۹۵۴ آیت الله خامنه‌ای، استفتاءات، س ۴۴۲ و دفتر: آیات عظام بهجت، وحید، نوری و تبریزی.

^{۳۳۷} توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۸۰ و ۲۳۸۱.

^{۳۳۸} آیت الله سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، النکاح، م ۷۰ امام، استفتاءات، ج ۳، اولیاء العقد، س ۲۷، دفتر آیت الله نوری.

^{۳۳۹} آیت الله خامنه‌ای، استفتاء، س ۷۹۸ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۴۳۸ آیت الله مکارم، تعلیقات علی العروة، اولیاء العقد، ج ۲، آیت الله وحید، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۱۲۳۷ آیت الله تبریزی، منهاج الصالحین، اولیاء العقد، م ۱۲۳۷ آیت الله بهجت، توضیح المسائل، م ۱۸۹۱ دفتر آیت الله صافی.

^{۳۴۰} توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۹۷.

^{۳۴۱} توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۹۷ و آیت الله خامنه‌ای، استفتاء، س ۱۴۵ و ۱۴۱.

^{۳۴۲} آیت الله تبریزی، توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۹۷ آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۲۴۶۱.

^{۳۴۳} آیت الله صافی، توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۹۷ آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۳۹۳۲.

^{۳۴۴} توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۹۷.

^{۳۴۵} آیت الله سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۲۱۵ آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۷۰۸ امام، تحریر الوسیله، ج ۲، القول فی الکفر، م ۸ آیت الله صافی، هدیة العباد، ج ۲، القول فی الکفر، م ۸ آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۱، ۶۶۸ دفتر آیت الله فاضل.

^{۳۴۶} آیت الله وحید، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۱۲۹۸ آیت الله تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۱۲۹۸ و دفتر آیت الله بهجت.

^{۳۴۷} نساء (۴)، آیه ۴۲.

^{۳۴۸} ر. ک: تفسیر نمونه، ذیل آیه ۲۴ از نساء.

^{۳۴۹} آیت‌الله نوری، توضیح المسائل، م ۲۳۷۳ آیت‌الله صافی، هدایة العباد، ج ۲، اولیاء العقد، م ۲ امام، آیت‌الله فاضل و آیت‌الله مکارم، تعلیقات علی العروة، اولیاء العقد، م ۱ آیت‌الله سیستانی، توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۷۷ دفتر آیت‌الله وحید.

^{۳۵۰} آیت‌الله بهجت، توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۷۷ آیت‌الله تبریزی، استفتاءات، س ۱۴۵۶ و صراط النجاة، ج ۲، س ۰۳۱۱.

^{۳۵۱} آیت‌الله خامنه‌ای، استفتاء، س ۵۴ آیت‌الله صافی، هدایة العباد، ج ۲، اولیاء العقد، م ۲ و جامع الاحکام، ج ۲، س ۰۶۲۱.

^{۳۵۲} امام، استفتاءات، ج ۳، اولیاء العقد، س ۱۹ و دفتر همه مراجع.
^{۳۵۳} امام، استفتاءات، ج ۳، احکام ازدواج، س ۵۵ آیت‌الله مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۹۰۷ آیت‌الله خامنه‌ای، استفتاء، س ۷ آیت‌الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۵۳۳ آیت‌الله نوری، استفتاءات، ج ۲، س ۶۳۷ و توضیح المسائل، م ۲۵۳۴ دفتر آیت‌الله بهجت.

^{۳۵۴} آیت‌الله سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۳۳۳ آیت‌الله تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۱۳۹۵ آیت‌الله صافی، جامع الاحکام، ج ۲، ۵۵۲۱.

^{۳۵۵} آیت‌الله وحید، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۹۵۳۱.
^{۳۵۶} امام و آیت‌الله بهجت، توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۰۵ آیت‌الله نوری، توضیح المسائل، م ۱۰۴۲.
^{۳۵۷} آیت‌الله مکارم، آیت‌الله تبریزی و آیت‌الله صافی، توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۰۵ آیت‌الله فاضل، توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۰۵ و جامع المسائل، ج ۱ س ۱۴۵۵ و ۶۵۴۱.

^{۳۵۸} آیت‌الله سیستانی، توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۰۵ آیت‌الله وحید، توضیح المسائل، م ۴۲۹۶.
^{۳۵۹} آل عمران (۳)، آیه ۰۱۱.

^{۳۶۰} آل عمران (۳)، آیه ۱۱۳ و ۴۱۱.
^{۳۶۱} لقمان (۳۱)، آیه ۷۱

^{۳۶۲} طه (۲۰)، آیه ۴۳ و ۴۴
^{۳۶۳} بس القوم قومٌ یعبیون الامر بالمعروف و النهی عن المنکر “: وسائل الشیعه، ج ۱۱، ط جدید، ص ۲۹۳.

^{۳۶۴} آیت‌الله مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۱۳۷۷ آیت‌الله صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۴۵۶ آیت‌الله سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۱۷۷۳ آیت‌الله خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، س ۴۵۰۱.

^{۳۶۵} امام و آیت‌الله فاضل، توضیح المسائل مراجع، م ۲۷۸۶ آیت‌الله بهجت، توضیح المسائل، امر به معروف آیت‌الله نوری، توضیح المسائل، م ۲۷۸۴ دفتر آیت‌الله مکارم و آیت‌الله خامنه‌ای.

^{۳۶۶} آیت‌الله وحید، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۱۲۷۱ آیت‌الله تبریزی و آیت‌الله سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۱۲۷۱ آیت‌الله صافی، توضیح المسائل، م ۲۸۶۰ و ۲۸۶۱.

^{۳۶۷} مجموعه آثار شهید مطهری ج ۱۷ حماسه حسینی صفحه ۲۴۹، شهید مطهری
^{۳۶۸} توضیح المسائل مراجع ج ۲ ص ۶۱۹ و استفتا از دفتر آیت‌الله سیستانی (

^{۳۶۹} دفتر همه مراجع.
^{۳۷۰} امام، تحریر الوسیله، ج ۱، شرایط الامر بالمعروف، الشرط الرابع، م ۲ آیت‌الله وحید، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۱۲۷۲ و ۱۲۷۵ آیت‌الله تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۱، م ۱۲۷۲ و ۱۲۷۵ آیت‌الله سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۱۲۷۲ و ۱۲۷۵ آیت‌الله صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۴۵۸ و دفتر آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله بهجت، آیت‌الله نوری، آیت‌الله مکارم و آیت‌الله فاضل.

- ^{۳۷۱} امام، استفتاءات، ج ۱، امر به معروف، س ۱۸ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۹۳۷ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۰۶۸ و دفتر همه مراجع.
^{۳۷۲} بقره، آیه ۲۷
- ^{۳۷۳} آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۱۶۹۳ و دفتر همه مراجع.
- ^{۳۷۴} توضیح المسائل مراجع، م ۲۰۸۰ آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۲۱۰۸ آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۷۵۹ آیت الله نوری، توضیح المسائل، م ۲۰۷۴ آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۹۸۲.
- ^{۳۷۵} توضیح المسائل مراجع، احکام و کالت، م ۲۱۰۸.
- ^{۳۷۶} العروة الوثقی، ج ۲، کتاب المضاربه و توضیح المسائل مراجع، احکام و کالت.
- ^{۳۷۷} دفتر همه مراجع.
- ^{۳۷۸} دفتر همه مراجع.
- ^{۳۷۹} آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۹۵۰ امام، توضیح المسائل، م ۲۸۳۹ و استفتاءات، ج ۲، احکام معاملات، س ۲۲۵.
- ^{۳۸۰} آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۲، س ۴۲۶ و ۴۲۷ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۰۳۲ آیت الله مکارم، توضیح المسائل، م ۲۴۲۹ آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۲۱۴۴ و ۲۱۴۲ و توضیح المسائل، احکام سفته، م ۶ و آیت الله سیستانی، توضیح المسائل، عملیات بانکی، م ۲۸.
- ^{۳۸۱} آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۲۸۶۹.
- ^{۳۸۲} آیت الله بهجت: توضیح المسائل، متفرقه، م ۲۹
- ^{۳۸۳} آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۲۱۳۵، آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۱۶۹۵ آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۹۸۹ و ۲۰۰۴ آیت الله وحید، توضیح المسائل، م ۲۸۶۲ آیت الله سیستانی، توضیح المسائل، جوایز بانک، م ۲۴ و Sistani.org قرض امام، توضیح المسائل، م ۲۸۵۸ آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۲، س ۴۷۶ آیت الله بهجت، توضیح المسائل، متفرقات، م ۲۲ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۹۴۵ و ۱۹۴۶ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۰۹۸.
- ^{۳۸۴} امام، استفتاءات، ج ۲ گناهان کبیره، س ۱۶ و ۲۱ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۹۸۲ آیت الله سیستانی Sistani.org، غیبت آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۰۴ و ۱۰۰۶ و دفتر آیت الله بهجت، آیت الله نوری، آیت الله وحید، آیت الله صافی، آیت الله خامنه‌ای، آیت الله مکارم.
- ^{۳۸۵} جامع السعادات، ج ۲، ص ۳۲۳.
- ^{۳۸۶} آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۱۵۲۰ دفتر همه مراجع.
- ^{۳۸۷} آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۷۷۲ آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۲۱۸۵ و ۲۱۸۹ آیت الله سیستانی Sistani.org، صلہ رحم و دفتر همه مراجع.
- ^{۳۸۸} آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۹۸۱ و دفتر امام، آیت الله وحید و آیت الله بهجت و آیت الله نوری، آیت الله صافی.
- ^{۳۸۹} آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۱۲۶.
- ^{۳۹۰} آیت الله سیستانی Sistani.org، قمار، س ۴ و دفتر آیت الله مکارم.
- ^{۳۹۱} آیت الله فاضل lankarani.org، احکام قمار، س ۵۰ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، ج ۵، س ۱۱۵۴ آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۱۰۴۳ آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۷۳۴ و آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۵۵۹ آیت الله تبریزی، صراط النجاة، ج ۵، س ۱۱۵۴ و دفتر آیت الله وحید و امام.

- ^{۳۹۲} آیت الله سیستانی **Sistani.org**، قمار، س و ۱ و دفتر آیت الله بهجت
- ^{۳۹۳} امام، استفتاءات، ج ۲، مکاسب محرمه، س ۱۷ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۱۲۳
- آیت الله سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۲۲ آیت الله وحید، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۱۹ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۹۵۳ آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۱۰۳۹ آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۷۲۷ آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۹۹۲ دفتر آیت الله بهجت و آیت الله نوری.
- ^{۳۹۴} امام خمینی، استفتاءات، ج ۲، مکاسب محرمه، س ۳۵ آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۴۲ و ۱۰۶۷ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه، س ۱۱۷۱ آیت الله سیستانی **sistani.org**، رقص ش ۷ دفتر: آیت الله وحید.
- ^{۳۹۵} آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۵۳۴ و ۵۳۵ آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۵۸۰
- آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۷۳۶ و ۱۷۳۸ آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۲، س ۵۷۴.
- ^{۳۹۶} دفتر: آیت الله بهجت.
- ^{۳۹۷} آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۷۳۶ آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۲، س ۵۷۴ دفتر: آیات آیات عظام وحید، سیستان، بهجت.
- ^{۳۹۸} آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۵۳۴ آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۵۸۰ آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۶۷.
- ^{۳۹۹} آیت الله آیت الله خامنه‌ای، اجوبه، س ۱۱۶۸ دفتر: امام خمینی.
- ^{۴۰۰} آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۷۳۶ آیت الله سیستانی **sistani.org**، رقص ش
- ۹ آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۲، س ۵۷۴ آیت الله بهجت، توضیح المسائل، متفرقه، م ۱.
- ^{۴۰۱} آیت الله تبریزی، استفتاءات، ج ۲، س ۱۰۴۲ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه، س ۱۱۶۸ دفتر: امام خمینی.
- ^{۴۰۲} آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۵۳۷ آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۵۸۰.
- ^{۴۰۳} آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۶۲ آیت الله خامنه‌ای، استفتاءات، س ۱۱۶۶ و ۱۱۷۹ و دفتر همه.
- ^{۴۰۴} امام، استفتاءات، ج ۲، مکاسب محرمه، س ۷۹ آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۴۹۲ و ۴۹۳
- آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۷۵۰ و ۷۵۳ آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۸۹ و ۱۰۹۶
- آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۹۵۷ و ۹۵۵ آیت الله سیستانی **Sistani.org**، ریش تراشی، س ۱ و ۳ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۴۲۱ و ۱۴۱۶ دفتر آیت الله وحید.
- ^{۴۰۵} آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۴۰ و ۱۷۴۲ آیت الله بهجت، توضیح المسائل، متفرقه، م ۴.
- (۱) ^{۴۰۶} امام، استفتاءات، ج ۲، مکاسب محرمه، س ۸۴ آیت الله وحید، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۴۳
- آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۴۱۳ آیت الله سیستانی **Sistani.org**، ریش تراش، س ۱ و ۳ آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۴۳ آیت الله بهجت، توضیح المسائل، متفرقه، س ۴
- آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۴۹۲ و ۴۹۳ و آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۹۵۷ و ۹۵۵.
- ^{۴۰۷} آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۷۵۱ و آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۸۷.
- ^{۴۰۸} آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۴۱۸ آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۷۵۳ آیت الله تبریزی، صراط النجاة، ج ۲، س ۹۰۵ و التعلیق علی منهاج الصالحین، م ۴۳ آیت الله وحید، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۴۳ آیت الله سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۴۶ دفتر آیت الله صافی، آیت الله بهجت، آیت الله وحید، آیت الله فاضل و امام.

- ۴۰۹۰-۹۴۰۹ امام، تحریر الوسیله، ج ۲، فروع متفرقه، الثالث، آیت الله تبریزی، صراط النجاة، ج ۵، س ۷۰۶
- آیت الله سیستانی **Sistani.org**، حق چاپ، ش ۱.
- ۴۱۰ دفتر آیت الله مکارم، آیت الله فاضل، آیت الله خامنه‌ای و آیت الله بهجت.
- ۴۱۱ دفتر آیت الله وحید.
- ۴۱۲ دفتر آیت الله صافی.
- ۴۱۳ امام، تحریر الوسیله، ج ۲، فروع متفرقه، الثالث آیت الله تبریزی، صراط النجاة، ج ۵، س ۷۰۶ آیت الله سیستانی **Sistani.org**، حق چاپ، ش ۱ دفتر آیت الله صافی.
- ۴۱۴ خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ دفتر آیت الله وحید.
- ۴۱۵ آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۱۶۹۷ و ۱۶۲۴ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۴۱۹.
- ۴۱۶ امام، تحریر الوسیله، ج ۲، فروع متفرقه، الثالث، آیت الله تبریزی، صراط النجاة، ج ۵، س ۷۰۶
- آیت الله سیستانی **Sistani.org**، حق چاپ، ش ۱ دفتر آیت الله صافی.
- ۴۱۷ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۳۴۳.
- ۴۱۸ دفتر آیت الله مکارم.
- ۴۱۹ دفتر آیت الله وحید.
- ۴۲۰ امام، تحریر الوسیله، ج ۲، فروع متفرقه، الثالث، دفتر آیت الله صافی آیت الله تبریزی، صراط النجاة، ج ۵، س ۷۰۶، دفتر آیت الله سیستانی.
- ۴۲۱ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۳۴۱ و ۱۳۴۲ دفتر آیت الله وحید و آیت الله بهجت.
- ۴۲۲ آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۱۶۹۷ و ۱۶۲۴ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۴۱۹
- آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۵۰۱ و ۵۰۴.
- ۴۲۳ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۲۱۹۷ آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۱۶۰۸ آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۱۳۰۳ آیت الله سیستانی **Sistani.org**، تغلب آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۲۴۶۸ و دفتر: امام، آیت الله بهجت، آیت الله صافی، آیت الله نوری و آیت الله وحید.
- ۴۲۴ امام، استفتاءات، ج ۲ مکاسب محرمة ۱۳۸ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۲۱۹۵ و دفتر همه مراجع.
- ۴۲۵ دفتر آیت الله وحید.
- ۴۲۶ توضیح المسائل، مسائله (۱۶۲۶)
- ۴۲۷ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۳، ص ۲۴۸)
- ۴۲۸ شیخ حر عاملی، وسایل الشیعه، تحقیق ربانی شیرازی، ج ۳، ص ۴۶۶، ح ۱)
- ۴۲۹ آیت الله مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۵۴۶ و ج ۲، س ۷۳۷ آیت الله سیستانی، **gro.inatsiS**
- مجلسه سازی آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۲، س ۹۴۵ و دفتر امام، آیت الله وحید و آیت الله بهجت.
- ۴۳۰ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۲۲۱ آیت الله صافی، جامع الاحکام، ج ۱، س ۱۰۵۷
- آیت الله تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۶۱.
- ۴۳۱ آیت الله نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۴۶۵.
- ۴۳۲ امام، تحریر الوسیله، ج ۱، مکاسب المحرمه، م ۱۲ آیت الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۰۱۴ و توضیح المسائل مراجع، م ۲۰۶۹ آیت الله تبریزی، توضیح المسائل مراجع، م ۲۰۶۹ و استفتاءات، س ۱۰۰۷ آیت الله خامنه‌ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۲۲۱ آیت الله سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۱۸

آیت‌الله وحید، توضیح المسائل، م ۲۰۷۷ آیت‌الله بهجت، وسیلة النجاة، ج ۱، م ۱۴۴۸ و دفتر آیت‌الله نوری.

^{۴۳۳} آیت‌الله مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۵۴۷ و ۵۴۸.

^{۴۳۴} آیت‌الله صافی، هداية العباد، ج ۱، م ۱۶۹۶ و توضیح المسائل مراجع، م ۲۰۶۹.

^{۴۳۵} توضیح المسائل مراجع، م ۱۷۳۰.

^{۴۳۶} نساء (۴)، آیه ۵۸.

^{۴۳۷} اول قطرة من دم الشهيد كفارة لذنوبه ألا الدین فان كفارته قضائه: "من لا يحضره الفقيه، ج ۳، ص

۱۸۳، ج ۸۸۶۳.

^{۴۳۸} دفتر همه مراجع.

^{۴۳۹} امام، آیت‌الله سیستانی، آیت‌الله فاضل، توضیح المسائل مراجع، م ۲۶۶ آیت‌الله تبریزی، استفتاءات، س

۱۵۹ و دفتر همه مراجع.

^{۴۴۰} امام، تحرير الوسيلة، ج ۲، كتاب القضاء، م ۶ آیت‌الله فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۹۷۲ آیت‌الله

مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۶۶۴ و ۶۶۵ آیت‌الله صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۵۴۰ آیت‌الله

خامنه‌ای، اجوبة الاستفتاءات، س ۱۲۴۶ و ۱۲۴۷ و آیت‌الله بهجت، توضیح المسائل، متفرقات، م ۱۶.

^{۴۴۱} آیت‌الله تبریزی، استفتاءات، س ۹۹۹ آیت‌الله وحید، منهاج الصالحين، ج ۳، م ۳۲ و آیت‌الله سیستانی

Sistani.org، رشوه.

^{۴۴۲} امام خمینی و آیت‌الله بهجت، توضیح المسائل مراجع، م ۲۲۶ و دفتر: آیت‌الله خامنه‌ای.

^{۴۴۳} آیت‌الله تبریزی و آیت‌الله سیستانی، منهاج الصالحين، ج ۱، م ۴۹۳

^{۴۴۴} آیت‌الله وحید، توضیح المسائل، م ۲۳۴.

^{۴۴۵} آیت‌الله فاضل، توضیح المسائل مراجع، م ۲۲۶.

^{۴۴۶} آیت‌الله مکارم، توضیح المسائل مراجع، م ۲۲۶ و آیت‌الله صافی، هداية العباد، ج ۱، م ۶۲۳ و ۶۲۴.

^{۴۴۷} آیت‌الله نوری، توضیح المسائل مراجع، م ۲۲۶.

^{۴۴۸} دفتر همه مراجع.

^{۴۴۹} مجموعه آثار شهید مطهری ج ۱۴ صلح امام حسن (علیه السلام) صفحه ۶۲۴، شهید مطهری